

# افق تبلیغ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
معاونت فرهنگی و تبلیغی

<b>افق تبلیغ</b>
<b>فصلنامه علمی - تخصصی</b>
◀ سال اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۹



نشریه «افق تبلیغ» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۵۵۷۰ تاریخ ۱۳۹۸/۵/۱۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.



ویراستار: علی خانی

مترجم انگلیسی چکیده: محمدرضا عموحسینی

صفحه آرا: اکبر اسماعیل پور

◀ صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

◀ مدیر مسئول: سعید روستا آزاد

◀ سردبیر: علی اکبر مؤمنی

◀ دبیر اجرایی: اکبر اسماعیل پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

محمدتقی انصاری پور

◀ عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

حجت الله بیات

◀ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و حدیث

عباس پسندیده

◀ عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث

حسین جوان آراسته

◀ عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

کریم خان محمدی

◀ عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم

ناصر رفیعی محمدی

◀ عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

سعید روستا آزاد

◀ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ابوالفضل ساجدی

◀ عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی علیه السلام

علی اکبر مؤمنی

◀ پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

آدرس نشریه: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷

پایگاه اینترنتی: <http://ofoghetabligh.dte.ir>

قیمت: ۲۴/۰۰۰ تومان





## شیوه‌نامه تدوین مقالات

### الف) شرایط

۱. مقالات دارای صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات دنباله‌دار نباشند و حجم آنها حداقل ۴۰۰۰ و حداکثر ۶۰۰۰ کلمه تنظیم گردد.
۳. مقالات، نباید به عنوان بخشی از کتاب، یا به عنوان مقاله چاپ شده باشند.
۴. مقالات ترجمه‌ای تنها در صورت داشتن نقد مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

### ب) ساختار

۱. چکیده مقاله: حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۰۰ کلمه شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش
۲. کلیدواژه‌ها: شامل ۳ تا ۷ واژه کلیدی.
۳. مقدمه مقاله، شامل تعریف مسئله، پیشینه اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی.
۴. مقاله باید محصول مطالعه، تجربه و پژوهش‌های دست اول نویسنده و متضمن دست آورد علمی جدید با تکیه بر نتایج عملی باشد.
۵. نتیجه‌گیری: بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد.
۶. فهرست منابع: (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) که به شکل زیر باید تنظیم گردد:  
- نام خانوادگی و نام نویسنده، سال نشر، نام کتاب، ترجمه یا تحقیق، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.  
- نام خانوادگی و نام نویسنده، سال نشر، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.



۷. ارجاعات، باید بین متنی باشند: (نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه)

### ج). یادآوری

۱. مجله در رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات آزاد است.
۲. حداکثر پس از دو ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش از طریق همین سامانه اعلام می‌گردد.
۳. نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن بر عهده مجله نیست.

۴



## فهرست مطالب

منبر مرحوم فلسفی ویژگی‌ها و معیارها ۷

محمدعلی نجفی کرمانشاهی

راهکارهای تقویت باورهای دینی در جامعه از منظر قرآن ۲۵

علیجان کریمی

بایسته‌های تبلیغ و مبلغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۴۱

نفیسه قنبری

جایگاه و نقش ادبیات در تبلیغ آموزه‌های دینی با تأکید بر شعر ۵۷

علی اکبر فراتی

تحلیل و بررسی ظرفیت انتظار در منابع روایی اهل سنت ۷۵

حسین الهی نژاد

بایدها و نبایدهای تبلیغ در زندان ۹۱

مجید صادقی و حامد میرزاخان



## منبر مرحوم فلسفی ویژگی‌ها و معیارها

محمدعلی نجفی کرمانشاهی\*

### چکیده

کسب مهارت و توفیق در حوزه وعظ و تبلیغ، به عوامل و رویکردهای مختلفی وابسته است. یکی از این رویکردها، شناخت ویژگی‌های خطیبان معروف و واعظان مشهور جهان تشیع است؛ تا مبلغ با شناخت و کشف رمز پیروزی و موفقیت آنان، به الگوبرداری پرداخته، در مسیر تبلیغ و تبیین معارف اهل بیت علیهم‌السلام به انجام وظیفه بپردازد. واعظ شهیر، حجت‌الاسلام شیخ محمدتقی فلسفی، از وعاظ بنام شیعه در قرن اخیر است که بیان مهم‌ترین ویژگی‌های منبر ایشان، مسئله این نوشتار است. ایشان علاوه بر سابقه کهن وعظ و خطابه که به بیش از هفتاد سال می‌رسد، در امر منبر، صاحب سبک است. هدف از این پژوهش، ترسیم ویژگی‌های منبر ایشان، به انگیزه ارائه الگوی معیار است. روش این پژوهش، مبتنی بر تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در این پژوهش، ضمن اینکه بر تنوع و تعدد ویژگی‌های منبر وعاظ تأکید شده، «ویژگی» را به خصوصیتی که فقط عده‌ای به آن پایبند هستند، تعریف کرده و از ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی، ده مورد تحت عناوینی چون: استفاده از مباحث علمی روز، معرفی جامعیت اسلام، کثرت مطالعه و انبوه‌خوانی، استفاده صحیح از داستان، ذکر حکیمانه روایات، ذکر مسائل سیاسی بدون جناح‌گرایی، استفاده از ابزار غیرزبانی، همسویی گفتار و رفتار، توجه به سه محور: «حکمت»، «وعظ» و «جدل» و توجه به جایگاه و نیاز مخاطب بیان شده است. این ویژگی‌ها، در سه حیطه: «خطیب و واعظ»، «خطابه و وعظ» و «مخاطبان» سامان یافته است و در مجموع، هندسه‌ای را در مقوله تبلیغ و منبر ارائه می‌نماید که می‌توان آن را «مکتب تبلیغی فلسفی» نامید.

### کلیدواژه‌گان

تبلیغ، ویژگی‌های منبر، مرحوم فلسفی.

مهارت‌یابی در عرصه منبر و خطابه، در گرو تلاش فراوان و مطالعه بسیار است. همچنین، برای نیل به این مهم، از تمرین مستمر و شرکت در کارگاه‌های آموزشی فنون سخنوری، می‌توان بهره برد (حسینی قمی، ۱۳۹۸، ص ۵۴ و ۵۵). البته راه دیگری نیز وجود دارد و آن، استفاده از سیره سخنوری منبری‌ها و خطبای صاحب سبک است و بی‌شک، مرحوم فلسفی دارای سبک مختص به خود در امر تبلیغ و سخنوری است.

در باره ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی یا ویژگی منبر وی - با توجه به سیره تبلیغی ایشان و کتاب معروف ایشان در این زمینه - نوشته‌هایی پدید آمده است (مثلاً ر.ک: «سخن و سخنوری» مجله مبلغان، شماره ۲۷، فروردین ۱۳۸۱ ش)؛ ولی همچنان در مورد این مبحث، می‌توان بسیار سخن گفت و مطلب نوشت؛ زیرا ضرورت و اهمیت آن در الگوسازی برای خطبای جوان و وعاظ تازه‌کار و حتی باتجربه، بر اهل فن پوشیده نیست.

نوآوری این مقاله، علاوه بر نگرش طبقه‌بندی‌گونه به ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی بر اساس آنچه در کتاب ایشان تأکید شده، استفاده از گزارش‌های موجود در خصوص شخص مرحوم فلسفی و منبر ایشان و نیز مشاهده یا استماع اصل منبرهای آن بزرگوار است. خواننده در مقاله پیش‌رو، با مهم‌ترین خصوصاتی که این خطیب فقید در منبر داشته و به شکل ارادی یا غیرارادی از آنها بهره می‌برده و منبرش را غنا می‌بخشیده و مخاطبانش را راضی می‌نموده، آشنا می‌شود تا اگر خواست از پیروان مکتب خطابه مرحوم فلسفی باشد، نقشه این راه و معیار طیّ طریق برای وی، مشخص و روشن باشد.

### معرفی مرحوم فلسفی

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی فلسفی تنکابنی، از سرشناس‌ترین وعاظ تاریخ معاصر است. او به سال ۱۳۲۶ یا ۱۳۲۷ق در تهران دیده به جهان گشود. خاندان وی، اهل دانش و دیانت بود (دوانی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۹) و پدرش آیت‌الله شیخ محمدرضا تنکابنی - که اهل آخوند محله رامسر بود - از مجتهدان معروف و علمای طراز اول شیعه در تهران محسوب می‌شد و آخرین شاگرد میرزا حبیب‌الله رشتی بود. پدر مرحوم فلسفی، بیش از یکصد سال زیست و در سال ۱۳۸۵ق دار فانی را وداع گفت. همچنین، عموی مرحوم فلسفی که ابوالزوجه وی هم بود، شیخ محمدحسین تنکابنی نام داشت که از مجتهدان و علمای تهران به شمار می‌رفت. به‌علاوه،





فقیه برجسته آیت الله میرزا علی فلسفی، و عالم متواضع میرزا ابوالقاسم فلسفی، دو برادر دانشمند مرحوم فلسفی بودند و شیخ محمد تنکابنی، پسرعموی ایشان بود (امینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۲۱؛ شریف رازی، ۱۳۵۳، ص ۴۰۶-۴۱۱).

۹  
 مرحوم فلسفی، دروس حوزوی را در معقول و منقول، نزد اساتید برجسته‌ای آموخت؛ ولی از نوجوانی به خطابه و وعظ روی آورد و در این وادی شهره آفاق شد؛ به طوری که او را معروف‌ترین خطیب عصر و مشهورترین واعظ زمان - در میان خطبا و وعاظ فارسی‌زبان - دانسته‌اند (شریف رازی، ۱۳۵۲، ص ۳۸۷). او روشی نوین را در فن منبر پایه‌گذاری کرد و تحولی عمیق در زمینه سخنوری ایجاد نمود (همان، ص ۳۸۹). خوشدل تهرانی که خود ادیبی خطیب بود، او را استاد استادان بلاغت یاد می‌کند (همان، ص ۳۹۰). امام خمینی علیه السلام، او را «سخنگوی دیانت اسلام» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۵) نامید و حضرت آیت الله خامنه‌ای، وی را یگانه زمان در وعظ و تبلیغ منبری، و دارای حقی عظیم بر اصحاب این حرفه مقدس خواند که خدمات بزرگش در راه تبلیغ دین فراموش ناشدنی است (پایگاه مقام معظم رهبری، ۲۷ آذر ۱۳۷۷).

وفات این خطیب شهیر و واعظ مجاهد، در ۹۴ سالگی در آذر ۱۳۷۷ ش / شعبان ۱۴۱۹ ق روی داد و پیکرش را در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهرری به خاک سپردند. در رحلت وی، پیام‌های تسلیت متعددی صادر شد و مراسم فراوانی در نقاط مختلف کشور برپا گشت (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ص ۶۳۶).

### ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی

منبر، از ماده «نبر» است و به هر چیزی گفته می‌شود که چیز دیگری را بلند گرداند. منبر را از این رو منبر گفته‌اند که مرتفع و بلند است و به شخصی که فصیح و بلیغ است و از گنگی به دور باشد، مُعرب و تبار می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۳۹۸ و ۱۷۴۷).

با اینکه از همان ابتدای اسلام، سخت‌افزاری به نام «منبر» ایجاد گشت و مورد استفاده قرار گرفت، ولی نوعاً تعبیر «خطیب»، در مورد شخصی که وعظ می‌نمود، خطبه می‌خواند و بر منبر بود، به کار می‌رفت. همسو با استفاده از وصف خطیب، از توصیف «واعظ» برای فرد مذکور نیز استفاده شد. لقب واعظ، هرچند همواره در طول تاریخ تشیع به کار رفته و منحصر به قرون متأخر نیست، ولی فراگیری و فراوانی آن، از عصر صفویه به بعد است؛ چنان‌که اسامی و زمان





شخصیت‌هایی که بدین نام شهره گشته‌اند، گواه و شاهدهی بر آن است (واعظ خیابانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲؛ منزوی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۶۹). در طلّیعه عصر صفویه، تعبیر «روضه‌خوان» - که به عقیده شهید مطهری منشأ آن خواندن کتاب روضه الشهداء کاشفی سبزواری است - نیز استعمال گشت؛ اما در این اواخر، تعبیر «منبری» رایج شد و مقصود از آن، شخصی است که وعظ و خطابه می‌نماید؛ ولی زمانی که بحث از منبر می‌شود، شامل مجموعه ارکان خطابه، یعنی: خطیب، خطبه و مخاطب است؛ مگر اینکه قید احترازی خاصی به کار رود که دایره آن را محدود نماید. در این مقاله، هر سه مقوله یادشده، مورد توجه است.

ویژگی خاص منبر، القای خطابه از سوی واعظ و استماع مخاطبان است. اگرچه سعی شده روش‌های دیگری، به‌ویژه در اعصار متأخر پدید آید، ولی اصلی‌ترین خصوصیت منبر خطبای تاریخ اسلام، همین القا و استماع دوسویه است؛ امری که برای غربی‌ها و سیاحان خارجی نیز جذاب و حیرت‌انگیز بوده و وضع توأمان القای خطابه از جانب خطیب و حالت انتظار و استماع مستمعان، باعث شگفتی آنها می‌شده است (برای نمونه، ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰، مقاله «سوگواری محرم در سفرنامه‌های خارجی»).

ناگفته نماند که مقصود از ویژگی در این نوشتار، معنای لغوی آن نیست؛ زیرا ویژگی‌های شخصی در نگاه نخست، چیزهایی هستند که در یک شخص وجود داشته و در اشخاص دیگر وجود ندارند؛ مثلاً لقب مبارک «امیرالمؤمنین»، از خصایص انحصاری حضرت امام علی علیه السلام است که حتی بر انبیا و ائمه دیگر اطلاق نمی‌گردد؛ اما در نگاه دیگر، مقصود از ویژگی، بحث انحصار نیست؛ بلکه آن چیزی است که در غالب افراد یک صنف خاص موجود نیست و به صورت برجسته در افرادی نادر موجود است. از این رو، منظور ما از ویژگی‌های منبر مرحوم فلسفی در این پژوهش، آن دسته ویژگی‌های برجسته علمی و عملی ایشان است که معمولاً در مبلغان دیگر وجود ندارد. به طور کلی، موارد ذیل را می‌توان از ویژگی‌های منبر مرحوم حجت‌الاسلام فلسفی برشمرد:

#### ۱. استفاده از مباحث علمی روز

دانش جامعه بشری، همواره در حال افزایش و تکامل است و بر اساس عقیده ما شیعیان، پس از ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام، دانشی که بشر بدان دست یافته، چندین برابر دیگر نیز رشد خواهد نمود و جهش پیدا می‌کند. بر این اساس و نیز به جهت تطورات زندگی بشر و اقتضائات هر

زمان، آن دینی سرزنده و پویاست که بتواند با تکامل دانش جوامع، گرفتار جمود یا کهنگی نگردد. اعتقاد ما نیز به عنوان اینکه اسلام دین نهایی خداوند و مکتب تشیع، قرائت اصیل و ناب از این دین مبین است، بیانگر آن است که دین بتواند با زمانه پیش برود و حرفی برای گفتن داشته باشد. از این جهت، هنر عالم و محقق و خطیب شیعه است که بتواند لایه‌های پنهان مبانی دینی را کشف کند و برای مردم تبیین نماید و در این مسیر، از مباحث علمی روز نیز بهره‌بردار تا هم تهمت دوگانگی دین و دانش از میان برود و هم مردم سرزندگی و تازگی دینی را که بدان معتقدند، حس کنند. در این زمینه، یعنی بهره‌بردن از مباحث علمی روز و تطبیق مسائل علوم رایج و مهمی چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بر نصوص اصیل دینی، مرحوم فلسفی بسیار موفق و پیشرو بود. وی بدون اینکه در دام تفسیر مادی از دین گرفتار آید، سعی می‌کرد بر اساس مطالعات وسیعی که داشت، نکات ناب مکاتب و علوم نوین را درک نماید و سرچشمه دینی تعدادی از آنان را به دست بدهد. شواهد متعددی از این زمینه را می‌توان در منبرها یا نوشته‌های وی به دست داد.

استعمار، از نوع کهن یا نوین آن، از عوامل اثرگذار در رکود فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است (ولایتی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۹). از جمله توطئه‌های استعمار، ناکارآمد جلوه دادن رسانه تأثیرگذار منبر است و اگر واعظ به مسائل روز نپردازد، در حقیقت، در زمین استعمار و برای جبهه باطل کار نموده است. مقصود از پرداختن واعظ به مسائل روز، ذکر مطالبی است که مورد ابتلا و نیاز جامعه است و این، به معنای پرداختن به وقایع و تاریخ سایر امم و ادوار کهن نیست؛ بلکه می‌توان به صورت نظریاتی و استناد به حوادث مشابه، هرچند به هزاره‌های سابق متعلق باشد، مسائل روز را متذکر شد و به مقصود خود رسید. البته از دید مرحوم فلسفی، واعظ باید دقت داشته باشد که مطالب علمی مردود را بیان نکند و نصوص دینی مبتنی بر مطالبی را که به خرافه می‌ماند یا خارج از درک وی است و موجب ضربه خوردن به دین مردم است، ارائه ننماید (حمیدزاده گیوی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷).

## ۲. معرفی جامعیت اسلام

هدایت، گونه‌های مختلف و متنوعی دارد که وعظ و خطابه، یکی از آن گونه‌ها و صورت‌هاست (شریعتمداری، ۱۳۹۱، ص ۸۶). برخی خطبا به این نکته مهم دقت دارند که بیان مطالب توسط آنها، به گونه‌ای باشد که جامعیت دین مبین اسلام را نشان بدهد و مرحوم فلسفی نیز از همین دست

افراد بود. ایراد خطابه با این رویکرد، موجب می‌گردد هم مخاطب جذب سخنان خطیب شود و هم به صورت زنجیره‌وار مسائل و معارف اسلامی برای وی حل گردد یا نسبت بدان‌ها معرفت تدریجی پیدا کند. معرفی جامعیت اسلام، محتاج مطالعات گسترده خطیب و درک - هر چند متوسط - وی از مجموعه عقاید و احکام و معارف اسلامی است. بدیهی است، برای اینکه بیان جامعیت اسلام در خطابه یک خطیب جلوه کند، باید سیر منطقی بحث‌ها نیز رعایت شود و مبلغ، سلسله‌وار بتواند زنجیره‌های گسسته را به هم پیوست دهد و مخاطب را با خود همراه نماید. هماهنگی ابتدا و انتهای هر مجلس سخنرانی و نیز پرهیز از تناقض‌گویی (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۹)، از ملزومات بیان جامعیت اسلام است؛ زیرا ممکن است خطیبی بتواند معارف اسلامی را با نگاهی جامع بیان کند، ولی بر اثر عدم اتخاذ سیر منطقی بحث و نیز گرفتار شدن به بیان مطالب متناقض، به نتیجه مطلوب دست نیابد.

### ۳. کثرت مطالعه و انبوه‌خوانی

ذهن انسان غیر معصوم هر مقدار که تیز و قوی باشد، ولی با فاصله گرفتن از مطالعات مستمر، دقتش در بیان مطالب کم می‌گردد و برخی امور را فراموش کرده یا به صورت ناقص به خاطر خواهد داشت. از این رو، استمرار مطالعه، حتی برای مدرسان برجسته و مبلغان توانا نیز امری ضروری است. متأسفانه، بعضی افراد بدون توجه به این نکته، پس از اینکه سالیانی چند به تدریس یا تبلیغ و خطابه اشتغال داشتند، به همان دانسته‌های قبلی اکتفا کرده و هیچ تلاشی در انبوه‌خوانی و مطالعه مستمر ندارند. این امر، آسیب‌های فراوانی از جمله نقل ناقص یا اشتباه دانسته‌های قبلی را در پی خواهد داشت. حجت‌الاسلام فلسفی، هر چند تحصیلات طولانی مدتی داشت و مبانی دینی و معارف مذهبی را نیک فرا گرفته بود، اما همواره اهل مطالعه روشمند و تحقیق هدفمند بود. دامنه مطالعات وی برای ارائه منبرهایش به گونه‌ای بود که علاوه بر ده یا بیست ساعت مطالعه‌ای که برای هر منبر اختصاص می‌داد، وسعت زمانی بسیار بیشتری را برای هضم و درک دقیق‌تر پاره‌ای معارف لحاظ می‌نمود تا بدانجا که خروجی مطالعات انبوهش در برخی موضوعات، علاوه بر منبرهایی که مثلاً در یک دهه یا یک ماه ارائه می‌داد، تولید کتاب‌هایی علمی و پُر بار بود؛ به عنوان مثال، نوشته‌های ایشان در باره طفل و جوان و یا آیه‌الکرسی، از نتایج مطالعات وسیع ایشان در مقطعی خاص بوده است.

#### ۴. استفاده صحیح از داستان

از جمله اموری که در فنّ خطابه در میان تمام ادیان و مکاتب قدیم و جدید وجود داشته و دارد، بهره بردن از داستان و حکایت برای تفهیم معارف و مفاهیم است. در سیره انبیای الهی علیهم السلام و ائمه اطهار علیهم السلام و نیز در تاریخ و عظم و خطابه مسلمانان و غیرمسلمانان، استفاده از داستان و حکایت در منابر و خطبه‌ها، پُررنگ بوده است. مزایای استفاده از داستان در خطابه، امری روشن است و نیازی به تبیین ندارد. یکی از اصلی‌ترین رویکردها در اصل جواز، و بلکه ترجیح ذکر داستان برای عبرت‌آموزی، استناد به قرآن کریم در این زمینه است (دانش‌کجا، ۱۳۹۳، ص ۵۰ - ۵۵). داستان‌گویی در منابر، به‌سان هر چیز دیگر، دارای آداب و آفاتی است. از جمله آداب بهره‌گیری از داستان در منبر، عدم افراط در این مسیر، بهره‌جستن از داستان‌های مستند و حکایات معتبر است؛ تا هدف اصلی از این کار که اقناع مخاطب است، برآورده شود؛ امری که مرحوم فلسفی همواره بدان پایبند بود و در استناد به حکایات معتبر و دارای مصادر صحیح، دقت وافر و توجه بسیار داشت؛ برخلاف آن دسته افرادی که گمان می‌برند تمایل مستمعان برای شنیدن داستان، مجوز نقل هرگونه داستانی خواهد بود؛ زیرا چنین تصویری، به عدم تحقق هدف منبر و در مواردی، نقض غرض و به وجود آمدن نتیجه منفی منجر می‌شود.

#### ۵. ذکر حکیمانه روایات

حدیث، منبع معرفت و حکمت است؛ ولی به سبب اینکه دایره فهم مخاطبان، متفاوت است و مراتب درک مستمعان یکسان نیست، هنر خطیب و واعظ در این است که به فراخور حال و میزان رتبه درک دینی افراد، به ذکر احادیث بپردازد؛ چنان‌که در توصیه‌های ائمه اطهار علیهم السلام نیز این مطلب مشهود است و بیان مطلب به اندازه رتبه درک مخاطب، از سیره انبیا و اوصیا یاد شده است (مازندرانی، ۱۳۴۲، ج ۱۲، ص ۳۵۴). گلچین نمودن روایات و احادیث خاص و ناب که دایره شمول آنها عمومی‌تر است، از هنرهای یک خطیب است؛ به‌ویژه در روزگاری که وسایلی چون: رادیو، تلویزیون، اینترنت و موبایل باعث شده منبر خطیبان حالتی فرا منطقه‌ای به خود بگیرد. عدم ذکر روایاتی که موجب وهن مذهب است، بسیار مهم می‌باشد. مرحوم فلسفی، در زمان خود کاملاً به این مسئله واقف بود و نسبت به آن حساسیت داشت. بازگشت این رویکرد ارزنده و حکیمانه مرحوم فلسفی، به مقوله تناسب محتوا با حال مستمعان است و اینکه منبری آگاه باشد که چه موضوعی را برگزیند و استفاده‌اش از شعر و قصه و طنز به چه میزان باشد و یا اگر ذکر



احکام لازم است، چه احکامی را بیان کند. آیا مجلس خطابه اقتضا دارد متن عربی آیات و روایات طولانی را خواند یا اینکه مبلغ فقط متن عربی متون کوتاه را بخواند و از پریشانی ذهن مخاطبان جلوگیری کند. آیا محور مباحث خطیب، بیشتر تبشیری باشد یا اندازی یا تلفیقی از انذار و تبشیر. همچنین، تکرار که به ندرت لازم است و غالباً موجب ملالت است، در چه جایی ضرورت می‌یابد؛ چون معمولاً مخاطب از طولانی شدن سخنرانی گریزان است. واعظی در منزل مرحوم فلسفی و در حضور ایشان منبر رفته بود. وی می‌گفت: دیدم در مقابل منبر این عبارت را نوشته‌اند: حداکثر بیست دقیقه!

بدیهی است که بیان مطالب مورد نیاز و به فراخور ذهن و درک مخاطب، محتاج تسلط خطیب به موضوع سخن است. تعبیر مرحوم فلسفی از آن، به «سخنوری و بصیرت» می‌باشد؛ اصولاً آگاهی از مطلبی که قرار بر القا و تبیین آن است، اولین وظیفه اساسی منبری محسوب می‌گردد (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶). پس، او باید بینا و بصیر باشد و مطلبی را که برای ارائه آماده کرده، به خوبی بفهمد و از سخن گفتن بدون علم پرهیز نماید؛ چه در صورتی که نسبت به موضوع سخن بی اطلاع است و چه در فرضی که متخصص و آگاه است، ولی وقت مطالعه و مراجعه و مطالعه نداشته و بدون تحقیق کافی در باب موضوعی سخن می‌گوید؛ حال آنکه چنین سخن گفتنی، سزاوار کسی است که از نظر مطالب و محفوظات آن چنان غنی باشد که بتواند در ظرف چند لحظه، از محفوظات خویش موضوعی مناسب برگزیند (همان، ص ۴۳-۴۷).

پدر مرحوم فلسفی، بدان حد مقید به استمرار تحصیلات دینی پسرش بود که با وجود اقبال مردم به منبرهای او در سنین نوجوانی، شرط کرده بود که تحصیلاتش را تکمیل کند و در میانه هفته منبر نرود و فقط در پنج‌شنبه و جمعه به وعظ و خطابه پردازد (خردمند، ۱۳۸۶، ص ۵۲۳). همچنین، آن مرحوم با داشتن تحصیلات طولانی، مطالعات مستمر و تحقیقات فراوان در دوران ممنوع المنبر بودن، همچنان برای هر منبر، ۸ تا ۱۰ ساعت مطالعه می‌نمود.

یکی از آفات سخنرانی و نبایسته‌های محتوا به هنگام ارائه مطالب، افکندن مخاطب در شبهه و بیان نکاتی فراتر از درک اوست. وقتی مخاطب بستر مقدماتی فراگیری برخی مطالب را طی نکرده، بیان مباحث مشتمل بر خرافات و غلو یا کرامات بیش از حد یا بیان بعضی اعجازهای معصومین علیهم‌السلام، نه تنها موجب تقویت دیانت و ایمان او نمی‌شود، بلکه ممکن است خدای ناکرده باعث سخره گرفتن اعجاز یا افتادن وی در شبهه گردد. واضح است که شیطان در

هر امر و فعلی از بشر طمع می‌کند که آن را فاسد نماید و تبلیغ و وعظ و خطابه نیز از این امر مستثنا نبوده و باید به ناپایسته‌ها و آسیب‌های آن توجه کرد (حمیدزاده گیوی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶-۲۶۷). نقل شبهات غیر مجاز که نمی‌توان به آسانی اذهان مردم را از آن پاک کرد، از آفات برخی وعاظ است (بهراری، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴). از دیدگاه مرحوم فلسفی، ویژگی عدم القای شبهه، بسیار مهم و اساسی است. شبهه‌ای که لازم است مطرح و رد شود، باید ابتدا خوب شرح داده شود و سپس، پاسخ وافی بدان داد؛ بلکه بهتر است ابتدا پاسخ آن به صورت بحثی مفصل مطرح شود تا وقتی اصل شبهه مطرح می‌شود، مخاطبان جواب را فهمیده باشند (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۱۴، ۳۱۳ و ۳۳۴).

#### ۶. ذکر مسائل سیاسی بدون جناح‌گرایی

زنده‌یاد شیخ محمدتقی فلسفی که به عنوان یک منبری اخلاقی معروف بود، نسبت به وقایع سیاسی و اجتماعی زمانه، بیگانه و بی‌اعتنا نبود. از نگاه وی، خطیب باید آشنا به مباحث اجتماعی و وضع سیاسی روز باشد تا مبادا سخنی بگوید یا موضعی اتخاذ نماید که برخلاف مصلحت تلقی گردد (همان، ص ۱۵۸ و ۱۸۳). البته از دیدگاه ایشان، سیاسی بودن، غیر از جناحی بودن است. اینکه منبری اهل سیاست‌ورزی باشد، قابل جمع با فراجناحی بودن است. از نگاه او، یکی از شرایط منبری، اصلاح‌جویی و فسادستیزی بودن است؛ بدین معنا که رویکرد اساسی خود را بر اساس مکتب حضرت سید الشهداء علیه السلام، تمرکز بر ایجاد اصلاح و مبارزه با ظلم و ظالم با فساد و فاسد قرار دهد؛ ولی شرط اساسی این کار، داشتن بصیرت است. مرحوم فلسفی معتقد بود که انتقاد، بخشی از محتوای منبر است؛ ولی باید ظریفانه و بابصیرت مطرح شود (همان، ص ۱۹۸-۲۰۵). وی با وجود ده‌ها سال ستم‌ستیزی و داشتن روحیه اصلاح در عصر پهلوی، پس از پیروزی انقلاب به سبب اینکه انقلاب اسلامی روی کار آمده و انتقاد، موجب سوء استفاده دشمن می‌شد، از انتقاد علنی دست برداشت و می‌گفت: من در این باره، وظیفه‌ام را به طور خصوصی انجام می‌دهم (دوانی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۴). در باره انتقاد و آداب و انواع آن، مرحوم فلسفی به صورت مبسوط بحث نموده است (فلسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۳-۳۶۲).

شجاعت و نه‌راسیدن از غیر خدا، از ویژگی‌های لازم و ضروری برای خطیب و واعظ و مبلغ است؛ چنان‌که خداوند سبحان در این مورد فرموده: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب، آیه ۳۹). البته شجاعت تا وقتی قابل ستایش و



پسندیده است که از مرز شرع تجاوز نکند و رنگ تهور به خود نگیرد. شجاعت خطیب، بر نفوذ سخنش می‌افزاید، اطمینان خاطر شنوندگان را افزایش داده، موجب اقناع سریع‌تر آنان می‌شود (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۶۳).

ورود در عرصه‌های سیاسی نیز در ذیل مقوله شجاعت و دوری از عافیت‌طلبی تحلیل می‌گردد. مرحوم فلسفی در عصر پهلوی اول، به سبب انتقاد از دستگاه حاکم، ممنوع‌المنبر شد. همچنین، در سال ۱۳۲۷ش که با دسیسه انگلیس و غربی‌ها، اسرائیل اعلان موجودیت کرد و یکی از بزرگ‌ترین امواج مخالفت با این قضیه، در ایران و به طور خاص توسط آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام سامان داده شد (نجفی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵). شیخ محمدتقی فلسفی، از ابرار خطابه و منبر برای رسواسازی خائنان استفاده می‌کرد. در واقعه شهدای آذربایجان در دهه بیست، اولین ملاقات شاه با مرحوم فلسفی روی داد و این امر، شروع ارتباط فلسفی با شاه بود. تا زمانی که این ارتباط قطع نشده بود، عامل کارگشایی از کار مؤمنان و گرفتاران بود و مرحوم فلسفی از ارتباطش برای حل مشکل‌ها و رفع نیاز مؤمنان استفاده می‌کرد (شیری، ۱۳۹۳، ص ۷۰۷ و ۷۰۸؛ دوانی، ۱۳۶۷، ص ۱۲۴-۱۲۶). فلسفی، نماینده آیت‌الله بروجردی و مراجع بزرگ و رساننده پیام میان مراجع و دربار بود (خردمند، ۱۳۸۶، ص ۵۲۸). استیضاح دولت علم، از فعالیت‌های برجسته سیاسی مرحوم فلسفی بود که در زمان خود، بسیار برجسته تلقی شد (همان، ص ۵۳۰-۵۳۲؛ ر.ک: فلسفی، استیضاح دولت در حضور ملت، ۱۳۸۴).

تبعیت از مرجعیت اعلای شیعه، در راستای همین مقوله آشنایی با زمان می‌گنجد. با اینکه در میان مؤمنان فقط سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام حجت است، ولی منبری نمی‌تواند این اصل بنیادین را نادیده انگارد که در عصر غیبت امام معصوم علیه‌السلام، مرجعیت دینی شیعه است که راهبر جامعه در صراط مستقیم و هادی امت است. از این رو، تخطی از خط مرجعیت ناپسند بوده و گوش به فرمان مرجعیت بودن، ویژگی منبری‌های طراز اول و برجسته است. مرحوم فلسفی نیز در طول حیات خود، همواره این‌گونه بود؛ از باب نمونه، می‌توان به داستان حظیرة القدس بهائیان و هماهنگی میان وی و مرجع مطلق جهان تشیع، مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی یاد کرد (قیصری، ۱۳۹۰، ص ۴۹؛ گورابی، ۱۳۸۹، ش ۵۱). مجموع ویژگی‌های مرحوم فلسفی باعث شده بود تا به تعبیر آیت‌الله بهاء‌الدینی، دستگاه طاغوت از منبرهای ایشان وحشت و هراس داشته باشد (حیدری کاشانی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۹).



## ۷. استفاده از ابزار غیرزبانی

اگرچه برخی مؤلفه‌های فصاحت سخنور، فطری و عطیه‌ای الهی است، اما با تمرین و مجاهده می‌توان خطیبی فصیح شد؛ بدان گونه که سخن چون موم در دستان انسان باشد و در قامت شخصی سخن‌آفرین، الفاظ و جملات مناسب را اختیار کرده، در فراز و فرود سخن دچار تردید و توقف و بن‌بست نشود و در انتخاب کلمات و ترکیب جملات تسلط کافی داشته باشد و از گفتن الفاظ زشت، پیچیده یا نامأنوس دوری کند. همچنین، بحث تکیه بر صوت و اندازه‌گیری صدا و اعتدال در تندگویی و کندگویی، از مصادیق فصاحت بیان است که رعایت آنها در حسن استماع شنونده مؤثر است (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۵۱)؛ چنان‌که بلاغت سخنور نیز ویژگی مشابه دیگری است که باید عناصرش مراعات شود؛ مانند تفاوت میان زمان طبیعی، تاریخی و اجتماعی (همان، ص ۱۵۳-۲۰۵).

استفاده از ابزارهای غیرزبانی نیز توسط دسته‌ای از منبری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق سیره مرحوم فلسفی - به غیر از منبرهای رادیویی ایشان - استفاده از دست، چرخش صورت، استتطاق از مخاطبان و دیگر مواردی که مصداق ابزار غیرزبانی و مفید در القای مطلب یا جلب توجه مخاطب و مستمع است، از ویژگی‌های منبر ایشان شمرده می‌شود؛ چنان‌که خود ایشان به این نکات تصریح نیز داشت (همان، ص ۲۲۳-۲۴۳)؛ به‌ویژه دقت ایشان در استفاده از «زبان بدن» قابل التفات بود. در مجموع، استفاده از این تنوع ابزاری موجب شده بود مرحوم فلسفی علاوه بر بیان روان و شمرده‌ای که داشت و بر پرمحتوا بودن منبرهایش تأکید می‌نمود، بتواند در عرصه منبر به عنوان یک الگوی مبتکر شناخته شود و مسیر منبر خویش را از صورت عادی آن به جهات دیگر سوق دهد (انصاری قمی، ۱۳۸۸، ص ۶۳۳).

## ۸. همسویی گفتار و رفتار

انتظاری که خداوند و اولیا و حتی اصناف مردم از سخنوران و خطیبان دارند، همسویی گفتار آنان با رفتارشان است. مرحوم فلسفی داستان جالبی را در این زمینه نقل می‌کند (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۰) و خود نیز پیوسته بر عامل به علم خویش بودن تأکید داشت. پند سودمند و نافع‌ترین وعظ، آن است که خصوصیت بازدارندگی داشته باشد؛ «الْوَعظُ النَّافِعُ مَا رَدَّعَ» و «أَنْفَعُ الْمَوَاعِظِ مَا رَدَّعَ» (آمدی، ۱۳۷۶ق، ص ۴۲ و ۱۸۳) بدیهی است که یکی از عوامل اثرگذار در تحقق بازدارندگی مورد انتظار در مقوله وعظ، عمل شخص واعظ به بیاناتش باشد.

مرحوم فلسفی، انسانی مقید به قیود شرعی، مخلص، دلسوز مردم و دارای پشتکار و همت والا بود. چون از نگاه او، هدف اصلی اسلام آن است که مردم ساخته‌شده، وظیفه‌شناس و درستکار بار آیند و به مکارم اخلاق و سجایای انسانی متخلق گردند (فلسفی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۹۰). خود نیز سعی داشت مزین به آداب و اخلاق پسندیده باشد. رسانه منبر، در گذشته و حال ظرفیت متخلق ساختن مردم به مکارم اخلاق را دارا بوده و هست؛ به شرط وجود یک ویژگی مهم در شخص منبری، و آن، تقید علمی و عملی به شرع است؛ «یکی از ویژگی‌های مهم آقای فلسفی، این بود که در سخنرانی‌هایش خیلی مقید بود برخلاف موازین شرع و روایات مطلبی نگویید... و... می‌گفت: وقتی می‌خواهم مطلبی بگویم، اول به کتب مراجعه می‌کنم تا خلاف دین و روایات نباشد. سپس، بالای منبر می‌گویم» (شیری زنجانی، ۱۳۹۳، ص ۷۰۸).

تخصص در دانش و نیز ورود در زمینه‌هایی که انسان نسبت بدان آگاهی دارد و عدم ورود در زمینه‌هایی که فاقد اطلاع در آنهاست، یک حکم عقلی و دارای پشتوانه نقلی استوار است (نجفی، ۱۳۹۸، فصل دوم). مرحوم فلسفی می‌فرمود: خطیب باید آگاه به مطالبی باشد که بیان می‌کند (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۶؛ حمیدزاده گیوی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۲). ایشان سخنرانان را از ورود در زمینه‌هایی که نسبت بدان اطلاع کافی ندارند، بر حذر می‌داشت و اظهار نظر در این زمینه‌ها را ناپسند دانسته، دارای آسیب فراوان می‌خواند.

برخلاف موجی که قبل از انقلاب ایجاد شده بود، مرحوم فلسفی قرآن بسندگی را مذموم می‌دانست و عقیده داشت در کنار استفاده از معارف قرآنی باید در منبرها محوریت با معارف اهل بیت علیهم‌السلام باشد. خودش نیز تا بدانجا از روایات جان‌بخش بهره می‌برد که مجموعه‌هایی حدیثی از منبرها و آثارش تولید شده است. از دید وی، عترت و قرآن، دو یادگار نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده و از هم جدا نمی‌شوند و تبیین کتاب وحی بر عهده اهل بیت معظم رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نهاده شده است (فلسفی، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

ویژگی اصلی خطیب شیعه، این است که محوریت را در منبر خویش به ثقلین بدهد و از ارائه منبرهای صرفاً متکی بر مباحث علوم انسانی روز با منبرهای قرآن‌محور دوری کند. همچنین، ایشان مقید بود ذکر کرامات علما در منبرش پُررنگ نباشد؛ تا مناقب و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام تحت الشعاع قرار نگیرد. ایشان از ذکر مطالب مشابه و شطحیات، دوری می‌کرد. وی مقید بود مقتل و روضه نیز بخواند؛ چنان‌که مجموعه مقالات وی به چند صورت تجمیع و منتشر شده است

(از جمله: مقتل فلسفی، به کوشش رحمتی شهرضا، ۱۳۸۲). البته در پخش سخنرانی‌های رادیویی مرحوم فلسفی در زمان طاغوت، به محض اتمام سخنرانی، پخش رادیویی قطع می‌گشت و مقتل‌های وی پخش نمی‌شد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۸۹). به یاد امام زمان علیه السلام بودن و آن خسرو خوبان را ناظر منبر و وعظ خویش دیدن، از خصوصیات مرحوم فلسفی بود. وی می‌فرمود:

«شما نیز هر وقت منبر می‌روید، این را به خاطر داشته باشید که: «مَا ظَنُّكَ يَا مَامَ الزَّمَانِ علیه السلام»؛ یعنی به گونه‌ای حرف بزنید که اگر امام علیه السلام در مسجد را باز بکند و شما را بر بالای منبر ببیند، [تأیید نموده و] بگوید: احسنت» (پایگاه اینترنتی بلاغ، شماره مطلب: ۷۱۲۱، ۱۳۹۵/۶/۳).

### ۹. توجه به سه مؤلفه حکمت، وعظ و جدل

اینکه شخص رویکرد منبرهای خویش را فقط تک‌عنصری قرار دهد، یک آفت در منبر است؛ زیرا دین اسلام جامع‌الاطراف است و مخاطبان نیز در بسترهای زمانی و مکانی، متفاوت هستند. از ویژگی‌هایی که در منبر مرحوم فلسفی مشهور بود و خود نیز بدان تصریح داشت، لزوم ارائه منبرهای متنوع است. تنوع، به دو گونه است: عرضی و طولی. مقصود از تنوع عرضی، استفاده از مطالب متنوع در مباحث سلسله‌وار و موضوعی است و مقصود از تنوع طولی، انتخاب منبرهای کشکولی است. همچنین، یکی از مصادیق تنوع، استفاده از روش «زاویه انحرافی» است؛ یعنی خطیب بدون اینکه دچار تناقض گفتاری شود، ابتدا مطلبی شگفت، انکارآمیز و به ظاهر غیرقابل قبول را مطرح می‌کند، تا در واقع، حقیقت ناشناخته‌ای را برای مردم روشن سازد. این قسم سخن گفتن، در فکر شنوندگان اثر گذاشته و سخنان منبری را از یاد نمی‌برند (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۵-۱۰۲).

به دستور خداوند، رسول وی موظف بود دعوت خویش را بر سه اصل: سخنان حکیمانه، مواعظ حسنه و مجادله‌های فاقد خصومت مبتنی سازد؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِلَا تِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، آیه ۱۲۵). خطیب و منبری نیز باید به اقتضای مجلس وعظ و کیفیت استماع مستمعان، از یکی از مصادیق سخنان حکیمانه، اندرزهای نیک و مقوله مجادله و مناظره بهره بجوید (فلسفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۶۵-۲۸۳)؛ هرچند مردم بیشتر در مواد خطابه به مظنونات، مقبولات و مشهورات عادت دارند؛ تا برهان و استدلال (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۷۸). بشر از نظر ساختمان عقلی و استعدادهای طبیعی، طوری آفریده شده که برای تسخیر آسمان‌ها و زمین شایستگی دارد؛ ولی این امر، محتاج مجهز شدن



به سلاح علم و عمل و به فعلیت در آوردن همه استعدادهای درونی اش است (فلسفی، الف، ۱۳۸۷، ص ۸۲). استفاده از رسانه منبر در تحقق فعلیت استعدادهای مردم، امری شدنی است؛ ولی این موضوع، در گرو توجه به عنصر زمان و مکان است. در واقع، بازگشت این امر به همان قانون تناسب محتوای منبر است؛ یعنی باید محتوایی که خطیب ارائه می‌دهد، متناسب با زمان و مکان ایراد خطابه باشد؛ به عنوان نمونه، اگر در ایامی خاص منبر می‌رود، به تناسب آن ایام بحث کند یا اینکه وعظ در مکان‌های خاص، مثل جبهه یا مناطقی که برادران اهل سنت نیز می‌زیند، اقتضائات مخصوص خود را دارد؛ امری که استعدادهای او را برای «فعلیت ایجابی» (سیر به سوی کمال) و «فعلیت سلبی» (دوری از انحرافات اخلاقی و فکری) هدایت خواهد کرد.

#### ۱۰. توجه به جایگاه و نیاز مخاطب

یکی از ارکان فرآیند تحقق مبحث وعظ، مخاطب است. منبری موفق و مفید، آن کسی است که مخاطب و نیازهای وی را بشناسد و برای وی احترام قائل شود (همو، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰ و ۱۹۳). وظیفه نخست سخنور، آگاهی و آگاه‌سازی است و دومین وظیفه‌اش، اقناع شنوندگان و مخاطبان است. علاوه بر این دو وظیفه، ترغیب مستمعان نیز باید مورد توجه خطیب باشد (همان، ص ۲۱-۴۳). اگرچه حُسن استماع مستمع از جهتی وظیفه اوست و شرط اصلی فراگیری دانش و رهیابی به کمال است (همان، ص ۲۰۸)، اما بر خطیب است که نه تنها پریشانی خاطر مستمع را پدید نیاورد، بلکه در افزایش میل و رغبت و حُسن استماع او بکوشد. این موضوع، حتی برای خود گوینده دانا نیز مفید است (همان، ص ۲۱۲)؛ چراکه حُسن استماع، در قدرت تفهیم اثر می‌گذارد و اگر قدرت تفهیم منتفی گردد و شنوندگان مقصود منبری را در نیابند، برپایی مجلس وعظ و سخنرانی، بیهوده و لغو است (همان، ص ۲۸۵). از این رو، برای نیل به این مقصود، باید منبری روش‌هایی چون: استفاده از کلمات روان، جملات کوتاه، مقایسه و سنجش، تمثیل و تشبیه، پاسخ به پرسش‌ها و مواردی دیگر را لحاظ کند تا در حُسن استماع شنونده، ترغیب وی به شنیدن و نفوذ قول خطیب مؤثر باشد (همان، ص ۲۸۶-۳۱۲). مرحوم فلسفی عملاً این نکات را پیاده می‌نمود و مجموع این مزیت‌ها موجب شده بود که برخی افراد مقید باشند بلافاصله پس از منبر مرحوم فلسفی در جایی، خود را به منبر بعدی او نیز برسانند؛ چنان‌که در مورد تاج نیشابوری، واعظ شهیر عصر قاجار، نقل شده که وقتی از منبر پایین می‌آمد، بیشتر حاضران بر می‌خاستند تا خود را به مجلس بعدی او برسانند (خالقی، ۱۳۵۳، ص ۳۵۶).

## سخن پایانی

با وجود ایجاد رسانه‌های رقیب در عصر حاضر، منبر دارای تفاوت‌ها و ویژگی‌هایی است که همچنان به دید برخی از صاحب‌نظران اهل تجربه، «رسانه‌ای بی‌بدیل» قلمداد می‌گردد (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۶۹)؛ چنان‌که شواهد متعددی از تأثیرگذاری منبر در وقایع و حوادث مهم سیاسی - اجتماعی تاریخ ایران و ممالک اسلامی، به‌ویژه ملت‌های شیعی را می‌توان نشان داد. بدین ترتیب، با برنامه‌ریزی دقیق در بهره‌برداری از این رسانه می‌توان مانند گذشته، از آن در ترقی و پیشبرد اجتماع اسلامی بهره برد. اسلام و به‌خصوص مکتب تشیع، دارای ابزارها و ظرفیت‌هایی است که می‌تواند سعادت و کمال بشر را بدون افتادن در چاه منحط تیره‌روزی فراهم سازد. یکی از ابزارهای تحقق این امر، توجه به جایگاه واعظان به عنوان یکی از طبقات و اصناف مؤثر در اجتماع (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۱) و بهره‌مندی هنرمندانه از رسانه بی‌بدیل منبر است. تربیت منبری‌های زبده، راه‌های گوناگونی دارد که از جمله می‌توان به شناساندن منبری‌های موفق تاریخ شیعه و بیان ویژگی‌های منبر آنان اشاره کرد. مرحوم شیخ محمدتقی فلسفی، از همین دست افراد است که به ویژگی‌های منبر معیار وی، بر اساس نوشته‌ها و سیره تبلیغی وی پرداختیم؛ ویژگی‌هایی که در راستای ارتباط با شخص خطیب، محتوا و روش خطابه و مقتضیات مرتبط با مخاطب تقسیم شده و هر کدام دارای جهات و حیثیاتی است؛ امری که در مجموع، موجب می‌شود قائل شویم که «مکتب تبلیغی فلسفی»، یک مکتب معیار برای تربیت مبلغ و منبری است و باید در شناساندن و معرفی این مکتب کوشید.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۹ ش، چاپ پنجم، قم، اشکذر.
۳. امینی، محمدهادی، ۱۴۱۳ ق، معجم رجال الفكر فی النجف، چاپ دوم، بی‌جا، بی‌نا.
۴. انصاری قمی، ناصرالدین، ۱۳۸۸ ش، اختران فضیلت، ج ۱، قم، دلیل ما.
۵. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۶ ق، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، قم، دار الکتاب.
۶. بهاری، شیخ محمد، ۱۳۷۵ ش، تذکره المتقین، قم، نهاوندی.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۷۹ ش، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۶ ش، مقالات تاریخی، ج ۲، چاپ دوم، قم، الهادی.
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶ ش، مهر استاد، چاپ سوم، قم، اسراء.
۱۰. حسینی‌زاده، سید علی، ۱۳۹۰ ش، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، چاپ ششم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. حسینی قمی، سید حسین، ۱۳۹۸ ش، مصاحبه با ایشان در مجموعه پله‌های منبر، تدوین گروه تولید محتوای دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بوستان کتاب.
۱۲. حمیدزاده گیوی، علی‌اکبر، ۱۳۸۹ ش، بایسته‌ها و نبایسته‌های تبلیغ و مبلغین، تهران، حسام و پورنگ.
۱۳. حیدری کاشانی، علی، ۱۳۷۸ ش، سیری در آفاق، قم، حیدری بیگدلی.
۱۴. خالقی، روح‌الله، ۱۳۵۳ ش، سرگذشت موسیقی ایران، ج ۱، تهران.
۱۵. خردمند، محمد، ۱۳۸۶ ش، خطیب یگانه؛ مقاله «شرح حال مرحوم فلسفی در مجموعه گلشن ابرار»، ج ۵، چاپ دوم، قم، نورالسجاد.
۱۶. خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸ ش، صحیفه امام، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۷. دانش‌کیا، محمدحسین، ۱۳۹۳ ش، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، قم، دانشگاه معارف.
۱۸. دوانی، علی و دیگران، ۱۳۷۶ ش، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۹. دوانی، علی، ۱۳۸۸ش، مفاخر اسلام: معاصران، ج ۱۳، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. رفیعی، ناصر، ۱۳۹۸ش، مصاحبه با ایشان در مجموعه پله‌های منبر، تدوین گروه تولید محتوای دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بوستان کتاب.
۲۱. شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۳۹۳، جرعه‌ای از دریا، ج ۳، قم، کتاب‌شناسی شیعه.
۲۲. شریعتمداری، علی، ۱۳۹۱ش، رسالت تربیتی و عملی مراکز آموزشی، چاپ هفتم، تهران، سمت.
۲۳. شریف رازی، محمد، ۱۳۵۲ش، گنجینه دانشمندان، ج ۲، تهران، اسلامیه.
۲۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۳ش، گنجینه دانشمندان، ج ۴، تهران، اسلامیه.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ق، العین، تحقیق و تصحیح مخزومی، سامرای و طیب، قم، اسوه.
۲۶. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۶ش، اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی، چاپ دهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴ش، استیضاح دولت در حضور ملت، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷ش، آیه الکرسی پیام آسمانی توحید، چاپ دهم، الف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷ش، بزرگسال و جوان، ج ۲، چاپ هشتم، ب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، سخن و سخنوری، چاپ نهم، ج، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹ش، شرح و تفسیر دعای مکارم الأخلاق، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲ش، مقتل فلسفی (روضه‌های واعظ شهیر مرحوم فلسفی)، به کوشش محمد رحمتی شهرضا، قم، روزنه دانش.
۳۳. قیصری، مهدی، ۱۳۹۰ش، خطیب توانا، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۴. گورابی، سید یاسم، پاییز ۱۳۸۹، «سیره عملی آیت الله العظمی بروجردی»، مجله علوم سیاسی، قم، دانشگاه باقرالعلوم ع، شماره ۵۱.



۳۵. مازندرانی، ملا صالح، ۱۳۴۲ش، شرح کافی، تهران، المكتبة الاسلامية.
۳۶. منزوی، علی نقی و دیگران، ۱۳۷۷ش، فهرس اعلام الذریعة، ج ۳، تهران، دانشگاه تهران.
۳۷. نجفی کرمانشاهی، محمدعلی، ۱۳۹۸ش، تأثیرات تمدنی تخصص در پژوهش، قم، میراث ماندگار.
۳۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۷ش، فعالیت‌های عالمان شیعه در عرصه بین‌الملل، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۳۹. واعظ خیابانی، میرزا علی، ۱۳۸۲ش، علمای معاصر، تصحیح عقیدتی بخشایشی، قم، نوید اسلام.
۴۰. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۹۳ش، فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ شصت و یک، قم، معارف.

#### پایگاه‌های اینترنتی

۱. پایگاه اینترنتی بلاغ (معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، نشانی: [www.balagh.ir](http://www.balagh.ir)
۲. پایگاه دفتر مقام معظم رهبری، نشانی: [www.leader.ir](http://www.leader.ir)



## راهکارهای تقویت باورهای دینی در جامعه از منظر قرآن

علیجان کریمی\*

### چکیده

تصدیق قلبی و زبانی آورده‌های انبیا، «ایمان» نام دارد و در افراد مختلف، با توجه به عواملی که در ایجاد و تقویت آن نقش دارند، درجات گوناگونی دارد؛ اما اینکه چه اصول و راهکارهایی سبب تقویت ایمان و باورهای دینی می‌شود، جای بحث و بررسی دارد. بررسی آیات قرآن در خصوص فطریات انسان و نیز توجه به آموزه‌های مشترک انبیا، به‌ویژه آموزه‌های اسلام در مورد دین‌داری، نشان می‌دهد که روش‌هایی سبب تقویت دین‌داری است که حس حقیقت‌جویی و پرسشگری انسان را اقناع کند و با فطرت کمال‌طلبی و خداجویی او هماهنگ باشد و افزون بر آن، از مهارت‌های مختلف ابلاغ پیام، مانند بیان رسا و روش‌های زیبا و جذاب بهره گرفته، توانایی‌ها و انتظارات مخاطب را در نظر بگیرد و از سخت‌گیری و قرار دادن مکلف در تنگنا بپرهیزد و به تناسب شرایط متفاوت، انعطاف‌پذیر بوده و در یک کلام، آسان‌گیر باشد.

### کلیدواژه‌گان

دین، باورهای دینی، روش‌ها، قرآن، جامعه.



## مقدمه

ایمان، عبارت از تصدیق قلبی و زبانی به آورده‌های پیامبران است (حلی، ۱۴۱۶، ص ۳۰۰). ایمان و باور افراد به مسائل دینی، دارای درجات و مراتب مختلفی است. باور برخی، بسیار سطحی است و باور بعضی، خیلی قوی و برخی نیز باوری متوسط دارند. قرآن در باره درجات ایمان افراد می‌فرماید: «هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ» (آل‌عمران، آیه ۱۶۳). همچنین، قرآن کریم در مورد افزایش ایمان می‌فرماید: «وَ إِذَا تَلَّيْتْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا...» (انفال، آیه ۲)؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزون‌تر می‌گردد. «پاداش اخروی افراد نیز بر اساس درجات ایمان و باورهای آنان است: «... لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (انفال، آیه ۴)؛ برای آنان (مؤمنان)، درجاتی نزد پروردگارشان است.» البته درجات اخروی، به سبب اعمال مختلف است: «وَ لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا...» (انعام، آیه ۱۳۲؛ احقاف، آیه ۱۹).

در باره دین‌داری و روش‌های تقویت آن، آثاری تدوین شده که در جای خود ارزشمند است.<sup>۱</sup> این پژوهش، با توجه به مشکل دین‌گریزی، به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان و پرسش‌هایی که در مورد راهکارهای تقویت باورهای دینی مطرح می‌شود، در صدد است از منظر قرآن کریم اصولی را که باید در موضوع تقویت باورهای دینی در نظر گرفت، عرضه کند و به این سؤال که «راهکارها و اصول تقویت باورهای دینی از نظر قرآن چیست؟» پاسخ دهد. برای پاسخ به این پرسش و نیز بیان اصول یادشده، لازم است ابتدا واژه دین مفهوم‌شناسی شود.

## مفهوم دین

معنای اصلی واژه «دین»، کُرنش و پیروی از مقرراتی مشخص است. معانی دیگر این واژه، مانند: طاعت، تعبد، جزا، عادت و خلق و خو، از مصادیق واژه یاد شده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۸۷-۲۹۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۶۹). دین، به معنای راه و روش نیز آمده است (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۹۶). در قرآن کریم، دین در چند معنا به کار رفته است:

۱. برای نمونه، ر.ک: «راه‌های تقویت دین‌باوری در جوانان»، زهرا رضائیان و ابوالفضل ساجدی، افق تبلیغ، دوره ۱، ش ۱، ۱۳۹۸ش، ص ۱۰۷-۱۲۳؛ «راه‌کارهای گرایش جامعه به دین‌داری»، مرجان درستی مطلق، نامه جامعه، ۱۳۸۳ش، ۱؛ پایان‌نامه «راه‌های تقویت دین‌داری در قرآن و حدیث»، کبری ستایش، دانشگاه ایلام، ۱۳۸۹ش.



- طاعت و انقیاد: «وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ» (نساء، آیه ۱۴۶)؛

- جزا: «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» (حمد، آیه ۴) (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۲۳؛ طبرسی، ج ۱، ص ۶۰)؛

- مقررات و سنت‌ها: «مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ (يوسف، آیه ۷۶)؛ یوسف هرگز

نمی‌توانست برادرش را مطابق مقررات پادشاه (مصر) بازداشت کند» (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۲۲۵).

دین در اصطلاح، با نگاهی برون‌دینی به مجموعه‌ای از باورها، سنت‌ها و مقرراتی گفته می‌شود

که افرادی به آنها پایبند باشند؛ چه خاستگاه بشری داشته باشند (ادیان غیرالهی) یا از خاستگاه

الهی (ادیان الهی) برخوردار باشند (جوادی آملی، ۱۳۵۸، ص ۲۶). در قرآن کریم، دین در همین

معنا به کار رفته؛ چه خاستگاه الهی داشته باشد یا خاستگاه بشری: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ

(کافرون، آیه ۶)؛ آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم.» از منظر درون‌دینی، دین بر

مجموعه‌ای از اصول عقاید، احکام و اخلاق اطلاق می‌شود (شعرانی، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ همو،

ج ۲، ص ۴).

از نگاه قرآن، پیامبران الهی از نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ تا رسول خاتم سَلَّمَ دعوت‌کننده به یک دین بوده‌اند:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» (شوری، آیه ۱۳)؛ آیینی را برای شما تشریح کرد که به

نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم،

این بود که دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.» نام دینی که همه انبیا به آن دعوت

کرده‌اند، اسلام است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، آیه ۱۹). دین اسلام، دارای دو بخش

«باورها» و «احکام عملی» است.

### درجه‌بندی باورهای دینی

ایمان و باور افراد به مسائل دینی، در یک سطح و درجه نیست. قرآن در این باره می‌فرماید: «هُمَّ

دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ» (آل عمران، آیه ۱۶۳) (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۶۳؛ طبرسی، ج ۲، ص ۴۳۴؛ نیز ر.ک:

آخوندی، ۱۳۹۹، ص ۲۴-۷؛ اوائل المقالات، ص ۷۸)؛ برای نمونه، پیش از جنگ احزاب، رسول

اکرم سَلَّمَ پیروزی مسلمانان را بر جبهه کفر و شرک خبر داده بود (طبری، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۸۴). در

این جنگ، مدینه در محاصره لشکریانی از مشرکان و یهود قرار گرفت (احزاب، آیه ۹-۱۰).

قرآن کریم، واکنش مسلمانان را این‌گونه ترسیم می‌کند: منافقان وقتی حجم عظیمی از لشکر

مهاجم را دیدند، گفتند: پیامبر با وعده دروغین پیروزی، ما را فریب داد. آنان با اینکه تعهد داده بودند در جنگ پایداری کنند، با تضعیف روحیه دیگران و اینکه دیگر مدینه جای ماندن نیست و نیز به بهانه بی حفاظ بودن خانه‌هایشان، به فکر فرار، عقب‌نشینی و اجازه برای ترک جنگ افتادند و آرزو کردند از بادیه‌نشینان بودند (احزاب، آیه ۱۲-۲۰). مسلمانان ضعیف‌الایمان وقتی این وضعیت را مشاهده کردند، به وعده خدا و پیامبرش بدگمان شدند و آن را دروغ پنداشتند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸۷، ص ۵۳۲): «وَتَتَّظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا» (احزاب، آیه ۱۰)؛ اما دسته دیگری از مؤمنان، نه تنها دچار ترس و بدگمانی نشدند، بلکه این موضوع، جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود و گفتند: «هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب، آیه ۲۲)؛ این، همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده و خدا و رسولش راست گفته‌اند.»

### اصول تقویت باورهای دینی

برای اینکه باورهای دینی در دل‌ها تقویت و تثبیت شوند، روش‌ها و اصولی را باید در نظر گرفت. این اصول که از آیات قرآن کریم به دست آمده است، عبارت‌اند از:

#### ۱. بیدارسازی فطرت

از منظر قرآن، دینی ارزشمند است که مطابق فطرت انسان باشد؛ چنان‌که فرموده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَائِمُ (روم، آیه ۳۰)؛ پس، روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این، فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده. دگرگونی، در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند.» دین خدا، فطری است؛ یعنی انسان‌ها بر اساس سرشت خود، آمادگی و رغبت دارند آن را بپذیرند؛ مگر اینکه عواملی آنها را منحرف کنند. در میان همه مخلوقات، فقط انسان، این خلقت ویژه را دارد (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۴۵۷). در روایات، در تفسیر آیه یادشده آمده است: «فَطَرَهُمْ عَلَىٰ مَعْرِفَةِ أَنَّهُ رَبُّهُمْ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۱). و در روایتی تصریح شده: «فَطَرُوا عَلَى التَّوْحِيدِ» (همان).

مقصود از فطرت توحیدی و خداشناسی فطری، این نیست که هر انسانی بالفعل، خدا را با همان اسما و صفاتی که در قرآن و احادیث آمده، می‌شناسد؛ بلکه مراد این است که ساختار وجودی

هر انسانی، به سعادت گرایش دارد (طباطبایی، ج ۱۶، ص ۱۷۹) و به گفته برخی، متعلق فطرت، عشق به کمال است (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴؛ جوادی آملی، ۱۳۵۸، ص ۵۸) و تنها خداست که کمال مطلق است. آری، برخی انسان‌ها در شناختِ مصداق سعادت و کمال مطلق، ناتوان‌اند که انبیا به کمک انسان می‌آیند تا سعادت و کمال مطلق را که همان تقرب به خدای متعال است، به انسان معرفی کنند؛ حتی در وجودِ فرعونِ مستکبر و سرکش که ادعای خدایی داشت، فطرت کمال‌خواهی و سعادت‌طلبی بوده است. از این رو، خدا خطاب به موسی و هارون علیهم‌السلام می‌فرماید: «**اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۖ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ** (طه، آیه ۴۳-۴۴)؛ به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است؛ اما به نرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود یا [از خدا] بترسد.» بدیهی است که سخن آمیخته با خشونت و تندگی، هر چند محتوای آن نیک باشد، سبب لجاجت مخاطب می‌شود؛ به‌ویژه مخاطبی همانند فرعون که استکبار و غرور نابجا، از خصلت‌های برجسته اوست و اگر زمینه هدایت و تربیت هم در وی باشد، از بین می‌رود.

رسالت انبیا، این است که خداشناسی و خداپرستی انسان را به تدریج رشد دهند و پله‌پله افراد را به سوی کمال مطلق و نامتناهی حرکت دهند. امیر مؤمنان علیه‌السلام در باره رسالت پیامبران علیهم‌السلام فرموده: «**فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ** (صبحی صالح، ۱۳۷۴، ص ۴۳)؛ خداوند پیامبران خویش را یکی پس از دیگری، به سوی مردم فرستاد تا از آنها بخواهند که به پیمان فطری خویش عمل کنند.»

به احتجاجات انبیا که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم مخالفان خود را با روش‌های مختلف، متوجه معایب و کاستی‌های معبودان آنها می‌کردند تا فطرت آنان را بیدار کرده، آنها را به معبود واقعی، یعنی «الله تعالی» متوجه نمایند. در وجود هر انسانی، حسّ علت‌یابی وجود دارد. انبیا همین حس را توسعه می‌دهند و به آدمیان یادآوری می‌کنند اگر هر حادثه و پدیده‌ای علت می‌خواهد؛ چرا جهان آفرینش با این عظمت و شگفتی‌ها، بی‌علت باشد؟ برای نمونه، مردم در زمان ابراهیم علیه‌السلام بت‌پرست، ستاره‌پرست، ماه‌پرست و خورشیدپرست بودند (ر.ک: انعام، آیه ۷۵-۷۸) و آن حضرت به گونه‌ای با آنها احتجاج کرد که فطرت خداشناسی آنان را بیدار سازد.

خدای متعالی در قرآن کریم به پیامبر اسلام توصیه کرده که سرگذشت حضرت ابراهیم علیه‌السلام با بت‌پرستان را برای مردم بازگو کند؛ هنگامی که ابراهیم از پدر خویش (آزر) و قومش پرسید: چه چیز را می‌پرستید، گفتند: بت‌هایی را می‌پرستیم و همه روز ملازم عبادت آنهایم. حضرت



فرمود: آیا هنگامی که آنها را می خوانید، صدای شما را می شنوند؟ یا سود و زیانی به شما می رسانند؟ و آنان پاسخ دادند: ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می کنند.

ابراهیم علیه السلام در این گفت و گو، به سادگی آنها را متوجه می کند بت هایی که پرستش می کنید، دست آفریده خودتان است و از کمترین نشانه های کمالی که در شما هست، یعنی دیدن و شنیدن، بی بهره اند و توان روزی رسانی به شما را ندارند (عنکبوت، آیه ۱۶-۱۷) و نه سودی به شما می رسانند و نه زیانی را بر طرف می کنند. چگونه یک انسان کمال طلب باید حاضر شود در برابر موجودی پست تر از خود، کُرنش کند (صافات، آیه ۸۳، ۸۵، ۸۶ و ۹۵؛ مریم، آیه ۴۱ و ۴۲). آنها نیز در برابر ابراهیم علیه السلام پاسخی ندارند؛ جز اینکه اعمال خود را به گردن پدرانشان بیندازند؛ یعنی تقلید کورکورانه؛ اما پیشنهاد ابراهیم علیه السلام، پرستش معبودی است که پروردگار عالمیان، خالق و راهنمای همیشگی و بر طرف کننده نیازها و توانا بر دفع و رفع زیانها و آسیب هاست؛ خدایی که مرگ و زندگی به دست اوست (شعرا، آیه ۶۹-۸۱).

در صحنه دیگر، هنگامی که آن حضرت در غیاب قومش بت ها را در هم شکست و خُرد کرد، وقتی از وی سؤال می کنند: چرا این کار را کردی؟ در پاسخ آنان، ناتوانی بت ها را اثبات می کند و به آنها می گوید: از بت بزرگ پرسید. آنها سر به زیر انداخته، پاسخی ندادند. در واقع، خود پذیرفتند که بت هایشان از سخن گفتن و دفاع از خویشان ناتوان اند. ابراهیم علیه السلام با سرزنش آنان می گوید: چرا چنین موجودات ناتوانی را پرستش می کنید؟ (انبیاء، آیه ۵۱-۵۲، ۶۲، ۶۵-۶۷) از همین روست که آن حضرت، آنان را در گمراهی آشکار می داند (انعام، آیه ۷۴؛ انبیاء، آیه ۵۱-۵۴). ابراهیم علیه السلام در احتجاج با خورشیدپرستان، ماهپرستان و ستارهپرستان، تغییر و دگرگونی و غروب آنان را دلیلی بر شایسته نبودنشان برای پرستش ذکر می کند (انعام، آیه ۷۵-۷۸).

دلیل گزارش روش ابراهیم علیه السلام در برخورد با مخالفان، این است که قرآن کریم سبک حضرت و مؤمنان همراه او را به عنوان الگویی برای موحدان ذکر کرده است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لَقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ حُدَّهُ (ممتحنه، آیه ۴)؛ برای شما، ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق خوبی در زندگی است؛ در آن هنگامی که به قوم [مشرك] خود گفتند: ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید، بیزاریم. ما به شما کافریم و میان ما و شما، عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان

بیاورید.»

شایان توضیح است که اعلام بیزاری از بت پرستان، پس از احتجاجات آن حضرت بوده است؛ هنگامی که استدلال‌های او برای عده‌ای اثر نداشت، موضع قاطع خود را در برابر آنان اعلام کرد (توبه، آیه ۱۱۴).

۳۱



گفتی است سایر انبیا نیز همین سبک را داشته‌اند و مخاطب آنان، فطرت انسان‌ها و هدفشان بیدارسازی فطرت دل و عقل بوده است؛ مثلاً الیاس پیامبر علیه السلام به قوم مشرک خود گفت: «أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (صافات، آیه ۱۲۵)؛ آیا بت «بعل» را می‌خوانید و بهترین آفریدگارها را رها می‌سازید؟»

## ۲. زیبایی و جذابیت

زیبا، در برابر زشت است و معادل عربی آن (زینت)، به این معناست که چیزی بی‌عیب باشد (فراهیدی، ج ۷، ص ۳۸۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۰۱). زیبایی، یا خارجی است یا بدنی یا روحی (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۸۸) و انسان به هر سه قسم آن، گرایش دارد؛ زیرا سرشت انسان، بر زیبایی خواهی استوار است. از این رو، انسان‌ها اشیا را به زیبا و زشت تقسیم می‌کنند؛ هر چند تعیین مصادیق زیبا و زشت، در مواردی نسبی است؛ اما در اصل زیباخواهی و در موارد بسیاری، روی مصادیق زیبایی، اتفاق نظر است؛ مثلاً همه انسان‌ها از مناظر بدیع طبیعت با رنگ‌های متنوع و شادی بخش لذت می‌برند.

قرآن کریم، نظام آفرینش و همه مخلوقات را زیبا معرفی کرده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (سجده، آیه ۷)؛ او، همان کسی است که هر چه را آفریده، نیکو آفریده است.» خدای متعال، بهشت را نیز جایگاهی زیبا و نیکو وصف کرده است: «خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتٌ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا (فرقان، آیه ۷۶)؛ درحالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محل اقامت خوبی.» قرآن کریم نیز که کلمات الله است، بهترین و زیباترین سخن است: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ (زمر، آیه ۲۳). همه مخلوقات، جلوه‌های اسما و صفات او هستند و همه اسمای او، زیبايند؛ «و لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (اعراف، آیه ۱۸۰) و فقط او، «أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» است (صافات، آیه ۱۲۵). بر اساس روایتی، خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳۸).

زینت اگر وسیله‌ای برای تعالی روح و در جهت کمال و خوشبختی باشد، زینت خدایی است

(اعراف، آیه ۳۲) و اگر وسیله استفاده شیطان و برای غفلت از یادِ خدا باشد، زینت شیطانی است؛ چنان‌که شیطان زمانی که از خدا مهلت خواست، اعلام کرد برای گمراه کردن انسان‌ها از وسایل زینتی بهره می‌برد (حجر، آیه ۳۲)؛ همان‌طور که زینت‌های ظاهری، سبب کشش انسان به آنها می‌شود، امور معنوی نیز با زینت مخصوص خود، مایه کشش آدمی به سوی آنها می‌شود؛ برای نمونه، خداوند از محبوبیت و تزئین ایمان در دل‌های مؤمنان و تفرشان از کفر و فسوق و عصیان خبر داده: «وَ لِكِنَّ اللّٰهَ حَبِيبَ الْاِيْمَانِ وَ زَيِّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ اِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ» (حجرات، آیه ۷). ایمانی ارزشمند است که محبوب و آراسته باشد؛ ولی پرسش این است که چگونه ایمان، محبوب و زینت داده شده است؟ به نظر برخی، مقصود، آراسته شدن ایمان به زیبایی‌هایی است که برانگیزنده دل‌های آنان به ایمان باشد؛ به گونه‌ای که دل‌بسته آن شده و از هر چیزی که مانع این دل‌بستگی باشد، روی‌گردان می‌شوند (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۳۱۳). بعضی گفته‌اند، مقصود این است که ایمان را به وسیله بیان پاداش و ستایش مؤمنان، محبوب قرار داد و در دل‌های شما آراست و کفر را با بیان کیفر و نکوهش کافر، در نظر شما ناپسند جلوه داد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۲۲۲). برخی نیز گفته‌اند که این تعبیرات، اشاره لطیفی است به قانون «لطف»؛ آن هم «لطف تکوینی». وقتی شخص حکیم کاری را می‌خواهد تحقق بخشد، زمینه‌های آن را از هر نظر فراهم می‌سازد. این اصل، در مورد هدایت انسان‌ها نیز کاملاً صادق است (همان، ص ۲۲۱)؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۵۹). در روایتی ناظر به آیه یادشده، گفته شده که حقیقت دین، حب است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۸۰). این روایت، احتمالاً اشاره به گرایش و عشق فطری انسان به توحید باشد.

به هر حال، باورهای دینی و امور معنوی را باید به سبکی ترویج کرد که محبوب و زیبا باشد تا جذابیت آنها زمینه دلپذیر بودنشان را فراهم نماید. سخنی اثرگذار خواهد بود که افزون بر زیبایی محتوا، با الفاظی زیبا بیان شود. سخنی زیباست که محترمانه و با نرمی و همراه با احساسات و عواطف باشد؛ سخنی که به تعبیر قرآن کریم: «قول معروف» (گفتار شایسته) (نساء، آیه ۸، ۹ و ۱۰)، «قول کریم» (گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه) (اسراء، آیه ۲۳)، «قول میسور» (گفتار نرم و آمیخته با لطف) (اسراء، آیه ۲۸) و «قول لئین» (سخن نرم) (طه، آیه ۴۴) باشد. خدای متعال به حضرت موسی و هارون علیهم‌السلام توصیه کرد برای اینکه فرعون تحت تأثیر قرارگیرد، با زبان نرم با او سخن بگوید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه، آیه ۴۴).



با توجه به جهان‌بینی الهی که همه زیبایی‌ها جلوه‌هایی از اسمای جمال و جلال الهی هستند، مبلغ دینی اگر بخواهد سخنش نافذ باشد، لازم است هماهنگ با نظام احسن الهی، روشی نیکو و زیبا را برگزیند. قرآن کریم، دعوت‌کننده به سوی خدا را خوش‌گفتارترین افراد معرفی کرده است که افزون بر آن، عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: **مَنْ مِنْكُمْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ** (فصلت، آیه ۳۳). بر پایه روایتی، همه انبیا صدای زیبا داشته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۱۵). نه تنها «داعیان‌إلی‌الله» موظف به انتخاب سبک‌هایی زیبا برای اثرگذاری بر مخاطب هستند، بلکه کسانی که حتی امور جزئی فرهنگی - اجتماعی را بر عهده دارند، توصیه شده کارشان را به زیبایی انجام دهند. از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «هر چیزی زیوری دارد و زیور قرآن، صدای نیکوست» (همان). امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به قدری قرآن را زیبا قرائت می‌کرد که برخی رهگذران وقتی صدای او را می‌شنیدند، بیهوش می‌شدند (همان). ممکن است قرائت زیبای قرآن، انسان دور از خدا را جذب کند و چه بسا مؤذن خوش‌صدایی، سبب برانگیختن احساسات و تحول معنوی شود و برعکس چه بسا صدای ناهنجار و ناخوشی که سبب رمیدن افراد از دین و معنویت شود. به قول سعدی:

ناخوش آوازی به بانگ بلند قرآن همی خواند. صاحب‌دلی بر او بگذشت، گفت: تو را مشاهره چندست؟ گفت: هیچ. گفت: پس، این زحمت خود چندان چرا همی دهی؟ گفت: از بهر خدا می‌خوانم. گفت: از بهر خدا مخوان. گر تو قرآن بر این نمط خوانی، ببری رونق مسلمانی (سعدی، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۳۴).

### ۳. بیان رسا

از واژه‌های پُرکاربرد در قرآن، واژه «بلاغ» و مشتقات آن است. معنای اصلی این واژه، رسیدن به مطلوب و مقصد است (ابن‌فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۰۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۱۹). وظیفه اصلی انبیا، این بوده که به روشی رسا و روشن، پیام‌های الهی را برسانند: **فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ** (نحل، آیه ۳۵؛ نیز ر.ک: مانده، آیه ۹۹). همچنین، از ویژگی‌های قرآن، رسا بودن آن برای همه مردم است: **«هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِيُنذَرُوا بِهِ»** (ابراهیم، آیه ۵۲). پیامبر اسلام نیز موظف شد با سخنی رسا و نافذ در دل‌ها، پیام الهی را برساند: **«وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا»** (نساء، آیه ۶۳).

۱. اجرت، مواجب، ماهیانه (لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۹۲۴).



هنگامی که خدا به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ مقام نبوت و رسالت را اعطا کرد، آن حضرت زبان گویا و قابل فهم از خدا درخواست کرد: «وَ اخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي \* يَفْقَهُوا قَوْلِي (طه، آیه ۲۷-۲۸)؛ و گره از زبانم بگشای تا سخنان مرا بفهمند.» خداوند نیز خواسته او را اجابت کرد (طه، آیه ۳۶).

کسانی که می‌خواهند در مسند مسئولیت‌های فرهنگی و اجتماعی قرار گیرند، لازم است شرایط متناسب با آن را داشته باشند. مبلّغ، امام جماعت و جمعه و هرکسی که سروکارش با جمعی از مردم است، لازم است افزون بر شرایط عمومی، خطیب و سخنور باشد تا از این طریق، بر افراد اثرگذار باشد. از شرایط امام جمعه، بلیغ بودن است (خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵). کسانی که لکنت زبان دارند یا توان ساده‌سازی مطالب را ندارند، بیش از آنکه مبلّغ و رساننده به مقصود باشند، باعث تنفر و دفع افراد هستند. جاذبه‌های ظاهری، به‌ویژه صدای مناسب، بسیار تأثیرگذار است. بنابراین، اشخاصی که خطیب نبوده و بیان رسا ندارند و از رساندن پیام و مقصود خود ناتوان‌اند، نباید در این مسئولیت اجتماعی و مشابه آن قرار گیرند؛ زیرا بیش از آنکه مفید باشند، زیان‌بخش خواهند بود.

#### ۴. آسان‌گیری

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده: «مَا بُعِثْتُ بِالرُّهْبَانِيَّةِ الشَّاقَّةِ وَ لَكِنْ بِالْخَنِيْفِيَّةِ السَّمْحَةِ» (طریحی، ج ۲، ص ۳۷۴). رهبانیت، به معنای زیاده‌روی و افراط در تعبد و سخت‌کیشی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۶۷). واژه «سمحه»، از تسامح به معنای بزرگ‌منشی، بخشندگی و آسان‌گیری است (ابن منظور، ج ۲، ص ۴۸۲). بنابراین، مقصود حضرت این است که «من بر دینی که در آن افراط و سخت‌گیری باشد، مبعوث نشدم؛ بلکه بر دینی که در آن اعتدال، بخشندگی و تساهل است، مبعوث شدم.»

بنای شارع در تشریح تکالیف، بر سخت‌گیری و در تنگنا قرار دادن مکلفان نبوده است: «وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج، آیه ۷۸)؛ و در دین (اسلام)، کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد.» در آیه دیگر، در بیان فلسفه تشریح تیمم به جای وضو و غسل، فرموده است: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ (مانده، آیه ۶)؛ خداوند نمی‌خواهد شما را در تنگنا و سختی قرار دهد.» افزون بر اینها، در آیات پُرشماری تصریح شده که تشریح تکالیف الهی، متناسب با توان انسان‌ها بوده است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، آیه ۲۸۶؛ نیز: بقره، آیه ۲۳۳؛ انعام، آیه ۱۵۲؛ اعراف، آیه ۴۲؛ مؤمنون، آیه ۶۲؛ طلاق، آیه ۷).

برای مثال، اگر تکلیفی سبب اذیت مکلف شود، در این صورت، خدا آسان گرفته و از مکلف خواسته به اندازه توانش انجام دهد (نساء، آیه ۱۰۲؛ بقره، آیه ۱۹۶) و یا اگر مکلف در شرایط اضطرار قرار گرفت، حکم اولیه برداشته می‌شود؛ مثلاً برخی محرمات مانند خوردن خون یا مردار، برای حفظ جان، حلال می‌شود (بقره، آیه ۱۷۳؛ مائده، آیه ۳؛ انعام، آیه ۱۱۹ و ۱۴۵؛ نحل، آیه ۱۱۵). همچنین، اگر کسی بیمار بود، برخی تکالیف که از توان معمول مخاطبان خارج است، مانند جهاد (توبه، آیه ۹۱؛ نور، آیه ۶۱) و روزه (بقره، آیه ۱۸۳ و ۱۸۴) برداشته می‌شود. این حجم از آیات در موضع تخفیف احکام و آسان‌گیری بر مکلفان، این درس را به مریبان، پدران، مادران و نیز متولیان امور دینی و مبلغان می‌دهد که در بیان احکام و اجرای آنها، شرایط افراد را مدنظر داشته باشند. مسلماً برخورد‌های منطقی و انعطاف‌پذیری در احکام فرعی، سبب جذب افراد و پذیرش قلبی آنها می‌شود. یک عالم دینی برجسته، یک عارف وارسته و به‌طور کلی، هر فردی که از درجات عالی معرفت دینی و دین‌مداری برخوردار است، نباید از فرزندان خود و نوجوانان و جوانان، توقع دین‌داری و انجام مناسک دینی همانند خود را داشته باشند. باید به این نکته توجه داشت که ظرفیت افراد، مختلف است. از یک نوجوان و جوان، انتظاری بیش از انجام واجبات و ترک محرمات نباید داشت. آیا علت دین‌گریزی برخی نوجوانان و جوانان در خانواده‌های مذهبی، سخت‌گیری‌های بیجا و انتظارات بی‌مورد از آنها نیست؟ امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا أُضْرَتِ التَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضْهُنَّ (عبده، ج ۳، ص ۲۷۹، حکمت ۲۲۱)؛ هرگاه انجام مستحبات به واجبات آسیب می‌رساند (سبب انجام ندادن واجبات به صورت درست می‌شود)، مستحبات را ترک کنید.»

### ۵. معرفت‌افزایی

از آنجا که دین اسلام دارای اصول، فروع و آموزه‌های اخلاقی است و به همه مسائل هستی و وظایف مکلفان نظر دارد، هر مکلفی ابتدا لازم است در حدّ توان خود، آنها را بشناسد. معرفت خدا، بر هر چیزی تقدم دارد؛ زیرا سایر اصول و فروع، مترتب بر خداشناسی و توحید است. از این رو، امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّضَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّضَدِيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ» (ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۷۲).

اولین واجب دینی، شناخت خداست؛ چون تقلید در امر مهمی مانند خداشناسی، نارواست؛

اما معرفت، مراتبی دارد؛ مثلاً همین اندازه که کسی بداند جهان هستی و پدیده‌ها آفریدگاری دارند، اجمالاً معرفتی دارد؛ ولی معرفتِ وی، ناقص است. کمال معرفت، این است که بداند خالق هستی، واجب‌الوجود و فراتر از ممکنات و دارای اوصاف و کمالات نامتناهی است (همان، ص ۷۳). وقتی آدمی به این مرحله برسد، معرفت او، به تصدیق تبدیل می‌شود؛ زیرا خدا را یافته است؛ منتها تصدیق وی نیز ناقص است و کمال تصدیق، توحید و کمال توحید، اخلاص است؛ یعنی در تمام کارهایش، باید فقط خدا را مدنظر داشته باشد و وجود خود را از غیر خدا خالص کند و کمال اخلاص نیز نفی صفات است؛ بدین معنا که بین ذات خدا و صفاتش، دوگانگی قائل نباشد. از این بیان حضرت، برداشت می‌شود که دین‌شناسی، مراتبی دارد و به یک باره نمی‌توان تمام مراتب را به کسی آموخت. معرفت و شناخت هر مرتبه‌ای، زمینه‌ساز شناخت مرتبه بعدی است.

دین‌داری بدون معرفت و بصیرت، پایه‌هایی لرزان و سست دارد و هرآن، ممکن است با شبهاتی در معرض آسیب و زوال قرار گیرد. دعوت دینی، همان‌طور که سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده، باید مبتنی بر بصیرت باشد: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي (یوسف، آیه ۱۰۸)؛ بگو: این، راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.»

مبلغان دینی، همانند پیامبر صلی الله علیه و آله موظف‌اند تبلیغ دین را از روی بصیرت انجام دهند. روشن است که برای همگان مقدر نیست تا شخصاً به تمام معارف دینی شناخت و بصیرت پیدا کنند. به همین جهت، قرآن کریم توصیه کرده از میان گروه‌های اجتماعی، افرادی برای شناخت عمیق دین، به مراکز آموزش دینی کوچ کنند تا در دین و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؛ شاید از مخالفت فرمان پروردگار بترسند و خودداری کنند: «وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، آیه ۱۲۲). به گفته برخی مفسران، این آیه زمانی نازل شد که بیشتر مسلمانان علاقه داشتند در جنگ‌ها شرکت کنند. این آیه، عده‌ای را تشویق به ماندن در مدینه کرد تا مسائل دینی را بیاموزند و به دیگران تعلیم دهند (طوسی، ج ۵، ص ۲۲۱؛ طبرسی، ج ۵، ص ۱۴۴). از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که برای هر چیزی ستونی است و ستون دین، آگاهی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۶).

یکی از ابزارهای کسب معرفت، پرسش است. از ویژگی‌های انسان، پرسشگری است؛ زیرا انسان، حس حقیقت‌جویی دارد و پیوسته در پی افزایش معلومات خویش است. به توصیه قرآن، کسانی که نمی‌دانند، از اهل دانش و آگاهی بپرسند و بدان وسیله، شک و جهل خویش را برطرف کنند؛ «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، آیه ۴۳).

در اسلام، هیچ محدودیتی برای پرسش‌هایی که برای کشف حقیقت و اقناع حس پرسشگری باشد، وجود ندارد. بسیاری از حقایق دینی که در دسترس ما قرار گرفته، حاصل پرسش‌هایی است که از پیامبران در حوزه‌های مختلف عقیدتی، اخلاق و فقهی صورت گرفته است؛ برای نمونه، پرسش از زمان وقوع قیامت (اعراف، آیه ۱۸۷؛ احزاب، آیه ۶۳؛ نازعات، آیه ۴۲)، پرسش از حکم شراب و قمار (بقره، آیه ۲۱۹)، جنگ در ماه‌های حرام (بقره، آیه ۲۱۷)، عادت ماهانه زنان و حکم همبستری در این ایام (بقره، آیه ۲۲۲)، مالکیت انفال (انفال، آیه ۱) و خوردنی‌های حلال (مانده، آیه ۴)، چگونگی رفتار با یتیمان (بقره، آیه ۲۲۰) و انفاق در راه خدا (بقره، آیه ۲۱۹ و ۲۱۵).

پاره‌ای از پرسش‌های قرآنی، مربوط به مسائل تاریخی است؛ مانند پرسش در باره ذوالقرنین (کهف، آیه ۸۳) و پرسش از تاریخ بنی اسرائیل (بقره، آیه ۲۱۱؛ اعراف، آیه ۱۶۳). قرآن توصیه کرده اگر فردی از مشرکان به قصد بررسی و شنیدن کلام خدا به شما پناه آورد، به او پناه دهید. سپس، او را به محل امنش برسانید؛ چراکه آنها گروهی ناآگاه هستند: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه، آیه ۶). در سخت‌ترین شرایط نیز نباید از معرفت‌افزایی و دین‌شناسی غفلت کرد. امیر مؤمنان علیه السلام در بحبوه جنگ، پرسشگری را برای کشف حقیقت، محترم شمرد و به آن پاسخ داد (صدوق، معانی الأخبار، ص ۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۳).

### نتیجه

دین، مجموعه‌ای از اعتقادات، احکام و اخلاق است. همه انبیا، دارای یک دین به نام «اسلام» بوده‌اند که دارای دو بخش «باورها» و «احکام عملی» است. برای تقویت باورهای دینی، اصول و راهکارهای ویژه‌ای وجود دارد. برای اینکه بتوانیم باورهای جوانان و نوجوانان و سایر مردم عزیزمان را تقویت کنیم، باید به روش‌هایی که از قرآن کریم استفاده می‌شود، تمسک بجویم؛ برای مثال، با جوانان به روش نیکو و نرم سخن بگوییم؛ نه با خشونت و درشتی، و یا اینکه



زیبایی های دین اسلام را برای آنها تبیین کنیم؛ زیرا همان طور که زینت های ظاهری، سبب کشش انسان به آنها می شود، امور معنوی نیز با زینت مخصوص خود، سبب تمایل به سوی آنها می شود. همچنین، باید راهکارهایی که با فطرت کمال جویی و خداشناسی هماهنگ است، انتخاب شود؛ برای نمونه، می توان از احتجاجات ابراهیم علیه السلام که در جهت بیدارسازی فطرت خداشناسی بوده، الگو گرفت و برای رسیدن به اهداف تبلیغی، از بیان رسا و روشن استفاده کرد و متناسب با شرایط مکلف و البته در چارچوب دستورات دینی، انعطاف پذیری لازم را داشت. لازم است دعوت دینی، همراه با معرفت افزایی باشد؛ زیرا دین داری بدون معرفت و بصیرت، پایه های آن لرزان و هر آن، ممکن است با شبهاتی در معرض آسیب قرار گیرد. در همین راستا، لازم است که از پرسشگری افراد حقیقت جو، به ویژه جوانان استقبال کرد و همان گونه که قرآن توصیه کرده، حتی اگر فرد مشرکی قصد تحقیق در مسائل دینی را داشت، باید در امنیت کامل شرایط لازم را برای او فراهم نماییم.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آخوندی، محمدباقر، ۱۳۹۹ش، «مراتب دین داری در آموزه های دینی»، افق تبلیغ، سال اول، شماره دوم، قم، بوستان کتاب.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، بی تا، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی رحمته الله.
۴. ابن اثیر، محمد بن محمد (مجدالدین)، ۱۳۹۹ق، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحي، بیروت، المکتبة العلمیة.
۵. ابن فارس، احمد، ۱۳۹۹ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، دارالفکر.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، سوم، دار صادر.
۷. برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، تحقیق: جلال الدین محقق، قم، دوم، دار الکتب الإسلامیة.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۵۸ش، *دین شناسی*، قم، اسراء.

۹. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۶ق، کشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، قسم الالهيات، مقدمه و تعليق: جعفر سبحانی، بی جا، بی نا.
۱۰. خمینی، روح الله، ۱۳۹۲ش، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تحقیق: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹ش، تحریر الوسيلة، تهران، اول، مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت نامه، تهران، دوم، دانشگاه تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۴۱۲ق، المفردات في غريب القرآن، محقق: صفوان عدنان، دمشق، اول، دار القلم.
۱۴. زحیلی، وهبه، ۱۴۱۸ق، التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج، دمشق، دوم، دار الفكر المعاصر.
۱۵. سعدی، شیخ مصلح الدین، ۱۳۸۲ش، کلیات (گلستان)، تصحیح: استادولی و بهاء الدین اسکندری ارسنجانى، تهران، اول، انتشارات قدیانی.
۱۶. شعرانی، میرزا ابوالحسن، ۱۳۹۸ق، نثر طوی، تهران، دوم، کتاب فروشی اسلامیه.
۱۷. صبحی، صالح، ۱۳۷۴، نهج البلاغه، قم، مرکز البحوث الاسلامیه.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، بی تا، معانی الأخبار، بیروت، دار المعرفة.
۱۹. طباطبائی، محمدحسین، بی تا، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، اعلمی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ق، مجمع البیان، تحقیق و تعليق: لجنة من العلماء والمحققين الأحصائيين، بیروت، اول، مؤسسه اعلمی.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، ۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، اول، دار المعرفة.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، محقق: مهدي المخزومي وإبراهيم السامرائی، دار مكتبة الهلال.
۲۳. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵ق، الجامع لاحكام القرآن، تحقیق: أبو إسحاق إبراهيم أطفیش، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، چهارم، دار الكتب الإسلامية.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، تحقیق: سید إبراهيم الميانجي و محمدالباق



- بهبودي، بيروت، سوم، داراحياء التراث العربى.
۲۶. مدرسى، محمدتقى، ۱۳۷۷ش، تفسير هدايت، مشهد، اول، بنياد پژوهش هاى اسلامى (آستان قدس رضوى)، ۱۳۷۷ش.
۲۷. مصطفوى، حسن، ۱۳۶۸ش، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران، اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
۲۸. مراغى، احمد مصطفى، بى تا، تفسير المراغى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۲۹. معين، محمد، ۱۳۶۰ش، فرهنگ معين، تهران، چهارم، اميركبير.
۳۰. مفيد، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، أوائل المقالات في المذاهب والمختارات، بيروت، دوم، دار المفيد.
۳۱. مكارم شيرازى و همكاران، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسير نمونه، تهران، سى و دوم، دار الكتب الاسلاميه.





## بایسته‌های تبلیغ و مبلغ با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

نقیسه قنبری\*

### چکیده

جاودانگی و جهان‌شمولی دین مبین اسلام، بیانگر همگانی بودن دعوت انسان‌هاست که این مهم، ضرورت تبلیغ دین اسلام را ایجاب می‌کند. تبلیغ دین، از اساسی‌ترین وظایف انبیای الهی است که در آیه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب، آیه ۳۹)، به اهمیت این امر خطیر تصریح شده است. بر عالمان دینی، ضروری است جهت حفظ و احیای ارزش‌های اسلامی، امر تبلیغ را سرلوحه وظیفه خویش قرار دهند. از این رو، شناخت بایسته‌های تبلیغ، بر هر مبلغی ضروری است. این پژوهش، درصدد بیان بایسته‌های تبلیغ از منظر رهبر معظم انقلاب است؛ تا بتوان گام مؤثری در ارتقای کیفیت تبلیغ ارائه نمود. لازمه تبلیغ دین، طبق بیانات مقام معظم رهبری، خودسازی و اخلاص مبلغ است؛ به نحوی که عمل مبلغ، منطبق با گفتار وی باشد تا موجب افزایش بازدهی و تأثیرگذاری شود. بینش، بصیرت و بهره‌گیری از فنون و ابزار تبلیغ نیز از دیگر بایسته‌های تبلیغ است که نقش مؤثری در پیشبرد اهداف دین خواهد داشت.

### کلیدواژه‌گان

آیت‌الله خامنه‌ای، تبلیغ، خودسازی، ارکان تبلیغ، ابزار و فنون تبلیغ.



تبلیغ، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای دین مبین اسلام است که از دیرباز در پیش‌برد و نشر معارف اسلامی مورد توجه بوده است. این امر خطیر، از رسالت‌های اساسی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام به شمار می‌رود که تا عصر حاضر نیز جریان داشته است. از این رو، آشنایی مبلمان دین با بایسته‌های تبلیغ، امری ضروری می‌نماید. آگاهی از ابزارهای تبلیغ و جدیدترین شیوه‌ها، به مبلمان این امکان را خواهد داد که افزون بر هدایت جامعه اسلامی به سوی سعادت دینی، از ورود اندیشه‌های دین‌گریزانه و یا دین‌ستیزانه جلوگیری نمایند. مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون، یکی از اصلی‌ترین وظایف آنان را تبلیغ دین اسلام دانسته‌اند و همواره بر آن تأکید نموده‌اند. از نظر ایشان تبلیغ، از مسائل اساسی در حیات اجتماعی است که مخصوص یک دوره نیست (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲). پژوهش حاضر، در صدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان در امر تبلیغ موفق بود؟ و نکات قابل توجه موفقیت روزافزون در امر تبلیغ و هدایت انسان‌ها طبق بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی چیست؟ این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی با گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. از آنجایی که تبلیغ، عامل اساسی در شناخت انسان‌ها به حقیقت دین مبین اسلام و عامل سعادت و هدایت افراد است، باید اذعان داشت که توجه به بایسته‌های تبلیغ، از روش‌های کارآمد در نهادینه‌سازی دین اسلام به شمار می‌آید.

### مفهوم تبلیغ

تبلیغ، از ریشه «بلغ» به معنای رساندن پیام از طریق نوشتن و امثال آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۲۱؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۱۳۱۶) و نیز به معنای رسیدن به انتهای هدف و مقصد و یا انجام دادن کاری در زمان و مکانی معین است که در این معنا، با کلمه «بلاغ» به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۵۳). تبلیغ، در آیات قرآن، گاهی در معنای بلاغ به کار رفته است: «وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكُمُ الْبَلَاغُ» (آل عمران، آیه ۲۰). رهبر معظم انقلاب، در بیان معنای تبلیغ می‌فرماید: «تبلیغ را که از آن در قرآن به «بلاغ»، «بیان» و «تبیین» تعبیر شده، از وظایف مقدس انبیا، علما، متفکران، دانایان و مصلحان دانسته شده و تبلیغ، یعنی رساندن آن حقایق، به اذهان و دل‌های مخاطبان که بدون آن، دچار خسارت خواهند شد. این

است که ارزش تبلیغ را بالا می‌برد» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲).

## اهمیت و جایگاه تبلیغ

در آموزه‌های دینی، تبلیغ دین، به عنوان یک امر ضروری یاد شده و مراد از «تفقه» در آیه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، آیه ۱۲۲)، فراگیری همه معارف و احکام اسلام، اعم از اصول و فروع است؛ زیرا در مفهوم تفقه، همه این امور جمع است. بنابراین، آیه فوق، دلیل روشنی است بر اینکه همواره گروهی از مسلمانان باید (واجب کفایی) به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند و پس از فراغت از تحصیل، برای تبلیغ احکام اسلام به نقاط مختلف، به‌خصوص به سوی قوم و جمعیت خود باز گردند و آنها را به مسائل اسلامی آشنا سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۸، ص ۱۹۳). مقام معظم رهبری، تبلیغ را دارای نقش عظیم برای حفظ اسلام دانسته‌اند و فرموده‌اند:

مبادا کسی این طور تصور کند که با بودن رادیو و تلویزیون و ویدئو و این وسایل امروزی، دیگر منبر چه نقشی دارد؟ تبلیغ دین چه نقشی دارد؟ نه؛ آن تأثیری که گفتار یک انسان در یک مجلس، در ذهن مخاطبین می‌گذارد، به کلی با هر نوع تبلیغ دیگر، متفاوت است. این نوع تبلیغ است که برکات الهی با آن هست؛ آثار مواجهه انسانی در آن هست؛ بسیار مهم است (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲).

ایشان تبلیغ دین را جزء وظایف علمای دین دانسته‌اند که مبلّغ دین باید در هر سطحی که مخاطبان خود را مشاهده می‌کند، برای بالا بردن آنها از آن سطح، همت بگمارد و باقی ماندن مخاطبان خود را در یک نقطه، تحمل نکند. اساس کار تبلیغ از نظر ایشان، بر پیش بردن مخاطب و آگاه نمودن او در جهت ترقی و رشد فکری اوست تا به تقرب پروردگار و کمالات نفسانی پیش رود (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

خداوند متعال در آیه «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» (نحل، آیه ۱۲۵)، خطاب به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ارشاد و هدایت جامعه بشر به سوی دین اسلام و دعوت به اصل توحید توصیه نموده است تا برنامه مکتب عالی قرآن را به مردم بیاموزد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۹، ص ۵۷۱) و طبق آیه «إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (زخرف، آیه ۴۳)، کسی که در صراط مستقیم سیر کند، زودتر به مقصد می‌رسد (طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۲، ص ۳۳). بنابراین، هدف باید «صراط مستقیم» باشد. مقام



معظم رهبری هدف تمام پیامبران را هدایت مردم به صراط مستقیم دانسته‌اند و آن را به عبودیت معنا نموده‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۳). آیه «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس، آیه ۶۱)، پرستش آفریدگار یگانه را طریقه مستقیم دانسته و توصیف ذاتی صراط به استقامت، از آن جهت است که طریقه پرستش، بر وفق فطرت و بر طبق عبودیتِ تکوینی است (داورپناه، ۱۳۷۵، ش ۱، ج ۱، ص ۸۳). رهبر معظم انقلاب، ضمن توصیه به حرکت در صراط مستقیم جهت هدایت انسان، چنین فرمودند: «باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است، سوق دهید؛ البته این عبودیت، در زمینه اخلاق، در زمینه عمل فردی و در زمینه عمل اجتماعی کاربرد دارد» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۳).

این مهم، طبق بیانات ایشان، اولین وظیفه عالم دینی است:

«امروز علمایی که مشغول تحصیل علم دین و حقایق دینی هستند و نیز فضیله‌های حوزه‌ها و علمای شهرستان‌ها، توجه کنند که اولین وظیفه عالم دینی، تبلیغ است و علم دین، برای تبلیغ است» (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

## شرایط مبلغ دین

### ۱. همراهی ایمان و عمل

«ایمان» در قرآن، به معنای تصدیق به یگانگی خدا و رسالت پیامبران و نیز تصدیق روز جزاست که با پیروی عملی همراه است. به همین جهت، در قرآن هرجایی که از صفات نیک مؤمنان یا پاداش جمیل آنان یاد شده، کنار آن، به عمل صالح نیز تصریح گردیده است (رعد، آیه ۲۹)؛ از جمله می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، آیه ۹۷). گفتنی است که ایمان، کامل نیست؛ مگر آنکه به لوازم آن چیزی که بدان معتقد شده‌ایم نیز پایبند باشیم؛ زیرا ایمان، علم توأم با سکون و اطمینان به آن است (طباطبایی، ۱۳۱۷، ج ۱۵، ص ۶). از دیدگاه مقام معظم رهبری، ایمان بر دو گونه است: ایمان ثابت و ایمان عاریه‌ای. ایمان ثابت، ایمان قلبی متکی به استدلال و بینش عمیق است که با عمل صالح پشتیبانی می‌شود؛ اما ایمان عاریه‌ای، بر پایه احساسات و بدون منطق و علم است (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۳/۱/۲۰). از نظر ایشان، اگر مبلغ بخواهد مردم را موعظه نماید، لازمه آن در درجه نخست، تأثیرپذیری خود اوست. برای کسی که قصد بیانگری احکام و معارف دین است،



تهذیب نفس، یک امر الزامی است؛ به بیان دیگر، کردار او باید شاهدی بر صدق گفتارش باشد و آن را تقویت کند (پایگاه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۱۳۷۰/۴/۲۰).

آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت، آیه ۳۳)، در مقام تعریف و ستایش اشخاصی است که دارای سه عمل باشند: اول، مردم را به سوی خدا دعوت و ارشاد نمایند و طریق سعادت و هدایت را به آنان بیاموزند و ایشان را از کج روی، به طریق مستقیم شریعت رهبری کنند. چنین کسی، از «داعیانِ اِلی الله» به شمار می‌رود و کلام او، از بهترین سخنان است و عملش، از بهترین اعمال خواهد بود (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱ش، ج ۱۱، ص ۳۳۱-۳۳۲). شایان ذکر است که لفظ آیه، عمومیت دارد و شامل همه کسانی می‌شود که به سوی خدا دعوت می‌کنند؛ اما باید توجه داشت در بین این داعیان به سوی خدا، ممکن است کسی یافت شود که نیتی فاسد داشته باشد. معلوم است که چنین دعوتی، «احسن القول» نیست. به همین جهت، دنبال جمله نامبرده، فرموده: «وَ عَمِلَ صَالِحًا»؛ یعنی به شرطی که خودش هم عمل صالح داشته باشد. اساساً عمل صالح، بیانگر این است که صاحبش، نیتی صالح دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۹۱).

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ وَ لَا مَعْرِفَةً إِلَّا بِعَمَلٍ فَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ الْمَعْرِفَةُ عَلَى الْعَمَلِ وَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ فَلَا مَعْرِفَةَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴). طبق این روایت، خداوند متعال عملی را جز با معرفت نپذیرد و ایمان و معرفت نیز توأم با عمل، اثربخش است. از نظر مقام معظم رهبری، مبلغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید گویای ایمان و اخلاص و صفایش باشد. ایشان پیشگام بودن علمای دین در هرکاری را به جهت عمل نیکان و اخلاص علمای گذشته دانسته‌اند که توانسته‌اند با ایمان خود، مردم را به سوی حق جلب نمایند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷). از نظر ایشان، چگونه عمل کردن مبلغ نیز بسیار مهم و قابل توجه است. رفتار، نشست و برخاست، معاشرت، نگاه و عبادت مبلغ، دلبستگی یا دل‌بسته نبودن وی به تنعمات دنیایی، رساترین تبلیغ یا ضد تبلیغ است؛ اگر اینها درست باشد، تبلیغ است و چنانچه نادرست باشد، ضد تبلیغ است (همان، ۱۳۸۴/۱۱/۵).

## ۲. برخورداری از علم و بینش دینی

تبلیغ، یکی از عوامل ترویج دین است که باید از روی تفقه و آگاهی عمیق باشد. در آیات و



روایات، بر اهتمام به علم‌اندوزی و اهمیت تعلیم و تعلم، تأکید بسیاری شده است. اولین آیاتی که پس از بعثت و در غار حرا بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، در خصوص تعلیم و تعلم بود: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، آیه ۴-۵). امام علی علیه السلام کمال دین را در طلب علم و عمل دانسته و در این باره فرموده: «إِنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۹). فراگیری علوم دینی، در سه بخش: «اعتقادات»، «اخلاق» و «احکام»، از لوازم امر تبلیغ است که مبلغ باید به آن آگاهی داشته باشد؛ چنان‌که قرآن کریم در آیه ۱۲۲ توبه نیز به اهمیت و لزوم کوچ برای فراگرفتن علم دین اشاره نموده است و در پایان، قید می‌کند که این تفقه و فراگرفتن علم، برای آن است که مردم را انداز کنند و از مخالفت امر الهی بر حذر دارند (قرشی، ۱۳۱۷۱ش، ج ۵، ص ۱۹۹). در حقیقت، این آیه، امر به سفر کردن برای تحصیل علم و فقه، از راه وسایل و اسباب ظاهری است؛ نه از راه تفصّل الهی (کمالی دزفولی، ۱۳۷۰ش، ص ۴۹۵). همچنین، مقصود از تفقه در دین، فهمیدن همه معارف دینی از اصول و فروع آن است؛ نه خصوص احکام عملی که امروزه در لسان علمای دین، کلمه «فقه» صرفاً اصطلاحی برای بیان احکام عملی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۰۴).

خداوند متعال در آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، آیه ۴۳)، در مقام بیان یکی از اصول عقلایی است که عبارت از وجوب رجوع جاهل در هر فنی به عالم در آن فن است. علامه طباطبایی، ذیل این آیه قائل است که این دستور، دستور تعبدی و امر مولوی نبوده که بخواهد بدون ملاک عقلی به جاهل دستور دهد که به عالم مراجعه کن؛ نه به غیر او (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۵۹). در حقیقت، «اهل الذکر»، علمای هر علم هستند؛ به عنوان مثال، در علم فقه، مراد استفتا از ناحیه عوام در احکام فقهی است و در سیر و سلوک عرفانی، مراجعه به عارف، منظور است (قشیری، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۹۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذیل این آیه فرمودند: روا نیست که عالم بر علمش سکوت کند و جاهل نیز بر جهلش ساکت باشد؛ بلکه باید سؤال نماید (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۹؛ مبینی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۲۰).

مقام معظم رهبری، اصل مسئله تبلیغ را ناظر به عمل، همراه با بصیرت و یقین دانسته‌اند و یقین را ایمان قلبی متعهدانه دانسته‌اند که بر پایه بصیرت و یقین، حرکت انجام می‌گیرد. از نظر ایشان، اگر بصیرت و یقین باشد، اما کاری انجام نگیرد، این، مطلوب نیست و تبلیغی واقع نشده است.



از سوی دیگر، اگر چیزی تبلیغ شود، اما بدون بصیرت و یقین باشد، باز هم پایه تبلیغ دینی خراب است و مطلوب به دست نخواهد آمد؛ بلکه ایمان باید با بصیرت همراه باشد (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲). از نظر ایشان، چون مبلغ قصد دارد سطح فکر مردم را در مسائل اسلامی بالا ببرد، باید آگاهی و بینش دینی وسیع و متنوعی داشته باشد؛ یعنی با قرآن مأنوس باشد، در احادیث غور نماید، با تازه‌های مربوط به مذهب و دین آشنا باشد، اهل تحقیق درباره مسائل دینی باشد و افزون بر این، از اندیشه‌های فلسفی و بینش‌های اجتماعی نیز اطلاع داشته باشد (همان، ۱۳۷۰/۴/۲۰). بنابراین، ارشاد مردم و تبلیغ دین در جامعه، در گرو داشتن آگاهی عمیق به مبانی دینی است.

### ۳. تقویت معنویت و اخلاص

تبلیغ دین و تبیین حقایق اسلام، وظیفه علما و مبلغان است که اساس آن، بر اخلاق و اخلاص مبلغ استوار است. اخلاص مبلغ، امر مهمی در فرآیند تبلیغ است و تأثیر بسزایی در نفوذ کلام او دارد. در این صورت است که حکمت، از قلب بر زبانش جاری خواهد شد و موجب تحول دیگران می‌شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اهمیت اخلاص چنین فرمودند: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ بَعِيْنَ صَبَاحًا إِلَّا جَزَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۶۹). مبلغ دین، باید قبل از اقدام به امر تبلیغ، درون خویش را جلا دهد و از رذایل اخلاقی به دور و به فضایل معنوی آراسته باشد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در حدیثی در این باره فرمودند: «أَحْسَنُ الْمَوَاعِظِ مَا لَا يُجَاوِزُ الْقَوْلَ حَدَّ الصِّدْقِ وَ الْفِعْلُ حَدَّ الْإِخْلَاصِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۰۳). طبق این کلام نورانی، بالاترین اندرزها آن است که سخن از مرز راستگویی، و عمل از مرز اخلاص فراتر نرود. مقام معظم رهبری، مهم‌ترین نکته در امر تبلیغ جهت اصلاح دیگران را تأدیب نفس و اصلاح درون دانسته‌اند و مراد از اصلاح نفس را اصلاح مردم از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه بیان نموده‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۶۹/۱/۴).

معظم‌له، اساس کار تبلیغ را اخلاق معرفی نموده؛ تا انسان‌ها در این فضا تربیت شوند، اخلاق آنها تعالی پیدا کند، به خدا نزدیک‌تر شوند و قصد قربت کنند (همان، ۱۳۷۷/۲/۲). عمل مخلصانه، بر شکل‌گیری و تکامل جان انسان تأثیری حقیقی می‌گذارد؛ نه قراردادی و اعتباری (نراقی، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۴۰۵). قرآن کریم در آیه «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (غافر، آیه ۱۴)،



دستور داده که خداوند را بخوانید و به پرستش او قیام نمایید؛ درحالی که طاعت خویش را برای او خالص کننده باشید (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۹). رهبر معظم انقلاب، در باره اهمیت اخلاص برای مبلّغ چنین فرمودند:

در عین حال، جوهر کار در میان ما روحانیت شیعه، یک جوهر ویژه است. احساس تکلیف الهی، بیشتر موجب می شود که کسی اقدام به تبلیغ کند. اگر اهل اخلاص و تقرب به خدا و توجه به منافع معنوی تبلیغ باشد، جلو او میدان کار باز می شود. این، فرصت قابل توجهی است که در اختیار ماست (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

از نظر ایشان، آنچه برای طلبه ها همیشه شوق آفرین می باشد، احساس انجام وظیفه است (همان، ۱۳۷۰/۱۲/۵). خداوند متعال در آیه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَحْشَوْنَهُ وَ لَا يَحْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب، آیه ۳۹)، فرموده که انسان در تبلیغ رسالت های پروردگار نباید از کسی کمترین وحشتی داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۷، ص ۳۳۰). خشیت، حالتی است که از پی بردن به عظمت آفریدگار و جلال او به انسان با معرفت دست می دهد (رکنی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰). «خشیت از پروردگار»، مقامی است که حتی در فرض عدم حسابگری روز قیامت، عالم را به بندگی و رعایت شئون آن می کشاند؛ معنایی که بیشتر مردم، فاقد آن می باشند (نقی پورفر، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳). رهبر معظم انقلاب، خشیت الهی را لازمه امر تبلیغ دانسته اند که باید برای خدا و در راه خدا و برخاسته از تعلیم الهی باشد که در غیر این صورت، به گمراهی می انجامد (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۲). در حقیقت، مبلّغ باید در تمامی رفتارهای خود در امر تبلیغ، رضای خداوند را در نظر بگیرد و نیت و عملش، رنگ خدایی داشته باشد.

### روش های تبلیغ دینی

مبلّغ در مسیر تبلیغ دینی، با افراد مختلفی از اقصای جامعه مواجه می شود که در میزان تحصیلات، فرهنگ، سن، شغل و دیگر امور، متفاوت از یکدیگر هستند و دیدگاه های گوناگونی به مسائل دارند. در این راستا، مبلّغ باید با توجه به مخاطبانی که با آنان روبه روست، به انتخاب راه ابلاغ پیام خود بپردازد. آگاهی به روش ها و فنون تبلیغ، متناسب با نیاز مخاطبان، از بایسته های تبلیغ دینی است که گام مؤثری در پیش برد اهداف تبلیغی ایفا می کند.



## ۱. موعظه

موعظه، یکی از روش‌های عام و مؤثر در تربیت اسلامی است که به شهادت آیات قرآن، پیامبران الهی به فرمان خداوند در تبلیغ و هدایت مردم از آن فراوان بهره برده‌اند. قرآن کریم، یکی از روش‌های مؤثر در تربیت روحی انسان‌ها را «موعظه و اندرز» می‌داند و در بسیاری از آیات به آن سفارش نموده است؛ هرچند خود قرآن، کتاب موعظه و اندرز است که از طرف پروردگار برای شفای بیماری‌های درونی انسان و کسب فضایل اخلاقی نازل شده است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (یونس، آیه ۵۷). مراد از موعظه در این آیه، بیان آن چیزهایی است که حذر کردن از آنها لازم و یا رغبت به آنها واجب است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۷۷).

مقام معظم رهبری، یکی از اشرف فنون را فن تبلیغ دین و گویندگی معارف دینی و اسلامی بیان نموده‌اند و هدف از حرفه تبلیغ و گویندگی دینی را موعظه برای ترکیه مردم و تبیین معارف دینی برای بالا رفتن سطح آگاهی دینی مردم دانسته‌اند. از نظر ایشان، منبر رفتن و سخن گفتن در امر دین، جزء شریف‌ترین کارهاست (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۰/۴/۲۰).

خداوند متعال، آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِتْيَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل، آیه ۹۰) را با جمله «يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» ختم نمود؛ یعنی هدف از موعظه الهی، این است که متذکر شوید و بدانید آنچه خدا شما را بدان می‌خواند، مایه حیات و سعادت شماست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۳۳). در حقیقت، طبق این آیه، موعظه خداوند برای متذکر شدن انسان‌هاست تا به راه سعادت و کمال هدایت شوند. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ اهمیت موعظه را چنین بیان فرمودند: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَثْرَلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۸). طبق این روایت، بلندمرتبه‌ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که در روی زمین بیشتر در نصیحت و ارشاد مردم قدم بردارد.

## ۲. ارائه الگو

ارائه الگوهای دینی، از دیگر فنون تبلیغ است که نقش مؤثری در الگوپذیری صحیح انسان‌ها ایفا می‌کند. مقام معظم رهبری، بیان مصائب حضرت ابی‌عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام، یعنی ارائه الگویی به مردم برای کیفیت بخشیدن به حرکت در راه هدف‌های بزرگ را از فنون تبلیغ دین اسلام شمرده‌اند که



جزء شریف‌ترین هدف‌هاست (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۰/۴/۲۰). ایشان در مورد الگوپذیری از قیام امام حسین علیه السلام چنین فرمودند:

ماجرای حسین بن علی علیه السلام، حقیقتاً موتور حرکت قرون اسلامی در جهت تفکرات صحیح اسلامی بوده است. هر آزادی‌خواه و هر مجاهد فی سبیل‌الله و هر کس که می‌خواسته است در میدان خطر وارد بشود، از آن ماجرا مایه گرفته و آن را پشتوانه روحی و معنوی خود قرار داده است (همان).

از نظر ایشان، مبلّغان، زیر نام حسین بن علی علیه السلام تبلیغ می‌کنند و از این رهگذر، می‌توانند در سطوح مختلف به تبلیغ دینی همت بگمارند. رهبر معظم انقلاب، راه نفوذ در امر تبلیغ را تمام چیزهایی دانسته‌اند که در اسلام به عنوان ارزش، مورد تأکید و توصیه حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام قرار گرفت؛ چنان‌که تمامی پیغمبران و اولیای الهی دیگر و وجود مقدس رسول‌الله صلی الله علیه و آله نیز همین‌طور عمل کردند و البته حسین بن علی علیه السلام را باید مظهر یک قیام کامل الهی دانست. ایشان، هدف تبلیغ را بیان ارزش‌ها و اخلاق دینی و همه اموری دانسته‌اند که در بنای یک شخصیت انسانی بر مبنای دین اسلام نقش ایفا می‌کند (همان، ۱۳۸۴/۱۱/۵).

خداوند متعال در آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، آیه ۲۱)، به بهره‌گیری مثبت از غرایز نفسانی دعوت نموده است؛ به عنوان مثال، غریزه تقلید و شباهت‌گرایی در انسان که قرآن آن را تحت عنوان پیروی از نمونه‌ها و سبب‌های شایسته یاد نموده و در واقع، از الگوهای ناشایست، مانند جاهلان و فاسقان بر حذر داشته و آدمی را به مقام امن، یعنی پیروی از نمونه‌های پاک و تأسی به پیامبران و صدیقین و شهیدان و صالحان که هم‌نشینان و یاران نیکویی هستند، هدایت می‌کند (زرقانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۹). یکی از احکام رسالت رسول‌الله صلی الله علیه و آله و ایمان آوردن به او، این است که باید به گفتار و رفتار آن حضرت تأسی جست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۸۸). از شئون الگوگرفتن از اولیا، انبیا و امامان معصوم علیهم السلام، اطاعت‌پذیری و پذیرش ولایت آن بزرگواران است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری نیز به این مهم تصریح نموده‌اند و پیوند، ارتباط و معرفت را زیرمجموعه ولایت برشمرده‌اند (پایگاه حوزه، ۱۳۸۸/۹/۲۲). ایشان همچنین، مودت به اهل بیت علیهم السلام را پشتوانه ولایت دانسته‌اند که اگر مودت نباشد، به تدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته خواهد شد. با توجه به اهمیت بحث مودت، بیان ماجرای مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام، نوعی ایجاد ارتباط عاطفی است که از اهمیت بسزایی برخوردار است (همان).

### ۳. بیان خوف ورجا

امام سجاده علیه السلام، در یکی از دعاهاى صحیفه سجادیه عرضه داشت: «يَا إِلَهِي بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرَ مِنْ طَمَعِهِ فِيكَ، وَبِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاةِ أَوْ كَدِّ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ، لَا أَنْ يَكُونَ يَأْسُهُ قُتُوطًا» (صحیفه سجادیه، دعای ۳۹). ایشان در این دعا، به خوف ورجای خویش اشاره نموده و بیان کرده که خوف ایشان، بیشتر از طمع ورجاست. البته باید توجه داشت که نومیذی امام، از باب یأس از رحمت الهی نیست. مقام معظم رهبری نیز به خوف همراه با رجا در امر تبلیغ اشاره نموده و فرموده‌اند:

خوف را همراه رجا، حتماً به دل‌ها بدمید و خوف را بیشتر. اینکه ما آیات رحمت الهی را بخوانیم و یک عده‌ای را غافل کنیم و نتیجه‌اش این بشود که خیال کنند غرق در معنویت‌اند و از واجبات و ضروریات دین در عمل غافل بمانند، درست نیست. در قرآن، بشارت، مخصوص مؤمنین است؛ اما انذار، برای همه است؛ مؤمن و کافر، مورد انذارند. پیغمبر خدا گریه می‌کند. شخصی عرض می‌کند: یا رسول‌الله! خداوند فرمود: «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ». این گریه، برای چیست؟ عرض می‌کند: «أَوْ لَا أَكُونُ عَبْدًا شَاكِرًا»؛ یعنی اگر شکر آن مغفرت را نکنم، پایه آن مغفرت، سُست خواهد شد. در همه حال، انذار باید بر دل ما و مستمعان ما حاکم باشد. راه، راه دشواری است. بشر بایست خود را برای پیمودن این راه، و رسیدن به آن سرمنزل، آماده کند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۸۴/۱۱/۵).

بنابراین، توجه به انذار و تبشیر در کنار هم، یک اصل اساسی در امر تبلیغ است که نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ زیرا بی‌توجهی به این مسئله، موجب جسارت بر گناه و امید بیش از حد به رحمت خداوندی و یا یأس بیش از حد از مغفرت الهی می‌شود. خداوند متعال در آیه «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَاسٍ لِيَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء، آیه ۱۶۵) می‌فرماید: پیامبران را بشارت‌دهنده و انذارکننده قرار دادیم تا به رحمت و پاداش الهی، مردم را امیدوار سازند و از کفرهای او بیم دهند و از این رهگذر، بر مردمان اتمام حجت شود و آنان هیچ بهانه‌ای نداشته باشند (بابایی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۴۷۷).

مقام معظم رهبری همچنین، وظیفه مبلّغ دین و پیام‌آور حقیقت را در ایجاد نگاه امیدوارانه مردم به آینده و از بین بردن ناامیدی از آنها دانسته‌اند (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۳).

#### ۴. توجه به ابزارهای متنوع و مناسب

با توجه به اینکه برای هر حرفه و فنی، ابزار مناسب با آن وجود دارد و بدون آن ابزار، رسیدن به مقصود و ایجاد تحول و حرکت میسر نخواهد بود، آگاهی از ابزار مورد نیاز تبلیغ نیز امری قابل توجه در موفقیت ابلاغ پیام الهی است. آگاهی از ابزارهای تبلیغ و جدیدترین شیوه‌ها و روش‌ها، به مبلغان این امکان را خواهد داد که افزون بر هدایت جامعه اسلامی به سوی سعادت و سلامت معنوی، از ورود افکار و اندیشه‌هایی که بر مبنای دین‌گریزی یا دین‌ستیزی است، ممانعت نمایند. مقام معظم رهبری، تبلیغ را دارای انواع و اقسامی دانسته‌اند که در هر شرایطی، نحوه رساندن به گونه‌ای است که از طریق ابتکار و ذوق و سلیقه و فهم و سرعت انتقال انسان قابل فهم است (همان، ۱۳۷۰/۱۲/۵). از نظر ایشان، تبلیغ دارای سطوح مختلفی است: یک سطح، برای عامه مردم است. سطح دیگر، مربوط به کسانی که تا حدودی از معرفت و آگاهی برخوردارند و یک سطح نیز مربوط به کسانی است که اگرچه در علم دین آگاهی و معرفتی ندارند، ولی در رشته‌های علوم دیگر یا فنون مختلف زندگی، اشخاص برجسته‌ای محسوب می‌شوند. از منظر رهبر معظم انقلاب، مبلغ دین با قشرهای مختلفی مواجه است و فقط با مردم عامی روبه‌رو نیست؛ بلکه با افرادی که از معرفت و دانش و تجربه خوبی برخوردارند نیز مواجه می‌شود (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷)؛ همچنان‌که قرآن کریم نیز دارای سطوح مختلفی است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللُّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللُّطَائِفِ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقِ لِلْأَنْبِيَاءِ» (دبلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۳).

طبق این روایت، محتوای قرآن، بر چهار قسم است: «عبارت» که برای عوام قابل فهم است. «اشارت» که برای خواص قابل درک است. «لطایف» که مختص اولیای خداست و «حقایق» که از آن انبیای الهی است. داستان موسی و خضر نبی علیه السلام، از داستان‌های مورد توجه قرآن کریم است که بیانگر سطوح مختلف انسان‌ها در درک و فهم امور است. بنابراین، تبلیغ از نظر مقام معظم رهبری، یک فن است که به تعلیم و فراگیری جهت به‌روز شدن نیازمند است؛ یعنی باید فن تبلیغ را آموخت و تکمیل نمود (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷). در همین راستا، یکی از ابزارهای مورد توجه رهبر انقلاب، ابزار هنری است که باید با محتوای عالی توأم باشد. ابزارهای مناسب، باید همراه ذوق و سلیقه، ابتکار، خلاقیت، فهم موقعیت و بیان

همسو با مقتضای حال باشد (همان، ۱۳۷۰/۱۲/۵). مقام معظم رهبری، بعضی از مسائل دینی چون: اخلاقیات، معارف دینی و امور سیاسی را مورد نیاز عموم افراد دانسته‌اند که به قشر خاص و محلّ معینی اختصاص ندارد؛ اما بعضی از موضوعات را متعلق به بعضی از مخاطبان، از قبیل روشنفکران، جوانان و دانشجویان می‌دانند و یک مبلغ آگاه، باید به این نکات کلیدی توجه داشته باشد (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

### نتیجه

دین اسلام، به عنوان آخرین شریعت الهی و کامل‌ترین آنها، همواره پاسخگوی نیاز بشر بوده و هست و تبلیغ دین، به معنای رساندن پیام‌های خداوند به بندگان، در مرحله نخست، بر عهده پیامبران و اوصیای آنان، و در مراحل بعد، بر عهده عالمان و مبلغان دین است. بر این اساس، بهره‌گیری از بسترهای نوین در زمینه‌های مختلف جهت ارتقای سطح کیفی محتوای تبلیغ، امری بایسته است. افزون بر قرآن، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر جایگاه تبلیغ دین و نقش آن در هدایت و تربیت مردم تأکید شده است و امروزه نیز رهبر معظم انقلاب، به عنوان پیشوای جامعه کنونی، بایسته‌های تبلیغ را عاملی جهت کارآمدی بیشتر در احیای ارزش‌های دینی دانسته‌اند. آموزش تعالیم دینی، موعظه و تذکر اخلاقی و تقویت احساسات و عواطف دینی، مهم‌ترین کارکردهای تبلیغ دینی است که در موفقیت مبلغ دین و مواجهه صحیح با مخاطبان، از اهمیت وافر برخوردارند. همان‌طور که روش و محتوای درست تبلیغ دین، حیات‌بخش است، انحراف از آن نیز خسارت‌بار خواهد بود. جامعه امروز، همواره نیازمند آن است که مبلغ دینی، روش‌های تبلیغی خویش را به‌روز و کارآمد نماید.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفه سجادیه.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، چاپ اول، تهران، نشر جهان.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۷. ابن عجبیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ق، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، چاپ اول، قاهره، دکتر حسن عباس زکی.
۸. امین اصفهانی، سیده نصرت، ۱۳۶۱ش، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۹. بابایی، احمدعلی، ۱۳۸۲، برگزیده تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ق، الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربیة، چاپ اول، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران، انتشارات میقات.
۱۲. حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، چاپ اول، تهران، کتاب فروشی لطفی.
۱۳. حقی بروسوی، اسماعیل، بی تا، تفسیر روح البیان، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
۱۴. داورپناه، ابوالفضل، ۱۳۷۵ش، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات صدر.
۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق، دار العلم الشامیة.
۱۷. رکنی، محمد مهدی، ۱۳۷۹، آشنایی با علوم قرآنی، چاپ اول، تهران، سمت.
۱۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، بی تا، مناهل العرفان، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۳، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.
۲۳. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ش، أظیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
۲۵. قاسمی، محمد جمال الدین، ۱۴۱۸ق، محاسن التأویل، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۶. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۲ش، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۸. کمالی دزفولی، علی، ۱۳۷۰ش، شناخت قرآن، چاپ اول، تهران، اسوه.
۲۹. مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۸ق، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، الجامعة الرضویة فی علوم الاسلامیة.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۳۲. میبدی، رشیدالدین احمد بن سعد، ۱۳۷۱ش، کشف الأسرار وعدة الأبرار، چاپ پنجم،



تهران، انتشارات امیر کبیر.

۳۳. نراقی، مهدی بن ابی ذر، ۱۳۸۳ق، جامع السعادات، قم، اسماعیلیان.

۳۴. نقی پورفر، ولی الله، ۱۳۸۱، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، چاپ اول، تهران، اسوه.

۳۵. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، چاپ اول،

قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

### پایگاه‌های اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، نشانی: [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای،

نشانی: [www.farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir)

۳. پایگاه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، نشانی: [www.isna.ir](http://www.isna.ir)



## جایگاه و نقش ادبیات در تبلیغ آموزه‌های دینی با تأکید بر شعر

علی اکبر فراتی\*

### چکیده

تبلیغ، از ابزارهای گوناگونی برخوردار است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای کارآمد تبلیغ، ادبیات و هنر است که خود، قالب‌های متعددی دارد و در دین اسلام نیز بدان توجه شده است. علاوه بر قرآن کریم معجزه بیانی پیامبر صلی الله علیه و آله، فصاحت و بلاغت بالای معصومان علیهم السلام و نیز تسلط ایشان بر ادبیات کهن و معاصر خود و بهره‌گیری از آن در سخنان و احادیث از طرفی، و نیز حمایت مادی و معنوی از ادبا و شاعران مبلغ دین و تشیع، توصیه مردم برای اقبال به این ادیبان مبلغ، و جذب و هدایت فکری فرهنگی ایشان از سوی دیگر، اهمیت توجه به ادبیات در امر تبلیغ را روشن می‌کند. در ضمن، بررسی گونه‌های ادبی شعر و نثر در کلام امامان و پیروانشان، از سویی دارای زیبایی‌های لفظی در کنار محتوا و معنای والا بوده و از رمز و تشبیه و استعاره برای رساندن پیام دین بهره گرفته است و از طرفی، حامل شرح و بسط یا انعکاس برخی تفصیلات یا نسخ‌ها در روایات نیز بوده است که به انتقال مفاهیم به جامعه کمک می‌کرده است. پژوهش حاضر، سعی دارد با ذکر نمونه‌هایی، اهمیت این موضوع را در تبلیغ بارز سازد تا مبلغ امروزی از ابزارهای مؤثر، نظیر ادبیات و هنر، به فراخور نیاز روز بهره‌گیرد.

### کلیدواژه‌گان

ادبیات و تبلیغ، ادبیات اهل بیت علیهم السلام، شیوه‌های تبلیغ.



این نوشتار، برآن است تا ضمن بررسی ادبیات نزد پیشوایان دین به اهمیت، جایگاه و نقش آن در تبلیغ آموزه‌های دینی تأکید کند. دین اسلام همواره به ادبیات توجه داشته و علاوه بر مجهز شدن به آن برای ترویج آموزه‌های دین و دفاع از آن و مقابله با دشمنان، به سرمایه‌گذاری در این امر همت گمارده و کادرسازی و جذب افراد مستعد این حوزه را در دستور کار و برنامه‌های خویش قرار داده است.

قرآن به عنوان کتاب آسمانی دین ما، در بالاترین درجه ادبی است و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله «أَفْضَحُ مَنْ نَطَقَ بِالضَّادِ» است و امیر مؤمنان، علی علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام، امیران کلام هستند. تأثیر این ادبیات قوی و بلاغت والا در کنار محتوا و مضمون ارزشمند، یکی از بی نظیرترین ابزارها در تبلیغ را فراهم آورده است.

در این مقاله، بیشتر نمونه‌ها از ادب شعری فراهم شده است، ولی این، تنها قالبی از ادبیات است و بیانگر این اصل که ادبیات و هنر به طور کلی می‌تواند در تبلیغ آموزه‌های دین، بسیار مهم و مؤثر باشد. این موضوع، مستلزم آن است که مبلغان نیز خود در حدّ توان و فراخور نیاز روز، به این امر آشنا و مسلط باشند و بتوانند زمینه مناسبی را جهت استفاده از ادبیات افراد ذی‌صلاح و توانمند در جهت پیشبرد اهداف دین فراهم آورند. این هر دو، علاوه بر اینکه از یک سو به سیاست‌گذاری‌های سازمانی و برنامه‌ریزی‌های ستادی و کلان بازمی‌گردد، از سوی دیگر که مهم‌تر و مؤثرتر است، در بخش مجریان این برنامه‌ها، یعنی مبلغان گرامی قابل پیگیری و اجراست.

### نگاه اسلام به ادبیات

در بررسی قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین و نخستین منبع شناخت در اسلام، دو مسئله در باب ادبیات جلوه می‌کند؛ نخست، رویکرد قرآن کریم به کلام و بیان و ادب. قرآن، معجزه رسول خاتم، معجزه‌ای بیانی است و ادب قرآن، کلامی است در بالاترین سطح بلاغت که در لفظ و محتوا هماوردجویی کرده است (ر.ک: بقره، آیه ۲۳؛ یونس، آیه ۳۸؛ هود، آیه ۱۳).

درباره بلاغت قرآن بسیار سخن گفته شده و کتاب‌های تخصصی به نگارش درآمده که با توجه به هدف و موضوع این نوشته، مجال تفصیل آن نیست.

دوم، نگاهی که قرآن کریم به شعر و شاعری دارد. اگر این مسئله به طور کامل دیده نشود و قرآن به مثابه یک کل بررسی نگردد، بی‌تردید، حاصلی جز کژئی در برداشت نخواهد داد؛ اما نگاه قرآن به شعر ظاهراً با نکوهش شاعران و بری دانستن پیامبر از شاعری گره خورده است؛ آنجا که فرموده:

«وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ \* أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ \* وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (شعراء، آیه ۲۲۴-۲۲۶)؛ [پیامبر اسلام، شاعر نیست]. شاعران، کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ و سخنانی می‌گویند که [به آن] عمل نمی‌کنند؟»

در توضیح این آیه، گفتنی است که شاعران به چند ویژگی نکوهش شده‌اند؛ نخست اینکه شعرشان، شیطانی است؛ نه آسمانی و هدایت‌کننده. از این‌رو، مورد پیروی گمراهان است و هرکس آنان را دنبال کند، از حق دورتر می‌گردد؛ اما سخن پیامبر ﷺ چنین نیست؛ بلکه عین حق و هدایت است. دوم اینکه شاعران این‌چنینی در هر وادی و موضوعی و هر محتوایی سرگردان شعر می‌گویند؛ بدون هدفی والا و بی‌هیچ نظام فکری منسجم و قابل اتکا. سوم آنکه قائل به قول خود نیستند و به سروده‌هایشان ایمان و باور قلبی ندارند و در واقع، کردارشان تأییدکننده گفتارشان نیست. برای به دست آوردن جاه و منال، زبان به تملق می‌گشایند؛ چنان‌که هجویشان نیز از روی ناراحتی و بر اساس امیال مادی است. به طور کلی، اینان شعر و ادبشان، از سرِ اعتقاد قلبی نیست.

اما اگر شاعران از اوصاف مذکور برحذر باشند و اهل باور به دین و کوشا در عمل به گفته‌های خویش باشند، مورد تأیید و مدح دین هستند؛ چنان‌که در آیه بعد می‌خوانیم:

«إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (شعراء، آیه ۲۲۷)؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند، به دفاع از خویشان [و مؤمنان] برمی‌خیزند [و از شعر در این راه کمک می‌گیرند]. آنها که ستم کردند، به‌زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست.»

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز در این باره فرمود: «إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةٌ وَ إِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۹)؛ برخی از شعرها، حکمت است و بعضی از سخن‌ها، افسونگر.»



## ادبیات در خدمت تبلیغ دین

ادب، برای هر ایدئولوژی و مکتبی، به مثابه زبان گویای آن است و اسلام نیز از این امر مستثنا نیست. به گفته علامه حکیمی: «به هیچ فرهنگی و به هیچ جهان بینی و به هیچ مسلک اعتقادی و نظام سیاسی و حرکت اصلاحی و تحول آزادی بخشی، بی داشتن ادبیات نمی توان خدمت کرد» (حکیمی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

اهمیت ادب را نزد اهل بیت عصمت و طهارت و حضرات معصومان علیهم السلام، از سه جنبه باید مورد مطالعه قرار داد: جایگاه ادبی و بلاغی امامان علیهم السلام؛ تسلط بر ادبیات روز؛ ترغیب مبلغان و ادیبان و شاعران پایبند به ارزش ها.

### ۱. جایگاه ادبی و بلاغی اهل بیت علیهم السلام

امامان علیهم السلام خود در ادب و شعر بر فراز بودند و در عرصه های گوناگون، اعم از مبارزه و ترویج و تبلیغ دین، از آن بهره می بردند. نمونه بارز آن، در ادبیات والا و آگاهی بخش امیر بیان در نهج البلاغه جلوه می کند. نهج البلاغه به عنوان ادبیات نثری، خود به تنهایی بزرگترین نشانه اهمیت ادبیات نزد امامان علیهم السلام و جایگاه والای ایشان در ادبیات است.

ادب نزد اهل بیت و حضرات معصومان علیهم السلام، بسیار ریشه دار و قوی و با اهمیت بوده است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام، امیر بیان است و خود می فرماید:

«إنا لأمرء الکلام، فینا تشبیت عروقه و علینا تهدلت غصونه (نهج البلاغه، خ ۲۳۳)؛ ما امیران سخنیم. رگ های آن، در میان ما ریشه کرده است و شاخسارانش بر ما فرو افتاده است.»

ابن ابی الحدید که در وصف فصاحت امیر سخن و قواعد سخنوری، بسیار مطلب دارد (ر.ک: فراتی، ۱۳۸۷، ۲۴۳-۲۶۸)، مطلبی را از معاویه می آورد؛ گواه بر اعتراف حتی دشمنان به بلاغت علی علیه السلام:

«وقتی محفن بن ابی محفن به معاویه گفت: «جئتک من عند أعیاء الناس؛ از نزد ناتوان ترین مردمان به نزد تو آمده ام»، معاویه به او گفت: وای بر تو! چگونه او ناتوان ترین مردمان باشد؛ حال آنکه به خدا قسم، فصاحت را جز او برای قریش بنیان نهاد (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۰۱).

ابن ابی الحدید امام را «إمام أرباب صناعة البدیع» خوانده (همان، ج ۶، ص ۳۴۸) و این سطح سخنوری را علمی لدنی و تعلیم الهی به حضرت می داند (همان، ج ۱۳، ص ۱۰۹).

امامان شیعه همه در سطح بالای سخنوری و خطبه سرایی بودند. این حقیقت، در سخنان کوتاه و

بلند برجای مانده از ایشان جلوه‌گر است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود: «رَبُّ قَوْلٍ أَنْفَعُ مِنْ صَوْلٍ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۲). ادبیات درخور و شیوا، خود ابزاری فرهنگی و نرم در جهت تبلیغ ارزش‌هاست؛ چنان‌که شمشیری در دست دشمن نیز می‌تواند باشد. بنابراین، راه مقابله با چنین شمشیری، مسلح شدن به آن است.

این ابزار تبلیغی است که حضرت زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام، پیام‌آور عاشورا، از آن به بهترین شکل برای رسوا سازی دشمن و روشنگری مردم بهره گرفتند.

دعا، به عنوان یکی از مهم‌ترین قالب‌های نثر ادبی است که همه پیشوایان دین بدان اهتمام داشته‌اند و با بلاغت در لفظ و ظاهر و علو معنا و مضمون تأثیر شگرفی بر اهل ایمان گذارده‌اند، دعاها و مناجات‌هایی همچون: دعای کمیل، مناجات شعبانیه، دعای عرفه و صحیفه سجاده، به مثابه اوج ادب دعایی از قالب‌های ادبیات نثری امامان علیهم السلام، نمونه‌هایی از این امر هستند که در خود، آموزه‌ها و معارف فراوان و ژرفی دارند؛ همچنان‌که این گونه ادبیات، در جهت ایجاد حس و حال معنوی در مخاطب، نقش انگیزشی مهمی دارد.

امام سجاد علیه السلام در آن شرایط سخت، برای تبلیغ دین دعا را برگزید. از این رو، آموزه‌های دینی، در قالب دعا ریخته شد و با آهنگی اثرگذار و شیوه‌ای بلاغی، مردم را با تعالیم اسلام حقیقی آشنا ساخت؛ اما دعا در یک ظرف ادبی، نفوذ چند برابر دارد. ادبیات دعای معصومان علیهم السلام در کنار آداب دعا، مؤثر واقع شده است. از همین رو، نهج البلاغه «أخو القرآن»، و صحیفه سجاده «أخت القرآن» لقب گرفته است و این، از باب سنخیتی است که در لفظ و معنا با کتاب الهی دارد.

اما علاوه بر سخنرانی‌ها و خطابه‌های امامان و سایر معصومان علیهم السلام، احادیث کوتاه و بلند ایشان، از بلاغت بالا و علو لفظ به همراه ژرفایی محتوا برخوردار است. شعر، یکی از مهم‌ترین قالب‌های ادبی بوده است که به واسطه جایگاه آن نزد عرب، کارکرد بسیار اثربخشی در امر تبلیغ دین داشته است. برخی از نمونه‌های استفاده از شعر در جهت تبیین یا ترویج آموزه‌های دین توسط امامان علیهم السلام به شرح ذیل است:

**الف.** معاویه در نامه‌ای به امیر مومنان، علی علیه السلام، خود را صاحب فضایل خوانده بود و گفته بود: من پدرم در جاهلیت سروری داشت و خودم در اسلام ملک شاهی دارم، خویشاوند پیامبر و خال المؤمنین هستم و کاتب وحی. امام وقتی نامه وی را خواند، فرمود: آیا کسی چون فرزند زن



جگرخوار بر ما به فضایل فخر فروشد؟ آنگاه در پاسخ به نامه او چنین املا نمود:

مُحَمَّدُ النَّبِيُّ أَحْيَىٰ وَصِهْرِي      وَ حَمْرَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَمِّي  
و پس از آن، ابیاتی را انشا کرد؛ از جمله:  
وَ أَوْجَبَ لِي وَلَا يَتَّهَ عَلَيَّكُمْ      رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمِّ  
وَ أَوْصَىٰ بِي لِأُمَّتِهِ لِحُكْمِي      فَهَلْ فِيكُمْ لَهُ قَدَمٌ كَقَدَمِي  
فَوَيْلٌ لَّكُمْ وَ يَلٌ لَّكُمْ وَ يَلٌ      لِحَاحِدِ طَاعَتِي مِنْ غَيْرِ جُرْمِي

تأثیر این ابیات که سابقه درخشان امام و فضایل ایشان از آغاز تا غدیر را نشان می‌داد، آن قدر برای معاویه روشن و البته گران بود که همان جا به پیک دستور داد نامه را پاره کند تا مردم شام آن را نخوانند؛ زیرا اگر چنین شود، شامیان همگی به فرزند ابی طالب خواهند گروید (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۷۰).

ب. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا اشعاری را به عنوان رجز خواند که جنبه هدایت و تبیین داشت. یکی از بلندترین این اشعار، شعری با مطلع ذیل است که در آن، هم خود را برای غفلت زدایی از مردم معرفی کرد و هم به آسیب شناسی دین داری آنان پرداخت و معارفی را در ابیات متعدد بیان فرمود:

كَفَرَ الْقَوْمُ وَ قَدَمًا رَغِبُوا      عَنْ ثَوَابِ اللَّهِ رَبِّ الثَّقَلَيْنِ  
(همان، ج ۴، ص ۷۹).

همه امامان ما، در جایگاه‌های متعدد، حتی در زمانی که در تنگنای خفقان اموی و عباسی بودند، از ابزار ادب و شعر برای مبارزه و برای تبلیغ بهره گرفته‌اند و یکی از عواملی که بسیاری را به شنیدن کلام حق ایشان فرامی‌خواند، گیرایی، شیوایی، فصاحت و بلاغت سخن این بزرگواران بوده است. اهل بیت علیهم السلام که هم‌تراز قرآن هستند، همچون قرآن دارای ادبیات قوی و بلاغتی اعجازگونه بوده‌اند که مخاطب را جذب می‌کرده و در مقابل عظمت آن به کُرنش وا می‌داشته است؛ از معروف‌ترین جلوه‌های شعری آن بزرگواران، در شعر معروف امام هادی علیه السلام در دربار

متوکل بروز نموده است. ایشان با این شعر، خلیفه جائر را برآشفت و بزم او را بر هم زد:  
بَاتُوا عَلَيَّ قُلُلِ الْأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ      غُلْبُ الرِّجَالِ فَلَمْ تَنْفَعَهُمُ الْقُلُلُ  
(کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۴۲).

«بر فراز ستیغ کوه‌ها شب گذراندند؛ درحالی که مردان نیرومند ستر از آنها پاس داری می‌کردند؛

ولی آن بلندی‌ها، سودشان نبخشید.»

و در جاهای مختلف از کلام پیامبر ﷺ و سایر حضرات معصومان علیهم‌السلام، شاهد سخنانی فصیح و بلیغ هستیم (ر.ک: ری شهری، ۱۳۷۷، مدخل‌های: البلاغه، الکلام، اللسان، الشعر).

## ۲. تسلط بر ادبیات قدیم و جدید

ایشان بر ادبیات رایج و شعر مسلط بودند؛ خواه قدیم خواه جدید، و از اشعار شاعران و گفته‌های دیگران در سخنان خود بهره می‌گرفتند و بدان تمثیل می‌جستند و این همه، نشان از مطالعه دقیق و اشراف ایشان بر ادبیات گذشته و معاصر خود بوده است؛ همان‌طور که نشانه اهمیت و تأثیر آن در مخاطب است.

امام علی علیه‌السلام با آن پایه بلاغی و ادبی، در سخنان خود به اشعار شاعران جاهلی تمثیل جسته است و در نهج البلاغه پانزده بیت و چهار مصراع آمده که حضرت به شعر دیگران تمثیل جسته‌اند. آن حضرت در خطبه شقشقیه که در اوج دل‌سوختگی و درد بیان شده است، بیتی از اعشی، شاعر جاهلی را می‌خواند:

سَتَّانَ مَا يَوْمِي عَلَى كُورِهَا  
وَيَوْمُ حَيَّانَ أَخِي جَابِرِ

تمثیل امام علی علیه‌السلام و دیگر امامان به اشعار شاعرانی مانند اعشی و ابوذؤب هذلی، بر اهمیت این امر حکایت دارد.

تکمیل شعر دعبل توسط امام رضا علیه‌السلام در وزن و قافیه خود قصیده، آنجا که فرمود دو بیت دیگر بر آن بیفزایم تا قصیده‌ات کامل آید، گواه روشنی بر این مطلب است؛ «أَفَلَا أُلْحِقُ لَكَ بِهَذَا الْمَوْضِعِ بَيْتَيْنِ بِيَمَانِ تَمَامُ قَصِيدَتِكَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۲۶۳).

آنگاه حضرت فرمود:

وَقَبْرٌ بِطُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ  
تَوَقَّدْتُ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحُرُوقَاتِ  
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا  
يُفْرِجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ (همان).

این قدرت و نبوغ شعری و ادبی، قطعاً علاوه بر علم لدنی و استعداد ذاتی، با اهتمام ایشان از کودکی در تربیت و رشد این قریحه و ذوق ادبی همراه بوده است تا همگان را الگو باشد. همچنین، استفاده از این امر در راه تبلیغ و ترویج آموزه‌های دین، نه برای نشان دادن این توان که



برای نشان دادن اهمیت امر ادبیات در انتقال فرهنگ اصیل و تبلیغ دین صورت گرفته است. اینکه امامان در وزن شعر کسی شعری بسرایند، چونان که شاعران برای ابراز توانمندی چنین می‌کردند، نمونه بسیار دارد؛ برای مثال، امام حسین علیه السلام در حال نماز بودند که یک نفر اعرابی بر در کوفت و شعری برای طلب کمک خواند. بیتی از آن شعر، چنین است:

لَمْ يَخْبِ الْيَوْمَ مَنْ رَجَاكَ وَمَنْ  
فَأَنْتَ ذُو الْجُودِ أَنْتَ مَعْدُنُهُ  
حَرَكَ مِنْ خَلْفِ بَابِكَ الْحَلَقَةَ  
أَبُوكَ قَدْ كَانَ قَاتِلَ الْفَسَقَةِ

امام علیه السلام نماز را سبک‌تر برگزار کرد و به سوی اعرابی رفت و چون او را بیچاره و ندار یافت، مالی به او داد و سه بیت با همان وزن و قافیه خواند که بیت نخست آن، چنین است:

خُذْهَا فإِنِّي إِلَيْكَ مَعْتَذِرٌ  
وَاعْلَمْ بِأَنِّي عَلَيْكَ ذُو شَفَقَةِ  
(ابن عساکر، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰).

امثال این نمونه، در سیره اهل بیت علیهم السلام بسیار به چشم می‌خورد و قطعاً همه این موارد، ابزار و روشی برای جذب و ترویج معارف دین شمرده می‌شده است. ادبیات، ذاتاً گرایشی ایجاد می‌کند و از این روست که مبلغانی که از قریحه ادبی و بیان سخنان نغز برخوردارند، توفیق بیشتری در امر تبلیغ می‌یابند.

بنابراین، تسلط بر ادبیات، بحث مهمی است که باید مبلغان دینی و افسران جنگ نرم و فعالان فرهنگی حوزه و دانشگاه بدان مجهز گردند؛ چنان‌که امروزه مقام معظم رهبری، در این باره پیشرو و الگو هستند و پا جای پای پدران بزرگوارشان، ائمه هدی علیهم السلام گذاشته‌اند و در اهمیت دادن و تسلط ایشان به موضوع ادبیات، جای هیچ بحثی نیست.

### ۳. ترغیب و تشویق به ادبیات

ایشان علاوه بر آنکه اهل شعر و ادب و بلاغت بودند و شخصاً بدان اهتمام می‌ورزیدند، در جنبه اجتماعی نیز به ادبیات و شعر پایبند به اصول و ارزش‌ها و همسو با اهداف والا اهمیت می‌دادند؛ هم از آن در جهت پیشبرد اهداف دین و نشر تعالیم اسلام ناب و مقابله با دشمنان بهره می‌گرفتند و هم شاعران را به سه شیوه کلی، مورد حمایت خود قرار می‌دادند و افراد را به یادگیری و تعلیم شعر شاعران متعهد، تشویق می‌کردند. در ادامه، به بیان این سه شیوه می‌پردازیم:



### ۱-۳. حمایت مادی و معنوی از ادیبان

حمایت از شاعران و ادیبان ولایی و متعهد، گاه معنوی است و با دعا و فرستادن رحمت و استغفار برای شاعران است و در این زمینه، روایات متعددی در خصوص جزا و پاداش الهی در آخرت برای مجاهدان راه حق به تیغ زبان وجود دارد؛ چونان که بارها برای شاعران خود دعا کرده‌اند و پشتوانه معنوی بخشیده‌اند و انگیزه ایجاد کرده‌اند. این امر، نمونه‌های متعددی دارد و به روشنی نشانگر اهمیت این موضوع است.

کمیت در یکی از سال‌ها ایام تشریق در منا در حضور خانواده حضرت امام صادق علیه السلام شعر خود را برای ایشان انشا کرد و خاندان حضرت گریستند؛ تا آنجا که به این بیت رسید:

يُصِيبُ بِهِ الرَّامُونَ عَن قَوْسٍ غَيْرِهِمْ  
فَيَا آخِرًا سَدَى لَه الْغَيِّ أَوْلُ

«تیراندازان، با کمان دیگران امام حسین علیه السلام را هدف تیر خود می‌ساختند. وای بر آن ستمکار آخر که زمینه تبهکاری و گمراهی را، آن ظالم نخست برایش فراهم آورد.»

امام صادق علیه السلام دستانشان را رو به آسمان بلند کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْكَمِيتِ مَا قَدَّمَ وَ مَا آخَرَ، وَ مَا أَسْرَّ وَ مَا أَعْلَن، وَ أَعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴، ج ۱۷، ص ۲۰).

همو پیشتر نزد امام باقر علیه السلام وقتی قصیده‌اش را با مطلع «مَنْ لِقَلْبٍ مَّتِيْمٍ مُسْتَهَامٍ» انشاد کرد، امام برایش طلب غفران کرده بود. بار دیگری نیز امام هزار دینار به همراه یک لباس به او عطا کرد (همان).

این‌گونه روایات، در منابع مختلف به شکل‌های گوناگون ذکر شده است (بغدادی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۵۴).

دیگر شاعران نیز نزد امامان ابراز ادب کرده، شعر سروده‌اند و مورد حمایت حضرات معصومین علیهم السلام قرار گرفته‌اند؛ البته این حمایت‌ها و صله‌ها و جوایز که از سوی امام علیه السلام در جهت تبلیغ دین و ترویج آیین و منش اهل بیت علیهم السلام صورت می‌گرفت، نشان از اهمیت کار فرهنگی و به‌ویژه ادبیات اثرگذار دارد که می‌توان برای آن سرمایه‌گذاری مادی و معنوی کرد و افراد را در این راه حمایت نمود.

ماجرای انشاد قصیده تائبه دعبل نزد امام رضا علیه السلام معروف است. قصیده او به مطلع ذیل است:

تَجَاوَبْنَ بِالْإِرْنَانِ وَالرَّفْرَاتِ  
نَوَائِحُ عَجْمِ اللَّفْظِ وَالنَّطْقَاتِ



این شعر، داستان مفصلی دارد؛ امام در اثنای گوش دادن به شعر دعبل، چند بار از هوش رفت و بارها او را تأیید و تشویق کرد و پس از آن، شعر را با دو بیت از خیر شهادت خویش تکمیل نمود و سپس، ده هزار درهم از سکه‌های مضروب به نام خود به دعبل بخشید. دعبل هر درهم را در عراق به ده درهم فروخت و صاحب ده هزار درهم شد.

شایان ذکر است که از ولایت‌مداری شاعران متعهد و مرزداری ایشان با دشمنان ولایت، نمونه‌هایی است که نشان از عدم تکسب ایشان به وسیله شعر دارد. در اینجا به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم. معاویه هدیه‌ای همراه با شیرینی برای ابوالأسود دوئلی فرستاد. دختر ابوالأسود از پدر در باره آن پرسید. پدر که از اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام بود، گفت: آن را معاویه فرستاده تا با خدعه و نیرنگ ما را از دینمان خارج کند و دختر با نگاه ولی مدارانه و اشاره به ولایت امام علی علیه السلام آن را رد کرد و چنین سرود:

أَبِ الشَّهَدِ الْمُرْعَفِ يَا بَنَ حَرْبٍ  
مَعَاذَ اللَّهِ كَيْفَ يَكُونُ هَذَا

نَبِيْعُ عَلِيْكَ أَحْسَابًا وَ دِيْنَا  
وَ مَوْلَانَا أَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ

(زمخسری، ۱۹۹۹، ج ۵، ص ۳۲۲).

حمایت مادی از شاعران در کنار پشتوانه معنوی و انگیزه مادی در کنار ترحم و دعا، وقتی اهمیت روشن تری پیدا می‌کند که بدانیم در روزگاری بس سخت و پُرفشار بر دوستان اهل بیت علیهم السلام این اتفاق رخ می‌داد؛ یعنی هنگامی که افراد برای دستیابی به دنیا از اعتقادات خود می‌گذشتند، برای رسیدن به ثروت و بهره‌مندی از حمایت دولتیان وقت، به تملق دربار و خلفا و امرا مشغول بودند و یا اینکه از زمان معاویه بخش‌نامه‌های حکومتی غلیظ و شدید و کمرشکنی علیه دوستداران علی علیه السلام ابلاغ شد و در زمان بنی امیه و بنی عباس به شکل‌های مختلف، انواع فشارها و تحریم‌ها علیه ایشان اعمال می‌شد و به کمترین اتهامی مبنی بر دوستی افراد با اهل بیت علیهم السلام، آنان را تبعید و زندانی می‌نمودند و به شهادت می‌رسانیدند. معاویه با صدور چندین بخش‌نامه حکومتی، ضمن امر به جعل احادیث و اقدامات دیگر، حکومت را از کسی که حتی فضایل امام علی علیه السلام و اهل بیتش را روایت کند، بری‌الذمه دانست (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۲۶، ج ۱۱، ص ۳۶).

معاویه طی بخش‌نامه‌هایی، فشارهای خود را بر اهل بیت علیهم السلام و دوستداران ایشان افزایش داد. هیچ بلایی در عراق و به‌ویژه در کوفه، شدیدتر و سخت‌تر از این نبود؛ تا جایی که شیعیان علی،



حتی از دیدار دوستان شیعه‌شان که مورد اعتمادشان بودند، هراس داشتند و در سرداب خانه‌ها به طور مخفیانه دور از چشم حتی غلامان و کنیزانشان دیدار می‌کردند و اگر سخنی گفته می‌شد، با قسم‌های سنگین برای فاش نشدن همراه می‌شد. از سویی، کسانی دوستی آل‌الله را انکار می‌کردند و حدیث برمی‌ساختند و با این کار، به حاکمان تقرب می‌جستند و دارایی کسب می‌کردند؛ به قول ابن ابی‌الحدید: «فیفعلون الأحادیث لیحفظوا بذلک عند ولائهم ویقربوا مجالسهم و یصیبوا به الأموال والاضیاع والمنازل» (همان؛ نیز ر.ک: فراتی، ۱۳۹۳، ص ۳۱-۳).

در چنین شرایطی، ضرورت حمایت‌ها از ادیبان جهت تبلیغ آموزه‌های دین، دوچندان می‌نمود.

### ۲-۳. جذب ادیبان و شاعران و حمایت فکری از ایشان

یکی از کارهای امامان برای گسترش تبلیغ از راه ادبیات، جذب حداکثری ادیبان و شاعران و نیز حمایت و هدایت فکری و رهبری ایشان بود. بنابراین، «نظر به فواید اجتماعی شعر این شاعران، پیشوایان هیچ‌گونه نظری به شخصیت شاعر نداشتند و نسبت به سایر شئون و اعمالشان خرده نمی‌گرفتند... همین که افکار و اشعار چنین شعری را می‌دیدند که در راه هدایت و ترویج دین و بیان حقایق، مفید است، از اعمال بدشان چشم‌پوشی می‌کردند و به آنها به دیده استرحام می‌نگریستند» (آینه‌وند، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۱۹).

سخن‌یاد شده درست است؛ ولی باید به این نکته توجه داشت که امامان در برابر خطاهای شاعران بی‌اعتنا نبودند و در جهت اصلاح ایشان برمی‌آمدند؛ زیرا هدایتگری و اصلاح کژی‌های احتمالی شاعرانی که مبلغ دین بودند، از وظایف امام بوده است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام از شخصی مانند سید حمیری که در حوزه تفکر اندکی زاویه داشت، دستگیری کرد و او را با مناظره و یا ارائه معجزه هدایت نمود. قصیده رائیه سید، ثمره همین امر بوده است. خود سید می‌گوید:

«من قایل به غلو بودم و به غیبت محمد بن علی فرزند ابن‌الحنفیه باور داشتم. مدتی در گمراهی به سر کردم؛ تا اینکه خداوند بر من منت گذارد و امام صادق، جعفر بن محمد را پیش پای من گذارد و به واسطه او، مرا از آتش رهانید و به راه راست رهنمون ساخت» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۳).

هدایت او به دست امام، به شکل‌های مختلف نقل شده است (ر.ک: ابن‌معتز، ۱۹۹۸، ص ۵۵؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۴۵).

نمونه دیگر در این همراهی و اهتمام به هدایت و توجه به چگونگی حرکت و موضع‌گیری شاعر،



ماجرای کثیر عزه است. امامان علیهم السلام همواره بر اصل مرزبندی با دشمن تأکید داشته‌اند. امام باقر علیه السلام باری به کثیر که مروانین (عبدالملک مروان) را مدح کرده بود، تلنگر زد و فرمود:

«تو پنداری از شیعیان مایی؛ ولی آل مروان را مدح می‌کنی؟» (صدر، ۱۹۵۱، ص ۱۹۰).

در روایتی آمده است که کثیر، منظور حضرت را فهمید؛ اما به جهت تقیه چنین پاسخ داد:

«لم أقل له يا امام الهدى، إنما قلت: يا شجاع، و الشجاع حية، و يا أسد، و الأسد كلب، و يا غيث، و الغيث موات» (شریف مرتضی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۲۸۷).

گویند حضرت در پی این پاسخ، تبسم نمود و ابراز رضایت کرد.

این مسئله، نشان از توجیه و هدایت‌گری پیشوایان دین در کنار حمایت از شاعران دارد. شاعران و ادیبان مجاهد نیز در راه دوستی ولایت و ایمان به اهل بیت علیهم السلام استقامت ورزیده، در مقابل، سختی‌ها و رنج‌ها را تحمل می‌کردند.

هدایت‌گری و حمایت معنوی، نه تنها از ناحیه سیاست‌گذاری و کار ستادی و برنامه‌ریزی سازمان‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد، بلکه مبلغان محترم در سراسر کشور، هریک می‌توانند با کار تشکیلاتی در مساجد و محلات و شهرها و به‌کارگیری توانمندی‌های ادبی و هنری افراد، ضمن هدایت و راهبری و اصلاح برخی کژی‌ها، بر غنای تبلیغ و بُرد آن بیفزایند.

### ۳-۳. ترغیب به یادگیری و ترویج ادبیات

در مورد اخبار زندگی سفیان بن مصعب عبدی، در تاریخ، موارد اندکی ضبط شده است. یکی از آنها، سفارش امام صادق علیه السلام به شیعه جهت تعلیم اشعار عبدی برای کودکان است. ایشان فرمود:

«يا معشر الشيعة! علموا أولادكم شعر العبدی فإنه علی دین الله» (کشی، ۱۴۰۹، ص ۴۰۱).

همچنین است امر امام علیه السلام به عبدی یا دیگران، برای خواندن شعر او. علاوه‌براین، آن حضرت از ابوعماره درخواست نمود تا شعر عبدی را بخواند. خود او گفته است: ابو عبداللّه علیه السلام به من فرمود: «ای اباعماره! شعری را که عبدی در باره حسین علیه السلام سروده است، برای ما بخوان. من خواندم و او گریه کرد. باز خواندم و او گریست. دوباره خواندم و او اشک ریخت. به خدا قسم! من پیوسته می‌خواندم و او همچنان می‌گریست تا صدای شیون از خانه برخاست» (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۵).

امروزه، خواه ادبیات در قالب شعر یا نثر، خواه هنر در جلوه‌های متعدد مشروع خود، می‌تواند یار

مبلّغ در نشر و رساندن پیام دین به مردم در قشرهای مختلف و سنین گوناگون باشد. ترغیب به هنر و ادبیات دینی که در خدمت ارزش‌ها و اهداف دین باشد، در کنار تسلط مبلّغان بر این حوزه‌ها، می‌تواند مسیرهای تازه‌ای در نشر اندیشه‌ها و آموزه‌های دین مبین اسلام و تشیع فراروی جامعه بگشاید.

### قالب‌های تبلیغ ادبی

اگر به تبلیغ با رویکرد ادبی نگاهی بیندازیم، به دو گونه و قالب اصلی می‌رسیم:  
الف. نثر، شامل: سخنرانی، دعا و نگارش؛ ب. شعر.

از سوی دیگر، اگر جزئی‌تر بررسی کنیم و به شیوه‌های تفصیلی تبلیغی بودن هریک از این دو گونه کلی ادبی توجه نماییم، در آن شیوه‌هایی را مشاهده می‌کنیم که برخی از آن، در میان اهل بیت علیهم‌السلام و یاران‌شان مشترک است. در ادامه، به برخی اشاره می‌شود:

#### ۱. بهره‌گیری از صنایع ادبی و بلاغی

نگاهی گذرا به روایات و نیز اشعار شاعران، ما را به رمزگونی و تمثیلی بودن و آکنده از تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه بودن روایات دلالت می‌کند. طبیعتاً یکی از راه‌های آموزش و تبیین و تبلیغ مطالب عرفی و عمومی و ساده بیان کردن، آن است که از سویی، به صورت بیان رمزی و تمثیلی صورت می‌گیرد؛ تا مفهومی سترگ و بلند برای مردم قابل دسترسی و فهم گردد و از سوی دیگر، ممکن است با تشبیه و استعاره و مجاز انجام گیرد؛ تا بهتر فهم شود و به ذهن مخاطب آشنا تر باشد.

در کتاب *المجازات النبویة* اثر شریف رضی، مجازات کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان شده است؛ به عنوان نمونه، امام زمان عجل‌الله‌فرجه در روایتی، بهره‌مندی مردم از خودشان در دوران غیبت را به صورت تشبیهی بیان فرموده: «وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۵). ایشان برای فهم مردم از چگونگی بهره‌مندی از امام در حال غیبت و پنهان بودن از دید مردم، مطلب را به صورتی تشبیهی و رمزی بیان کردند؛ تا برای آنان باورپذیر و آشنا باشد.

همچنان‌که ویژگی‌های زیبایی‌شناسی زبان در ادبیات اهل بیت علیهم‌السلام فراوان مشاهده می‌شود، موازنه و سجع و جناس و سایر آرایه‌های بدیعی، بر تأثیر و نفوذ کلام حق ایشان می‌افزود. از



همین رو نیز شعر شاعران مورد توجه قرار می‌گرفت.

امروزه نیز مبلغان برای تبیین و فهماندن بسیاری آموزه‌های دینی، نیازمند زبان مجاز و استعاره و بهره‌مندی از بلاغت متناسب با شرایط روز هستند؛ تمثیلاتی که برخی علما و روحانیون برجسته روزگار ما، همچون: مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین علی صفایی حائری و حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی، از آن به بهترین شکل بهره گرفته‌اند و توفیق این کار، در بازتاب آن میان مردم و اقشار مختلف قابل ارزیابی است.

## ۲. نشر و شرح روایات و آیات

یکی از شیوه‌های کار برخی شاعران و ادیبان دینی و نیز خود اهل بیت علیهم‌السلام، نشر و نقل روایات به صورت منظوم و در قالب شعر و نیز شرح و توضیح و تبیین کلام معصومان علیهم‌السلام بود. گاه از اهل بیت علیهم‌السلام سؤالی می‌شد از حدیثی از امام دیگری، و ایشان به تبیین معنای آن می‌پرداختند و معنای آن را از فهم غلط و برداشت نادرست می‌زدودند و یا معنای روز آن را بیان می‌کردند و حکم آن را منسوخ می‌دانستند.

شاعران نیز گاه به شرح و تبیین احادیث و آیات می‌پرداختند و احادیث را به زبان شعر بیان می‌کردند و بدین شکل، آموزه‌های دینی را برای مردم ترویج می‌دادند. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

**الف.** در روز عید غدیر، حسان بن ثابت، شاعر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با کسب اجازه از حضرت برخاست و مضمون کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در قالب شعر بیان کرد:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ	بِخُصْمٍ وَأَكْرَمٍ بِالنَّبِيِّ مُنَادِيًا
يَقُولُ فَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَوَلِيكُمْ	فَقَالُوا وَلَمْ يَدُوا هُنَاكَ التَّعَادِيَا
إِلَهُكَ مَوْلَانَا وَأَنْتَ وَلِيْنَا	وَلَنْ تَجِدَنَّ مِنَّا لَكَ الْيَوْمَ عَاصِيًا
فَقَالَ لَهُ فَمَنْ يَا عَلِيُّ فَإِنِّي	رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي إِمَامًا وَهَادِيًا

(همو، ۱۳۷۶، ص ۵۷۵).

**ب.** از شیوه‌های عبدی در تبلیغ این بود که از امام صادق علیه‌السلام حدیثی را در مناقب عترت طاهره فرا می‌گرفت و در حال، آن را به نظم می‌کشید و بر امام عرضه می‌کرد. ابن عیاش روایت کرده است که سفیان بن مصعب عبدی، خدمت حضرت ابو عبدالله امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شد و گفت: قربانت گردم در باره سخن خدای تعالی «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلِمًا بِسِيمَاهُمْ»

(اعراف، آیه ۴۶) چه می‌فرمایی؟ حضرت فرمود: ایشان اوصیای دوازده‌گانه از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند. نمی‌شناسد خدا را، مگر آن‌که آنان را شناخته باشد و ایشان نیز او را شناخته باشند. گفت: فدایت شوم! اعراف چیست؟ فرمود: تپه‌هایی از مُشک است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای او عَلَيْهِمُ السَّلَام بر آن قرار می‌گیرند و همه را به چهره‌هاشان می‌شناسند. سفیان گفت: آیا در این باره شعری بسرایم؟ و آنگاه قصیده خود با مطلع ذیل را خواند:

و هَلْ لِّلْيَالِ كَنٌّ لِي فَيَكْ مَرَجُعُ  
أَيَا رَبُّعُهُمْ هَلْ فَيَكْ لِي الْيَوْمَ مَرَبُعُ  
(ابن‌عیاش جوهری، بی‌تا، ص ۴۹).

«ای دیار دوستان! آیا امروز درون شما برای من جایی و شب‌های مرا به سوی شما بازگشتی هست؟»

ج. سید حمیری، حدیث استعداد فقر (مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِّلْفَقْرِ جَلْبَابًا) (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۲) را در ابیاتی بیان کرده و فهم خود را از آن به نظم کشیده است:

إِن كُنْتَ مِنْ شِيعَةِ الْهَادِي أَبِي حَسَنِ  
فَأَعِدْ لِرَبِّ الدَّهْرِ تَجَفَافًا  
إِن الْبَلَاءَ مُصِيبٌ كُلَّ شِيعَتِهِ  
فَاصْبِرْ وَلَا تَكْ عِنْدَ الْهَمِّ مَقْصَافًا  
(سید حمیری، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰).

«اگر شیعه واقعی امام هدایتگر، ابوالحسن [علی عَلَيْهِ السَّلَام] هستی، برای سختی روزگار تن‌پوشی فراهم کن که مصیبت به هرکه شیعه اوست، می‌رسد. پس، صبر کن و در هجوم اندوه، شکننده نباش.» این موارد، نمونه‌های فراوان دارد که ارائه آنها مجال و ویژه می‌طلبد.

مبلغانی که از پتانسیل شعر و ادبیات و هنر برای انتقال آموزه‌های دینی بهره می‌گیرند و شرح آیات و روایات را با شعر و نثر در اغراض و گونه‌های مختلف آن گره می‌زنند و از منابع مختلف در این باره بهره‌مند می‌شوند و به فراخور نیاز روز و طبع جوانان، خوراک معنوی را با چاشنی ادب و هنر، به مذاق جامعه خوش می‌نشانند، در جذب مخاطبان و جوانان جهت نشر اندیشه‌های دینی، توفیق بیشتری دارند.

گرچه جذب مخاطب در نگاه اول هدف مبلغ و واعظ و خطیب نیست، ولی آنچه از سیره امامان و پیشوایان به دست می‌آید اهتمام به مخاطبان و تأکید بر مخاطب‌شناسی بوده است، هرچه بیشتر جوانان جذب مساجد و مراکز تبلیغی شوند قطعاً هدف اصلی تبلیغ زودتر و بهتر متحقق خواهد شد.

۱. باتوجه به محتوای مقاله، نتیجه می‌گیریم که امروزه نیز برای تبیین و تبلیغ دین، استفاده از ابزار شعر و هنر، یک ضرورت است و کسانی که به امر تبلیغ دین مشغول‌اند، خوب است که خود را به این سلاح بیاریند.
۲. ادبیات، به عنوان یک ابزار مهم و قوی جهت تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی نزد اهل بیت علیهم‌السلام شمرده می‌شده است و آن بزرگواران به مثابه سلاحی جدی بدان توجه کرده‌اند.
۳. امامان علیهم‌السلام علاوه بر جایگاه ادبی و بلاغی بالا در کلام و تسلط بر ادبیات روز و قدیم، ادیبان و شاعران پاییند به ارزش‌ها و مبلغان را بر به‌کار بستن ادبیات ترغیب می‌نمودند.
۴. ترغیب و تشویق به ادبیات، با تقویت اهل آن صورت می‌گرفت که در حمایت مادی، معنوی و هدایت فکری و جذب نیروهای متخصص جلوه می‌کند.
۵. همچنین، مردم به یادگیری و شنیدن شعر شاعران ترغیب می‌شدند. اهل بیت علیهم‌السلام، هم در عمل و هم در بیان، اصحاب خویش را به این امر ترغیب می‌کردند.
۶. شاعران، علاوه بر استفاده از ابزارهای ادبی و بلاغی در گفتار و گنجاندن محتوای مد نظر دین در کلام و شعر خود، به نقل، شرح و بیان احادیث نیز با زبان ادب همت می‌گماردند.
۷. در مجموع، شعر و ادبیات و به طور کلی، هنر، به فراخور هر دوره می‌تواند از جمله بهترین ابزارها برای تبلیغ و ترویج دین باشد.
۸. آنچه در این نوشتار آمد، نگاهی اجمالی به اصل مهم توجه به هنر و ادبیات با تأکید بر شعر در تبلیغ آموزه‌های دین بود و می‌تواند علاوه بر گسترش و نگاه جزئی‌تر به این مسئله، در جنبه روزآمد کردن این اصل کلی، متناسب با نیاز جامعه امروز و مطالبه جوانان و اقشار مختلف، بومی‌سازی گردد؛ زیرا اصول، همواره ثابت هستند؛ اما روش‌ها، قابلیت تغییر و انعطاف دارند.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. رضی، محمد بن الحسین، ۱۴۰۷ق، نهج البلاغه، تحقیق: د. صبحی الصالح، الطبعة الأولى، قم المقدسة، مؤسسة دار الهجرة.
۳. ابن أبي الحديد المعتزلي، عزالدین أبي حامد عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۲۶ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد أبي الفضل ابراهيم، الطبعة الأولى، بغداد، دار الكتاب العربي.
۴. ابن بابويه، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین وتمام النعمة، تصحيح: علی اکبر غفاری، تهران، چاپ دوم، اسلامیه.
۵. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ق، من لا يحضره الفقيه، تصحيح: علی اکبر غفاری، قم، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۶ش، الأمالي، تهران، چاپ ششم.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، قم، چاپ اول، علامه.
۸. ابن عساکر، ابوالقاسم علي بن الحسن، ۱۳۸۹، تاريخ ابن عساکر، بيروت، مؤسسة المحمودی.
۹. ابن عیاش جوهری، احمد بن عبدالعزيز، بی تا، مقتضب الأثر في النصّ علی الأئمة الاثني عشر، قم، چاپ اول.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶ش، کامل الزیارات، تصحيح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، چاپ اول، دار المرتضوية.
۱۱. ابن معتز، عبدالله بن متوکل، ۱۹۹۸م/۱۴۱۹ق، طبقات شعراء المحدثین، تصحيح: عمر فاروق طباع، بيروت، چاپ اول، دار الأرقم بن أبي الأرقم.
۱۲. أبو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین، ۱۹۹۴م/۱۴۱۵ق، الأغاني، چاپ اول، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. آیینه‌وند، صادق، ۱۳۵۹، ادبیات انقلاب در شیعه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. بغدادی، عبدالقادر بن عمر، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م، خزانه الأدب ولب لباب لسان العرب، تصحيح: عبدالنبیل طریفی، بيروت، چاپ اول، دار الکتب العلمیة.



۱۵. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۷۹، ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، چاپ یازدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان الحکمة، قم، چاپ اول، مؤسسه دار الحدیث.
۱۷. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، ۱۹۹۹م/۱۴۱۲ق، ربیع الأبرار ونصوص الأخیار، تصحیح: عبدالأمیر مهنا، بیروت، چاپ اول، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. سید حمیری، اسماعیل بن محمد، ۱۳۸۹ش، دیوان السید الحمیری، تصحیح: شاکر هادی شکر، قم، مکتبه منشورات الحیدریة.
۱۹. شریف مرتضی علم الهدی، علی ابن الحسین، ۱۹۹۸م، آمالی، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، چاپ اول، دار الفکر.
۲۰. صدر، حسن، ۱۹۵۱م، تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام، عراق، دار الکتب العراقیة.
۲۱. فراتی، علی اکبر، ۱۳۸۷، «جلوه‌هایی از آیین سخنوری در دستور سخن نهج البلاغه بر پایه شرح ابن ابی الحدید»، مجله علوم حدیث، پاییز و زمستان، ش ۴۹ و ۵۰.
۲۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، «بررسی محتوایی حدیث «من أحبنا أهل البيت فليستعد للفقير جلبابا أو تجفafa» و نقد آرای پیرامون آن»، علوم حدیث، پاییز، ش ۶۹.
۲۳. کراجکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، کنز الفوائد، تصحیح: عبدالله نعمة، قم، چاپ اول، دار الذخائر.
۲۴. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، رجال الکشی؛ اختیار معرفة الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، چاپ اول، انتشارات دانشگاه مشهد.

## تحلیل و بررسی ظرفیت انتظار در منابع روایی اهل سنت

حسین الهی نژاد\*

### چکیده

انتظار، از جمله آموزه‌های مهم مهدویت و مورد قبول همه گروه‌های اسلامی - شیعه و اهل سنت - می‌باشد. در میان اهل سنت، باور به انتظار، با دورویکرد «حدیث‌محور» و «باورمحور» مطرح است. حدیث‌محور، با دو نگرش «مفهومی» و «منطوقی» یا به عبارت دیگر، به صورت «تلویحی» و «تصریحی» بازشناسی می‌شود. انتظار، با رویکرد حدیث‌محور که متکی به روایات انتظار بوده، به دو قسم «تصریحی» که به صراحت واژه «انتظار» در روایت ذکر شده و به صورت «تلویحی» که به صورت مفهومی انتظار از روایات برداشت شده، تقسیم می‌شود؛ اما انتظار با رویکرد باورمحور، متکی به اقوال علما و حاصل اعتقادات مردم اهل سنت است. در نگرش حدیث‌محور به صورت تصریحی، روایات محدودی در منابع اهل سنت نقل شده است؛ ولی نگرش حدیث‌محور به صورت تلویحی، در منابع حدیثی اهل سنت احادیث فراوانی در خصوص انتظار نقل شده است. با نگرش باورمحور، مقوله انتظار در میان اهل سنت یک مقوله فراگیر بوده و مورد قبول همه باورمندان ایشان می‌باشد. در این تحقیق، با روش توصیفی و تحلیلی، به مقوله انتظار از منظر اهل سنت پرداخته شده و با روش کتابخانه‌ای و اسنادی، به جمع‌آوری داده‌ها مبادرت می‌شود. دستاورد علمی این پژوهش، اثبات و توجیه مقبولیت انتظار به عنوان یک باور فراگیر، ضروری، اعتقادی و متواتر در میان اهل سنت است.

### کلیدواژه‌گان

انتظار، اهل سنت، مهدویت، ظهور.



منابع حدیثی اهل سنت، دارای روایات مختلفی از پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه است. در این روایات که تعدادشان قابل توجه است، موضوعات متنوعی به بحث گذاشته شده که از جمله آنها، می‌توان به بحث مهدویت و انتظار اشاره کرد. روایات مهدویت، از نظر عدد و سند، به حدی است که عده‌ای از اندیشمندان و علمای اهل سنت پیرامون آن ادعای تواتر نموده‌اند (ابن قیم جوزی، ۱۳۹۰ق، ص ۱۴۲)؛ اما در مورد روایات انتظار، این کثرت و فراوانی را نداریم و تعداد آنها، بسیار محدود می‌باشد؛ ولی به جهت اینکه در قالب کتاب‌های حدیثی اهل سنت بدان پرداخته‌اند، دارای کثرت نقل می‌باشد.

بی‌تردید، روایات انتظار در منابع حدیثی اهل سنت، با دو رویکرد «منطوقی» و «مفهومی» قابل پیگیری است. رویکرد منطوقی، مقصود کاربست واژه «انتظار» به صورت صریح در روایات است؛ به تعبیر دیگر، در این رویکرد به روایاتی پرداخته می‌شود که در آن، واژه «انتظار» و واژگان همسو، منطوقاً در ظاهر روایات به کار رفته باشد. در رویکرد مفهومی، به محتوا و مضمون روایات توجه می‌شود؛ یعنی به روایاتی پرداخته می‌شود که به ظاهر و به دلالت منطوقی، هیچ اشاره‌ای به انتظار ندارد؛ ولی از نظر مفهوم، دلالت بر انتظار داشته و جزء روایات انتظار محسوب می‌شود. از این رو، تحقیق پیش رو با دو رویکرد تصریح انتظار و تلویح انتظار در منابع حدیثی اهل سنت پی گرفته می‌شود.

### تصریح انتظار در روایات انتظار

در منابع حدیثی اهل سنت، اعم از صحیحین، مسانید، جوامع و اطراف، روایاتی که پیرامون انتظار با واژه «انتظار» نقل شده، بسیار محدود بوده و به چهار روایت و در یک نگاه دقیق‌تر، به دو روایت می‌رسد. البته این دو روایت نیز دلالت بر انتظار خاص (انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام) ندارند؛ بلکه به معنای انتظار عام می‌باشند؛ یعنی امیدوار بودن برای رفع مشکلات و سختی‌های دنیا و صبر در برابر آن.

روایت اول: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سلوا الله من فضله فان الله يحب أن يسأل و افضل العبادۃ انتظار الفرج (الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۶۶)؛ فضل خداوند را طلب کنید که خدا دوست دارد که از او بخواهند و بهترین عبادت‌ها، انتظار گشایش است.» این روایت را محدثان

فراوانی از اهل سنت در کتاب‌های خویش آورده‌اند. البته در منابع حدیثی شیعه (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۸۷) نیز به صورت تقطیع (أفضل العبادة إنتظار الفرج) نقل شده است. در منابع اهل سنت، اولین کتابی که به این روایت پرداخته، سنن ترمذی می‌باشد و بعد از آن، در کتاب مسند الشهاب قضاعی (ج ۲، ص ۲۴۵)، الدعاء طبرانی (ص ۲۹)، مجمع الزوائد هيثمی (ج ۱، ص ۱۴۷)، جامع الصغير جلال الدين سيوطي (ج ۳، ص ۲۷۵) و... نیز آمده است.

**روایت دوم:** رسول گرامی اسلام ﷺ در باره انتظار و رابطه آن با صبر می‌فرماید: «إِنْتَظِرُوا الْفَرْجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةَ» (القضاعی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۲). در واقع، نقل این روایت در منابع اهل سنت، برای نخستین بار از کتاب مسند الشهاب قضاعی می‌باشد و نیز در کتاب‌های دیگر حدیثی، نظیر: شعب الایمان بیهقی (ج ۷، ص ۲۹۴)، جامع الصغير جلال الدين سيوطي (ج ۱، ص ۴۱۷)، میزان الاعتدال ذهبی (ج ۳، ص ۲۵۶)، کنز العمال متقی (ج ۳، ص ۲۷۲) و... نیز نقل شده است.

**روایت سوم و چهارم:** پیامبر گرامی اسلام ﷺ در دو روایت دیگر می‌فرماید: «إِنْتَظِرُوا الْفَرْجَ مِنْ اللَّهِ عِبَادَةَ» (البیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۲۰۵) و «إِنْتَظِرُوا الْفَرْجَ عِبَادَةَ» (الجرجانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۶).

به نظر می‌آید، سه روایت اخیر که با تفاوت‌های اندکی از رسول گرامی اسلام ﷺ در منابع مختلف اهل سنت نقل شده، همگی از نظر سبک و سیاق، به یک روایت بازگردند. بر این اساس، می‌توان گفت که روایات موجود پیرامون انتظار در منابع حدیثی اهل سنت، بسیار محدود بوده و از عدد دو تجاوز نمی‌کند. البته در کتاب الفرج بعد الشدة تألیف التنوخی که به احتمال زیاد از نویسندگان اهل سنت در قرن چهارم قمری است، روایت مرفوعی در این خصوص از امیر مؤمنان، علی عليه السلام نقل شده که حضرت می‌فرماید: «أفضل ما يعمله الممتحن إنتظار الفرج» (التنوخی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶). البته این روایات، تنها از یک منبع به نام کتاب الفرج بعد الشدة نقل شده و در هیچ منبع دیگری - شیعه و اهل سنت - نیامده است و هیچ‌گونه توجهی از ناحیه علما و مؤلفان شیعه و اهل سنت به آن نشده است. بنابراین، نمی‌توان این روایت را جزء خانواده روایات انتظار به حساب آورد و به عنوان یکی از روایات انتظار در دایره روایات چهارگانه انتظار قرار داد.



## تلویح انتظار در روایات انتظار

در منابع حدیثی اهل سنت، روایات انتظار با ذکر واژه «انتظار» که دلالت بر انتظار خاص (انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام) نماید، نقل نشده است؛ ولی روایات دیگری را می‌توان در این راستا نشانه‌گذاری کرد که به نوعی همسو با روایات انتظار بوده و به نحوی تداعی‌گر انتظار خاص، یعنی انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام می‌باشند. در واقع، از این کار، دو نتیجه می‌توان گرفت: اولاً، با نگرش توصیفی می‌توان روایات انتظار (با رویکرد تلویحی) را در منابع اهل سنت رصد و مقوله‌بندی کرد. ثانیاً، با طرح این نوع روایات و با تبیین، تحلیل و برجسته‌سازی آنها، می‌توان به وجود قابلیت‌های انتظار و ظرفیت عظیم آن در جامعه اهل سنت پی برد.

در راستای تبیین ظرفیت‌سازی انتظار در میان اهل سنت با استناد به روایات، ابتدا لازم است خود واژه «انتظار» از حیث مراتب و ابعاد مورد بازشناسی قرار گیرد تا نظریه وجود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های روایات انتظار با رویکرد تلویحی در میان اهل سنت به اثبات برسد. مقوله انتظار از نظر ابعاد و مراتب، به انواعی نظیر انتظار: روحی، قلبی، قولی و عملی تقسیم می‌شود. پس، مقوله انتظار از نظر رتبه، به درجات مختلفی تقسیم می‌شود که باید دید روایات انتظار با کدام‌یک از این درجات و مراتب، بیشتر هماهنگ است.

همچنین، در تحلیل کارکردی مفهوم انتظار گفته می‌شود که مقوله انتظار، دارای دو کارکرد سلبی و ایجابی است. کارکرد سلبی که به معنای عدم رضایت از وضعیت موجود می‌باشد، در واقع، توجیه‌گر مبارزه با ظلمی است که توسط ستمگران بر مردم روا داشته می‌شود. کارکرد ایجابی، رویکرد پیش‌برنده و حرکت‌دهنده و نگرش مثبت به آینده همراه با رخداد ظهور و تأسیس جامعه ایده‌آل منجی می‌باشد که در واقع، توجیه‌کننده عزم و حرکت مردم برای رسیدن به جامعه مطلوب مهدوی است. پس، در کارکرد ایجابی، همراهی مردم با خوبان، نظیر: پیروی با صاحبان رایات‌السدود، حرکت‌های مجددین، قیام سید خراسانی، ظهور مجددین و... برای رسیدن به ظهور و جامعه ایدآل مهدوی، توجیه می‌شود و کارکرد سلبی، مبارزه مردم با ستمگران، نظیر مبارزه با دجال و مقابله با سفیانی جهت رفع موانع ظهور، توجیه می‌شود که در ذیل به گزارش و تحلیل تفصیلی خواهیم پرداخت.

### تحلیل روایات «الممهدون للمهدی» و آمادگی اهل سنت

از جمله شاخصه‌های مهمی که نشان از وجود انتظار عالی و عملی در میان اهل سنت است،

آمادگی و آماده‌سازی اهل سنت برای ظهور امام مهدی عجل الله فرجه می‌باشد. شاهد و سند این مطلب، روایاتی است که در این خصوص در منابع حدیثی اهل سنت نقل شده است.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد آمادگی مسلمانان برای ظهور می‌فرماید: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِّنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَغْنِي سُلْطَانَهُ؛ مردمی از جانب مشرق قیام می‌نمایند و سلطنت را برای مهدی آماده می‌سازند.»

روایت بالا برای اولین بار از منابع حدیثی اهل سنت، یعنی سنن ابن ماجه نقل شده است (ج ۲، ص ۱۳۶۸) و دیگر منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، از آن نقل می‌کنند. شافعی در کتاب البیان این روایت را از سنن ابن ماجه نقل کرده و بعد از توثیق راویان، روایت را صحیح تلقی کرده است. المقدسی در کتاب عقد الدرر از سنن ابن ماجه (ص ۱۲۵)، الطبرانی در المعجم الاوسط (ج ۱، ص ۹۴)، هیشمی در الصواعق المحرقة (ص ۱۶۸)، متقی در کنز العمال (ج ۱۴، ص ۲۶۳) و...، همگی از سنن ابن ماجه این روایت را نقل می‌کنند؛ اما در منابع حدیثی شیعه، چند منبع به نقل این روایت از سنن ابن ماجه پرداخته‌اند؛ نظیر: قاضی نعمان در شرح الاخبار (ج ۳، ص ۵۶۳)، مجلسی در بحار الأنوار (ج ۵۱، ص ۷۸) و اربلی در کشف الغمّة (ج ۲، ص ۴۷۷).

سیوطی در باره واژه «یوطنون» می‌نویسد: «یمهدون المهدی خِلاَفَتَهُ وَيُؤَيِّدُونَهُ وَيَنْصُرُونَهُ» (شرح سنن ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۰)؛ یعنی آماده کردن زمینه برای دولت مهدی عجل الله فرجه و همراهی و یاری کردن آن حضرت. قسمت اول که «یمهدون» باشد، یعنی زمینه‌سازی ظهور که این کار در واقع، بر عهده منتظران است و قسمت دوم که «یؤیدونه و ينصرونه» باشد، به معنای یاری و همراهی بوده که این کار در واقع، بر عهده یاران و اصحاب امام مهدی عجل الله فرجه است. در کتاب اشراف الساعة از قول ابن کثیر نیز همین مطلب نقل شده که مردمان مشرق زمین در راستای زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عجل الله فرجه و تأیید و نصرت او قیام کرده، پایه‌های نهضت و حکومت حضرت را مستحکم می‌کنند؛ «ويؤيدونه بناس من أهل المشرق ينصرونه ويقيمون سلطانه ويشدون أركانها» (المقدم، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۷۷).

همچنین، پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این مورد می‌فرماید:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ وَرَاءِ النَّهْرِ يُقَالُ لَهُ الْخَارِثُ بِنُ حَرَاثٍ عَلَى مُقَدَّمَتِهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ يُّوْطِي أَوْ يُمَكِّنُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَكَنَتْ قُرَيْشٌ لِرَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَجَبَ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ نَصْرُهُ أَوْ قَالَ إِجَابَتُهُ (ابن ماجه، بی تا، ص ۳۵۹)؛ مردی از منطقه ماوراءالنهر به اسم حارث قیام



می‌کند که فرمانده لشکر او، فردی است به نام «منصور»؛ چنان‌که قریش زمینه آمدن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را مهیا کرد، آنها نیز زمینه‌ساز ظهور امام مهدی علیه السلام هستند. بر هر فرد مؤمنی واجب است که به نصرت یا اجابت او بشتابد.»

در عون المعبود ذیل روایت فوق، در بیان واژه «توطی» چنین آمده است: «يُوطَى أَوْ يُمَكَّن. شَكَ مِنَ الرَّأْوِي، الْأَوَّلُ مِنَ التَّوْطِيَةِ، وَالثَّانِي مِنَ التَّمَكِينِ. قَالَ الْقَارِي: أَوْ هِيَ بِمَعْنَى الْوَاوِ؛ أَيُّ يُهَيِّئُ الْأَسْبَابَ بِأَقْوَالِهِ وَخَزَائِنِهِ وَسِلَاحِهِ وَيَمَكِّنُ أَمْرَ الْخِلَافَةِ وَيَقْوِيهَا وَيُسَاعِدُهُ بِعَسْكَرِهِ (العظيم آبادی، ۱۳۸۹ق، ج ۹، ص ۳۲۴)؛ مقصود از آمادگی در اینجا، آمادگی کامل است؛ یعنی آمادگی با اموال، آمادگی با سلاح، آمادگی با نیروهای انسانی و آمادگی با همه دارایی‌ها که در واقع، زمینه‌ساز تحقق خلافت امام زمان علیه السلام و سبب تقویت و تحکیم پایه‌های حکومت حضرت می‌شود.»

به‌طورکلی، روایات فوق و دیدگاه‌هایی که اندیشمندان اهل سنت ذیل آنها ارائه داده‌اند، همگی بر این نکته دلالت دارند که علاوه بر آمادگی اهل سنت برای ظهور امام مهدی علیه السلام که از جمله ضرورت‌های اعتقادی اهل سنت می‌باشد، آماده‌سازی منابع انسانی نیز از ضرورت‌ها و الزامات دیگری است که برای تحقق آن باید از همه ابزارهای موجود استفاده نمود. بی‌تردید، این تعاریف و الزامات و پایبندی اهل سنت به آنها، همه نشانگر این واقعیت است که در میان اهل سنت، مقوله انتظار، مقوله مهم و خطیری بوده و دارای جایگاه و نقش تأثیرگذاری می‌باشد که در صورت تبیین صحیح و به‌کارگیری درست آن، ظرفیت عظیمی از ناحیه باورداشت انتظار در میان اهل سنت ایجاد می‌شود.

### تحلیل روایات «انقلابیون مشرق» و الزام همراهی اهل سنت با آنان

یکی از حوادث و رخداد‌های مهم قبل از ظهور، انقلاب و حرکتی است که از ناحیه مردمان مشرق‌زمین در قالب «رایات السود» رقم می‌خورد. در خصوص قیام «رایات السود» روایات بسیاری با واژگان مختلفی در منابع اهل سنت آمده است؛ نظیر: قیام اهل خراسان (المتقی الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۵۸۸)، قیام اهل طالقان (ابن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۲۷۷) و قیام اهل الفرس (المتقی الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۹۰). بر اساس داده‌های این روایات، هدف و نگاه این حرکت و انقلاب که به «رایات السود» شهره است، رسیدن به انقلاب جهانی مهدی علیه السلام و زمینه‌سازی برای رخداد ظهور آن حضرت است. روایات «رایات السود» علاوه بر اینکه در منابع حدیثی دست اول



اهل سنت آمده، در کتاب‌های مختلفی که بعداً در میان اهل سنت به رشته تحریر در آمده نیز بارها تکرار شده است.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این زمینه می‌فرماید:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بِلَاءً وَ تَشْرِيداً وَ تَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِي قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ فَيَقَاتِلُونَ وَ يُنْصَرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَّوْهَا جُوراً فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَ لَوْ حَبِوْا عَلَى الثَّلْجِ؛ ما اهل بيتي هستيم كه خداوند آخرت را برای ما بر دنیا ترجیح داده. بعد از این، اهل بیت مصیبت‌ها می‌بینند و از وطن آواره می‌گردند؛ تا آنگاه که مردمی که از جانب مشرق با پرچم‌های سیاه به طلب حق قیام کنند. این حق را به آنها نمی‌دهند تا جنگ کنند و پیروزی یابند و حق را بگیرند و آن را به مردی از اهل بیت من بپارند که دنیا را پُر از عدل کند؛ چونان که از ظلم پُر باشد. هرکس آن زمان را درک کند، به آنها بپیوندد؛ اگرچه به رفتن از روی برف باشد.»

سنن ابن ماجه، اولین منبعی است که به این روایت پرداخته است (ج ۲، ص ۱۳۶۶). بعد از آن، در کتاب‌هایی نظیر مسند ابن ابی شیبیه (ج ۸، ص ۶۹۷) و معجم الأوسط طبرانی (ج ۶، ص ۲۹) نقل شده است.

روایت فوق با اندکی تفاوت، در منابع مختلف حدیثی اهل سنت بارها نقل شده است. این روایت و امثال آن، دارای نکات مهمی هستند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. رخداد انقلاب از ناحیه مردمان مشرق‌زمین بوده و خاستگاه انقلاب نیز از آنجاست؛
۲. این انقلاب، با شاخصه‌هایی نظیر پرچم‌های سیاه همراهی می‌شود؛
۳. صاحبان این انقلاب، به دنبال حق و حقیقت هستند؛
۴. صاحبان این انقلاب، مبارز و مجاهد هستند؛
۵. صاحبان این انقلاب، شجاع و مقاوم هستند؛
۶. صاحبان این انقلاب، به هدف خود ایمان دارند؛
۷. هدف این نهضت و انقلاب، رسیدن به ظهور و دولت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است؛
۸. وظیفه مردم، همراهی با این انقلاب، حتی در شرایط سخت است.

## تحلیل روایات «دجال» و الزام مبارزه اهل سنت با آن

چنان‌که بیان شد، انتظار با رویکرد سلبی، یعنی مقابله با ظلم، و مبارزه با ستمگران؛ همان‌ها که برای رخداد ظهور مانعیت ایجاد می‌کنند. در این میان، «دجال» به عنوان سرآمد ستمگران، در گمراهی و انحراف مردم نقش اساسی دارد. به همین جهت است که در طول تاریخ، انبیای الهی پیروان و باورمندان خویش را به شرارت و فتنه‌گری او هشدار داده، خواستار آمادگی و هوشیاری مردم در برابر اغواگری او شده‌اند. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این مورد می‌فرماید:

«بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيُؤْمِسِي كَافِرًا وَيُؤْمِسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا يَبِيعُ أَحَدُهُمْ دِينَهُ بَعْرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا (ابن ماجه، بی تا، ج ۸، ص ۳۸۸)؛ به کارهای نیک، پیش از آنکه فتنه‌هایی چون پاره‌های شب تاریک ظاهر شوند، پیشی بگیرید؛ زمانی که برخی مردم به هنگام صبح، باایمان و در وقت شب، کافر و یا در شب، باایمان و در صبح، کافر می‌گردند. دیشان را در برابر کالای ناچیزی از دنیا می‌فروشد.»

برخی بر این نظرند که این واقعه و فتنه، در زمان خروج دجال رخ خواهد داد (محمد المناوی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۹۳).

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در وصف حال دجال و فراگیری و شدت فتنه او می‌فرماید:

«مَا كَانَتْ فِتْنَةٌ وَلَا تَكُونُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَكْبَرَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ (ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۲۹۲)؛ هیچ فتنه‌ای به بزرگی فتنه دجال تا روز قیامت نخواهد آمد.»

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره بعد از نماز، از شرّ دجال به خدا پناه می‌برد و به اصحاب خویش نیز این استعاذه را تعلیم می‌داد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَخْيَا وَالْمَمَاتِ (النسائی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۲۵۷)؛ ابن خزیمه، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۵۷)؛ خداوند! من از عذاب قبر و از عذاب جهنم و از فتنه مسیح دجال و از فتنه زندگی و مرگ، به تو پناه می‌برم.»

## تداوم مبارزات حق طلبانه اهل سنت برای زمینه‌سازی ظهور

در منابع حدیثی اهل سنت، اعم از: صحاح، سنن، مسانید، جوامع و اطراف، روایاتی با عنوان «لا تزال طائفة من أمتي» نقل شده است که علاوه بر کثرت در نقل، دارای کثرت در منابع نیز می‌باشد. در ذیل این عنوان، روایات گوناگونی با عبارت‌های مختلفی نقل شده که همه آنها با

محتوای واحد، به یک پیام اشاره دارند؛ یعنی از نظر محتوا، همگی دلالت دارند بر مبارزه دایمی گروهی از مسلمانان با ستمگران، و مقاومت و پیروزی‌شان در این مصاف و رسیدن آنها به ظهور امام زمان علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام. در واقع، از محتوا و منطوق این نوع روایات، پیام واحدی به نام انتظار خاص، یعنی «انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام» برداشت می‌شود؛ چنان‌که جابر بن عبدالله می‌گوید:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَيُنزَلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ تَعَالَى صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ أَلَا إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةً لِلَّهِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ (صحيح مسلم، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷)؛ شنیدم پیغمبر می‌فرمود: پیوسته جماعتی از امت من تا روز رستاخیز برای اجرای حق جنگ کنند و پیروزی یابند. پس، عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید. امیر آن جماعت می‌گوید: بیا تا با تو نماز بگذاریم. عیسی خواهد گفت: شما خود برخی بر بعضی دیگر امیر هستید و این، لطف خدا در حق این امت است.»

همچنین، رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این مورد می‌فرماید:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَأَهُمْ حَتَّى يُقَاتِلَ آخِرَهُمُ الْمَسِيحَ الدَّجَالِ (سنن ابی داوود، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۳)؛ پیوسته از امت من برای اجرای حق با دشمنان جنگیده و پیروز می‌شوند؛ حتی با آخرینشان که دجال باشد.»

از روایات فوق، مطالب و پیام‌های مختلفی می‌توان برداشت نمود؛ ولی دو مطلب دارای اهمیت و برجستگی خاصی است که نیاز به بیان دارد؛ یکی، هدف‌مندی و غایت‌مداری این نهضت است که همانا رسیدن به ظهور و نهضت بزرگ امام مهدی علیه السلام است و دیگری، استمرار مبارزه مسلمانان است و این مبارزه، تا آمدن دجال و رودرو شدن با آن، تداوم دارد.

از روایات فوق که در منابع مهم حدیثی اهل سنت آمده، نکات ذیل را می‌توان برداشت نمود:

۱. اهل سنت اعتقاد به مبارزه پیوسته با ستمگران و ظالمان داشته و این امر، تا آمدن دو ابرمرد آسمانی به نام «امام مهدی» و «حضرت عیسی» تداوم دارد. این مبارزه مستمر، پیروزی مستمر را نیز به همراه دارد. البته شاید در مواردی، غالبیت با دشمنان باشد؛ ولی این موضوع، تداوم ندارد («وهذه الأحاديث وأحاديث المهدي تدل على أن الحق مستمر لا ينقطع؛ لكنه في بعض الأزمان يكون لأهله الغلبة ويحصل له الانتشار كما في زمن رسول الله - صلى الله عليه وسلم وخلفائه الراشدين - وكما في زمن المهدي وعيسى بن مريم») (العباد، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۵۸).

۲. از پیوستگی مبارزه و قیام منتظران، پیوستگی و تداوم انتظار عملی برداشت می‌شود.  
 ۳. مبارزه و مقابله دایمی با دشمنان اسلام، از جمله دجال، به عنوان آخرین و اصلی‌ترین دشمن، نشان از آمادگی کامل و همیشگی اهل سنت برای ظهور است.

۴. مقاتله و مبارزه منتظران در عصر انتظار برای رسیدن به ظهور امام مهدی علیه السلام، عالی‌ترین نوع انتظار است.

۵. همان‌طور که ظهور امام مهدی علیه السلام و نزول حضرت عیسی علیه السلام غایت و هدف تلقی می‌شود، پس، همه این تلاش‌ها و مبارزات، به نوعی زمینه‌ساز ظهور و نزول ایشان به شمار می‌رود.

۶. از منطوق و مفهوم روایات فوق، برداشت می‌شود که هیچ‌وقت زمین از انسان‌های صالح و مؤمن مبارز خالی نخواهد بود؛ چنان‌که الهروی در کتاب مرقاة المفاتیح در ذیل روایات مورد نظر به این نکته اشاره دارد:

«روی زمین خالی از انسان‌های صالح نمی‌شود؛ انسان‌هایی که نسبت به اوامر الهی ثابت‌قدم‌اند و نسبت به نواهی الهی اجتناب‌گرند و نسبت به امور شرعی محافظ هستند؛ وَ فِيهِ إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّ وَجْهَ الْأَرْضِ لَا يَخْلُو مِنَ الصَّالِحَاءِ الثَّابِتِينَ عَلَى أَوْامِرِ اللَّهِ الْمُتَّبَاعِينَ عَنْ نَوَاهِيهِ حَافِظِينَ لِأُمُورِ الشَّرِيعَةِ» (الهروی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۴۰۴۷).

بی‌تردید وقتی انتظار عملی به عنوان عالی‌ترین و با فضیلت‌ترین نوع انتظار مورد بازشناسی مفهومی و مصداقی قرار گیرد، به‌وضوح مؤلفه‌های فوق در آن دیده شده و این موارد، جزء شاخصه‌های مهم آن تلقی می‌شود و به همین منظور، وقتی اهل سنت به بیان روایات مورد نظر که به نحوی بیانگر انتظار عملی و مؤلفه‌های مهم آن است، می‌پردازند و آنها را در منابع مختلف حدیثی به صورت فراگیر و همه‌جانبه نقل می‌نمایند، این طور می‌توان نتیجه گرفت که اهل سنت در انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام به سر برده و به انتظار عملی و شاخصه‌های آن نیز پایبند می‌باشند.

در آخر با ارائه مطلبی از کتاب موسوعة الخطب والدروس تألیف علی بن نایف الشعود، بحث را به پایان می‌بریم. «بی‌تردید، مردان مبارزی که در این مسیر گام برمی‌دارند و زمینه‌ساز نصرت دین و آمدن امام مهدی علیه السلام هستند، مورد تأیید الهی بوده و تلاش مخالفان و دشمنان هیچ تأثیری در آنها نداشته و اینها دائماً پیروز هستند و این پیروزی، تا قیامت ادامه دارد و کسانی که به این موضوع شک دارند و به وعده خدا و رسول او یقین ندارند، به جهت تعلقات مادی و ظواهر

دنیایی است که مبتلا به ضعف ایمان و عقیده شده‌اند. به‌راستی، بعد از این همه بشارت‌ها که در روایات بی‌شماری آمده، آیا باز جای این است که مسلمانان به آینده خود و دینشان مأیوس بوده و در برابر کفار و اعوانشان، مرعوب و ذلیل شوند؟» (الشحود، ۱۴۲۸ق، ص ۴).

### همراهی اهل سنت با «مجددین» برای زمینه‌سازی ظهور

در منابع حدیثی اهل سنت، روایات مختلفی از پیامبر ﷺ در خصوص ظهور «مجددین» نقل شده است که به اذعان حدیث‌شناسان و علمای اهل سنت، همه آنها از نظر سند و منابع، صحیح و قابل اعتماد می‌باشند؛ چنان‌که آن حضرت ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةٍ سَنَةٍ مَنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا (ابی داوود، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۸)؛ خدا برای این امت، در هر صد سال، کسی را به‌عنوان مجدد برمی‌انگیزاند تا دین اسلام را احیا نماید.»

این روایت، ابتدا در کتاب سنن ابی داوود و بعد در کتاب‌های: معرفة السنن بیهقی (ج ۱، ص ۱۲۱)، معجم الاوسط طبرانی (ج ۶، ص ۳۲۴) و جمع الجوامع جلال‌الدین سیوطی (ج ۱، ص ۸۸۳۴) نقل شده است.

عالمان ذیل، روایت فوق را از نظر رجالی قابل وثوق و از نظر سندی صحیح می‌دانند:

- جلال‌الدین سیوطی («قال السيوطي: اتفق الحفاظ على صحته منهم الحاكم في المستدرک والبيهقي في المدخل، ونص الحافظ ابن حجر على صحته» (ر.ک: الصیعدی، ۲۰۰۶م، ص ۸)).  
- ناصرالدین الألبانی («قال الألباني: حديث صحيح، والسند صحيح، رجاله ثقات رجال مسلم» (الألبانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۴۸)).

بی‌تردید، با وجود این نوع روایات که به نحوی نویدگر ظهور مجددین در هر قرن است. پس، دیگر یأس و ناامیدی معنا ندارد و نباید مسلمانان احساس ضعف و سستی کرده، از دشمنان و مخالفان خویش اضطراب و ترس داشته باشند (مجله البحوث الاسلامیة، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۹۰).

### نتیجه

روایات انتظار در منابع اهل سنت، با دو رویکرد مطابقی و التزامی قابل توجیه هستند. رویکرد مطابقی که با تیتیر «تصريح انتظار در روایات انتظار» عنوان شده، بیشتر به روایات و احادیثی می‌پردازد که حاوی واژه ماده «انتظار» به صورت صریح می‌باشد. نتیجه‌ای که از این رویکرد در



این تحقیق گرفته می‌شود، اولاً، در منابع اهل سنت مجموع روایات انتظار با واژه «انتظار» در نگاه اول به تعداد چهار حدیث، و در نگاه دوم و دقیق‌تر به تعداد دو حدیث تقلیل پیدا می‌کند. ثانیاً، همین روایات انتظار که تعداد آنها محدود بوده و از عدد دو تجاوز نمی‌کند، با رویکرد انتظار عام توجیه می‌شوند. پس، در منابع حدیثی اهل سنت پیرامون انتظار خاص (به صورت تصریحی)، هیچ روایتی نقل نشده است؛ اما رویکرد التزامی که با تیتراژ «تلویح انتظار در روایات انتظار» عنوان شده است، می‌توان انتظار خاص (ظهور امام مهدی علیه السلام)، آن هم انتظار خاص عملی - که انتظار عالی است - را در قالب روایاتی نظیر: رایات السود، ممهدون للمهدی، اشراط الساعة، همراهی با مجددون، مبارزه با دجال و... برداشت نمود.

## منابع

١. ابن أبي شيبة، بي تا، مسند ابن أبي شيبة، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
٢. ابن حنبل، احمد، بي تا، مسند حنبل، بيروت، دار صادر.
٣. ابن خزيمة، محمد، ١٣٩٠ق، صحيح ابن خزيمة، بيروت، المكتب الاسلامي.
٤. ابن قيم الجوزي، محمد، ١٣٩٠ق، المنار المنيف، حلب، مكتب المطبوعات الاسلامية.
٥. ابن ماجه، بي تا، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمدفؤاد عبدالباقي، بيروت، دار الفكر.
٦. ابي داوود، بي تا، سنن ابي داوود، بيروت، دار الكتاب العربي.
٧. اربلي، علي، ١٣٨١ق، كشف الغمة، تبريز، بني هاشمي.
٨. الباني، ناصرالدين، ١٤٣١ق، موسوعة العلامة الألباني، صنعاء، مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث والترجمة.
٩. \_\_\_\_\_، ١٤١٥ق، سلسلة احاديث الصحيحة، الرياض، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع.
١٠. البخاري، محمد، بي تا، صحيح البخاري، مصر، وزارة الأوقاف المصرية.
١١. البيهقي، احمد، ١٤١٠ق، شعب الايمان، تحقيق: محمد السعيد بن بسيوني، بيروت، دار الكتب العلمية.
١٢. الترمذي، ١٤٠٣ق، سنن الترمذي، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت، چاپ دوم، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
١٣. الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، بي تا، مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، موقع الجامعة على الإنترنت.
١٤. الجرجاني، عبدالله بن عدى، ١٤٠٩ق، الكامل، تحقيق: حيدر مختار غزاوي، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
١٥. الذهبي، بي تا، ميزان الاعتدال، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.
١٦. زيدان، عبدالكريم، ١٣٩٥ق، الدعوة، بغداد.
١٧. السيوطي، جلال الدين، بي تا، الدر المنثور، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.
١٨. \_\_\_\_\_، بي تا، مصباح الزجاجة على سنن ابن ماجه، بي جا، قديمي كتب خانه - كراتشي.
١٩. \_\_\_\_\_، ١٤٠١ق، جامع الصغير، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.



٢٠. الشهود، على بن نايف، ١٤٢٨ق، موسوعة فقه الابتلاء، بي جا، به نقل از:  
www.alminbar.net
٢١. \_\_\_\_\_، بي تا، موسوعة البحوث والمقالات العلمية، بي جا.
٢٢. شمس الحق العظيم آبادي، محمد، ١٣٨٩ق، عون المعبود؛ شرح سنن أبي داود، المدينة المنورة، الطبعة الثانية، المكتبة السلفية.
٢٣. شيخ صدوق، ١٣٩٥ق، كمال الدين وتمام النعمة، تهران، اسلاميه.
٢٤. الصيعدى، عبدالمتعال، ٢٠٠٦م، المجددون في الاسلام، قاهره، مكتبة الآداب للطباعة والنشر والتوزيع.
٢٥. الطبراني، سليمان، ١٤١٥ق، معجم الأوسط، قاهره، دار الحرمين.
٢٦. \_\_\_\_\_، ١٤١٣ق، الدعاء، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٧. العباد، عبدالمحسن، ١٣٨٨ق، «عقيدة أهل السنة والأثر في المهدي المنتظر»، مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، المدينة المنورة.
٢٨. الفوزان، صالح، ١٤٢٠ق، الإرشاد إلى صحيح الاعتقاد والرد على أهل الشرك والإلحاد، الطبعة الرابعة، دار ابن الجوزي.
٢٩. القاضى التنوخى، ١٤١٠ق، الفرج بعد الشدة، بيروت، مؤسسة النعمان.
٣٠. القضاعى، محمد بن سلامة، بي تا، دستور معالم الحكم، قم، مكتبة المفيد.
٣١. \_\_\_\_\_، ١٤٠٥ق، مسند الشهاب، تحقيق: حمدى عبدالمجيد، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٣٢. المتقى الهندي، ١٤٠٩ق، كنز العمال، بيروت، مؤسسة الرسالة.
٣٣. المحمود، عبدالرحمن بن صالح، بي تا، تيسير لمعة الاعتقاد، رياض.
٣٤. المقدسى، يوسف بن يحيى، ١٣٩١ق، عقد الدرر، قاهره، مكتبة عالم الفكر.
٣٥. المقدم، محمد، ١٤٢٩ق، فقه أشراف الساعة، بي جا، الطبعة السادسة، الدار العالمية للنشر والتوزيع.
٣٦. المغربي، ١٤١٦ق، شرح الاخبار، تحقيق: السيد محمد الحسينى الجلالى، قم، جامعه مدرسين.
٣٧. المناوى القاهرى، زين الدين محمد، ١٤١٥ق، فيض القدير شرح الجامع الصغير، مصر، المكتبة التجارية الكبرى.





٣٨. النسائي، ١٤٠٦ق، سنن النسائي، حلب، الطبعة الثانية، مكتب للمطبوعات الاسلامي.

٣٩. النوري، أبو الفضل السيد أبو المعاطي، بي تا، المسند الجامع المجلد، بي جا.

٤٠. النيشابوري، مسلم، بي تا، صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي.

٤١. الهروي القاري، نور الدين، ١٤٢٢ق، مرقاة المفاتيح، بيروت، دار الفكر.

٤٢. الهيثمي، احمد بن حجر، ١٣٨٥ق، الصواعق المحرقة، تحقيق: عبدالوهاب عبداللطيف، قاهره، الطبعة الثانية، مكتبة القاهرة.

٤٣. \_\_\_\_\_، ١٤٠٨ق، مجمع الزوائد، بيروت، دار الكتب العلمية.



## بایدها و نبایدهای تبلیغ در زندان

مجید صادقی\*

حامد میرزاخان\*\*

### چکیده

با فراهم شدن زمینه حضور مبلغان دینی در زندان‌ها، ضرورت پرداختن به مهارت‌های تبلیغ در این عرصه هم احساس می‌شود و نیز با توجه به تفاوت سطح مخاطبان از نظر فرهنگی و حتی نوع جرم، لازم است مبلغ دینی متناسب با شرایط موجود در زندان، برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشد.

از این رو، توجه به بایدها و نبایدها، از جهت آشنایی با اماکن و بخش‌های زندان و دانستن قوانین اداری و توجه به جنبه‌های امنیتی کار در زندان، حضور موجه‌تری برای مبلغ فراهم می‌کند و نیز آشنایی با سبک زندگی و روابط فردی و گروهی مددجویان و حتی اصطلاحات رایج بین آنها، بر امکان موفقیت او در کار تبلیغی می‌افزاید.

مقاله پیش رو، با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌مندی از یافته‌ها و تجربه‌های میدانی در محیط زندان و کانون اصلاح و تربیت فراهم آمده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با شناخت درست بایدها و نبایدهای تبلیغی در زندان و شناخت صحیح محیط زندان، می‌توان فعالیت تبلیغی مؤثرتری را در زندان به ثمر نشاناند.

### کلیدواژه‌گان

تبلیغ، زندان، مددجو، مبلغ، تبلیغ در زندان.

\* کارشناس ارشد علوم حدیث: mr.majidsadeghi@gmail.com

\*\* دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار (ع): mirzakanhamed@gmail.com



تبلیغ و دعوت به سوی ارزش‌های اسلامی و الهی، در فرهنگ قرآن و سیره پیامبران و ائمه معصومین علیهم‌السلام، یک وظیفه همگانی و همیشگی برای مسلمانان بوده و دارای اهمیت بسیاری است. قرآن مجید، بهترین گفتار را «دعوت إلى الله» دانسته است و می‌فرماید:

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (فصلت، آیه ۳۳)؛ و چه کسی خوش‌گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمانانم.»

همچنین، قرآن کریم برترین امت را کسانی می‌داند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران، آیه ۱۰۴)؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگاران‌اند.»

امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْيَمَنِ وَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ وَ أَيْمُ اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلِيَّ يَدِيكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَ لَأُوهُ يَا عَلِيُّ (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۴۱)؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرا به سوی یمن اعزام کرد و به من فرمود: ای علی! مبارزه را با کسی آغاز نکن، مگر آنکه پیش از آن، او را به اسلام دعوت نمایی. به خدا سوگند! اگر خداوند یک انسان را به دست تو هدایت کند، برای تو بهتر است از تمام آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند.»

امام هشتم علیه‌السلام فرمود:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا؛ خدا بیامرزد کسی را که امر ما را زنده کند.» راوی حدیث گوید: چگونه امر شما زنده می‌شود؟ امام فرمود: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَتَّبِعُونَا (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۷)؛ به آموختن علوم و تعلیم دادن آن به مردمان؛ چه اگر مردمان از آن تعالیم والا که در سخنان ماست، آگاه گردند، پیرو ما خواهند شد.»

به جهت بهره‌مندی از فرصت ایجادشده در طول دوران حبس برای مددجو، حضور مبلغ دینی با توجه به اهداف تبلیغ دینی می‌تواند بهره‌وری از این فرصت را افزایش دهد و در جهت آشنایی

مددجو با معارف دینی و اخلاقی و تربیتی توسط مبلغ در دوره‌های مختلف سال و به‌خصوص در مناسبت‌های ویژه تبلیغی محرم، صفر، ماه رمضان و فاطمیه، زمینه انتقال معارف دین را در جهت اصلاح و تربیت و بازپروری مددجویان فراهم آورد.

هدف اصلی در قانون‌گذاری کیفری در اسلام و مجازات‌های تعزیری، اصلاح، تأدیب و آماده کردن بزهکار برای یک زندگی سالم و شرافتمندانه در جامعه است. اصلاح و تربیت مجرمان در نظام کیفری اسلام، یکی از اهداف مهم به حساب می‌آید. بخشی از اهداف تربیتی با ایجاد بستر شناختی و معرفتی حاصل می‌شود. این آگاهی‌ها، شامل: آشنایی با معارف دین در قالب مسائل و موضوعات اعتقادی، احکام فقهی فردی و اجتماعی، موضوعات اخلاقی و تربیتی، آشنایی با تبعات منفی رفتار در زندگی فردی و اجتماعی، کسب دانش لازم درباره راه‌های مختلف سالم زندگی کردن در پرتو آموزه‌های دینی و معارف اسلامی است و مددجو با آگاهی یافتن از این موضوعات، سطح معلوماتش در مسائل مورد نیاز افزایش یافته، می‌تواند بر اساس این آگاهی‌های جدید، تصمیمات تازه‌ای در زندگی بگیرد و بر پایه این اطلاعات، برنامه‌ریزی بهتری در زندگانی خود داشته باشد.

اهداف تربیتی و اصلاحی نسبت به مددجو، در حقیقت، ایجادکننده نگرش‌های سازنده به خود و جامعه پیرامون است؛ نگرش‌هایی که موجب توانمندسازی تشخیصی به وضعیت خود و خودآگاهی از آنچه خداوند برای او مقرر کرده، می‌شود و توان بازیابی خود در مواجهه با مشکلات و گرفتاری‌ها و وضعیت‌های نامطلوبی را که برای او پیش می‌آید، در پی دارد. این همه، جز با حضور مبلغ روحانی که آموزه‌های دینی را به‌خوبی فراگرفته و مهارت و توانایی انتقال این معارف را در محیط زندان برای مددجویان دارد، به انجام نمی‌رسد.

### پیشینه تحقیق

در مورد زندان و زندانی، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده است که رویکرد بیشتر آنها، تاریخی، فقهی و حقوقی است. تاریخچه زندان و حبس، در دوره‌های مختلف تاریخی و به‌طور مجزا در دوره‌های اسلامی، از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا دوره خلفا و دوره‌های بعدی تا زمان معاصر در حکومت‌های مختلف، بیان شده است؛ به عنوان نمونه، می‌توان به مقاله «زندان و زندانی در دوره صفویه» نویسنده محسن مؤمنی در مجله تاریخ نامه ایران بعد از اسلام و مقاله



«فرآیند ساخت‌یابی نهاد زندان؛ از مشروطه تا پایان پهلوی اول» به قلم نیما اکبری در مجله نقد کتاب علوم اجتماعی اشاره کرد. از نظر فقهی نیز بحث «حبس» به عنوان نوعی مجازات یا تعزیر در شکل‌های مختلف با استدلال‌های فقهی از نظر عامه و خاصه، مورد بحث جدی قرار گرفته است. مقالاتی با عنوان «روایی بازداشت موقت در فقه» اثر حسین ناصری مقدم و همکاران در مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی و همچنین مقاله «لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی» نگارش عبدالعلی توجهی و حسام ابراهیم‌وند که در مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی نوشته شده است.

اما به طور مجزا، کتاب یا مقاله‌ای با رویکرد تبلیغ دینی در زندان که گویای شرایط زندان و زندانی و بایدها و نبایدهای تبلیغ در زندان برای امر مهم تبلیغ معارف دینی باشد، نوشته نشده است که این خود، بیانگر نوآوری این مقاله می‌باشد.

### مفهوم شناسی

#### - زندان در لغت و اصطلاح

«زندان» در لغت، به معانی مختلف بیان شده است؛ از قبیل: بندیخانه، محبس، قیدخانه، حبس، سجن و جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاه دارند (دهخدا، ۱۳۱۹، ذیل واژه «زندان»؛ معین، ۱۳۵۱، ذیل واژه «زندان»). مصدر «حبس»، به معنای بازداشت، بند کردن، توقیف و منع نمودن است (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۱، ص ۷).

در تعریف زندان از منظر قانون، تنها مستند قانونی موجود، در آیین‌نامه و مقررات زندان‌هاست که در ماده سه آن، این‌گونه آمده است:

«زندان، محلی است که در آن، متهمان و محکومان با قرار یا حکم کتبی مقام قضایی موقتاً یا برای مدت معینی و یا به طور دائم، به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارسایی‌ها و بیماری‌های اجتماعی و تحمل کیفر، نگهداری می‌شوند» (آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، ۱۳۸۹، ص ۱، ماده ۳).

#### - زندانی (مددجو) در لغت و اصطلاح

«زندانی» در لغت، به معنای (صفت) کسی است که در محبس باشد (معین، ۱۳۵۱، ذیل واژه «زندانی»؛ فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه «زندانی»). در اصطلاح، زندانی به کسی گویند که در زندان به سر می‌برد و دوران محکومیت خود را سپری می‌کند. در اصطلاح قانون، به افرادی که به



دلیل ارتکاب جرم و به صورت حکم از سوی دادگاه، از نظر فیزیکی، محدود و از آزادی‌های شخصی محروم شده‌اند، زندانی گفته می‌شود.

### تاریخچه زندان

۹۵



زندان، به صورت امروزی که متهم یا مجرم را در یک مکان مشخص زندانی می‌کنند، در زمان حضرت رسول ﷺ و ابوبکر نبود؛ بلکه در آن دوران، زندان عبارت بود از بازداشت شخص و جلوگیری از تصرفات آزاد او؛ برای مثال، اسیران جنگی را در حظیره‌ای (محوطه یا چهاردیواری) که در کنار مسجد ساخته می‌شد، نگهداری می‌کردند و چون در زمان عمر، تعداد جمعیت رو به ازدیاد نمود، زندان مخصوصی جهت نگهداری افراد خطاکار در نظر گرفته شد (وائلی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۶).

دکتر وهبه زحیلی می‌نویسد:

«مسلمانان در صدر اسلام، برای زندان کردن و به بند کشیدن، محلی را اختصاص نداده بودند و چون در آن زمان، وضع اجتماعی گسترده‌تری چندان نداشت، اسیران را یا در مسجد به طور موقت نگهداری می‌کردند و یا آنان را میان مسلمانان تقسیم می‌نمودند؛ چون مسلمانان با حکومتشان همکاری صمیمانه‌ای داشتند.» (خلیلی، ۱۳۸۵، ص ۵).

ابن حزم طاهری می‌نویسد:

«همه قبول دارند که رسول خدا هرگز زندانی نداشت» (خلیلی، ۱۳۸۵، ص ۵).

عمر بن خطاب به ناچار خانه‌ای به مبلغ چهار هزار درهم از صفوان خرید و آن را زندان کرد (شوکانی، بی‌تا، ص ۳۰۵).

اولین کسی که زندان ساخت و اسیر کرد، نمرود بود و نخستین شخصی که در اسلام زندان ساخت، علی بن ابی طالب علیه السلام بود و خلفای قبل از او، مجرمان را در چاه زندانی می‌کردند (طیبی، ۱۴۱۶، ص ۶۱۶). سابق بربری گفت:

«آن زندان را من دیدم؛ زندانی از نی بود. مردم آن را سوراخ می‌کردند و بیرون می‌آمدند. از این رو، علی علیه السلام آن را از گچ و آجر ساخت» (همان، ص ۶۱۴).

بنابراین، آغاز تاریخی تأسیس زندان در اسلام، میان عهد عمر بن خطاب و عهد امیر مؤمنان علیه السلام مردد می‌باشد؛ اما زندانی که عمر بن خطاب تأسیس کرد و بعداً به نام زندان «عارم» نامیده شد، در مکه بوده است و زندان‌های نافع و مخیس که به دستور علی علیه السلام ساخته شد، در کوفه قرار



داشته است. البته توجهی مطلب به صورت دیگر نیز امکان دارد و آن اینکه علی علیه السلام اولین کسی بود که بنای خاصی را به عنوان زندان ایجاد کرد؛ ولی آنچه عمر انجام داد، این بود که خانه‌ای را که محل سکونت دیگری بود، خرید و از آن به عنوان زندان استفاده نمود.

### انواع زندان، بخش‌ها، بندها، مسئولان و رابطان زندان

۹۶



بر اساس ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۸۴)، زندان‌ها متفاوت‌اند که به شرح ذیل است:

**الف. زندان بسته:** زندانی است محصور با برج‌های دیده‌بانی در پوشش داخلی و خارجی و دارای حفاظت کامل. در این نوع زندان، محکومان شب‌ها در خوابگاه‌های اختصاصی یا گروهی نگهداری می‌شوند و روزها از برنامه‌های آموزشی و فنی و حرفه‌ای استفاده می‌کنند و در کارگاه‌های داخل زندان به کار گرفته می‌شوند. این زندان‌ها، بندهای گوناگونی دارند؛ از جمله این بندها می‌توان به: بند قرنطینه، بند نسوان، بند مشاوره، بند عادی، بند کارگاه و بند انفرادی اشاره نمود.

**ب. زندان نیمه‌باز:** با توجه به ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، زندان نیمه‌باز، زندانی است محصور که در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب باشد و در آن، زندانیان به طور گروهی با تعداد کافی مأمور مراقب بدون اسلحه، به کار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار، مجدداً به آسایشگاه‌های خود عودت داده می‌شوند.

**ج. زندان باز:** براساس ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، زندان باز، زندانی است بدون حفاظت و مأمور مراقب که زندانی مدت محکومیت خود را در آن با اشتغال به کار یا خدمت می‌گذارند و حق خروج از زندان را نداشته و شب‌ها را در نزدیک‌ترین آسایشگاهی که به همین منظور تعیین شده، استراحت می‌نماید (آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۸۰ رئیس قوه قضائیه، با اصلاحات و الحاقات ۱۳۸۹)

### - کانون اصلاح و تربیت

بر اساس ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب



۱۳۸۴)، کانون اصلاح و تربیت، مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام، در آنجا برای اصلاح، تربیت و آموزش نگهداری می‌شوند.

با توجه به وجود شرایط خاص برای مجرمان و محکومان کم سن و سال از جهت زمینه‌های جرم و خطا، و نیز شرایط بازپروری ویژه در مورد نوجوانان، کانون اصلاح و تربیت، در محلی غیر از زندان‌های عمومی و با مدیریتی جدای از مدیریت زندان‌های عمومی قرار دارد.

### - واحدهای داخل زندان

در داخل زندان، به منظور رشد مددجویان و ارائه خدمات تأمینی، واحدهایی ایجاد شده است. از جمله این واحدها، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

واحد حفاظت (مسئول حفاظت و کنترل ورود و خروج افراد و شخصیت‌ها و خودرو و... به داخل پوسته داخلی زندان)، اداره فرهنگی و تربیتی (عهده‌دار برنامه‌ریزی و مدیریت کلیه فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی که در بخش‌های مختلف زندان و تمامی بندها اجرا می‌شود)، مجتمع آموزشی (جهت ادامه تحصیل)، واحدهای مشاوره (به منظور کمک به تحکیم مبانی خانواده و روابط خانوادگی و اجتماعی مددجویان)، واحد مددکاری (برای آسان‌سازی روند کار قضایی و بازگشت مددجویان به زندگی عادی)، فنی - حرفه‌ای، بهداری و درمانگاه.

از دیگر مکان‌های موجود در زندان، به خصوص زندان‌های بزرگ، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: کتابخانه، سالن نمایش فیلم، سالن ورزشی، مراسلات پستی، آرایشگاه، خیاطی، مطبوعات، فروشگاه و انبار البسه و بانک. برای توضیح بیشتر، به کتاب روز اول در زندان (شریف‌نژاد، بی تا، ص ۱۱) مراجعه نمایید.

### - مسئولان و رابطان

در زندان به جهت انجام امور مختلف امنیتی، فرهنگی و تربیتی، مسئولان و رابطانی قرار داده شده که با برنامه‌ریزی بتوانند دوران حبس مددجویان را کنترل کنند و آموزش‌های لازم را جهت بازپروری آنها فراهم نمایند. مسئولان و رابطان زندان که مبلغان دینی بیشتر با آنها سروکار دارند، عبارتند از:

مسئول حفاظت، مددکار، مسئول اداره فرهنگی و تربیتی که اعزام و هماهنگی‌های مرتبط با فعالیت‌های تبلیغی روحانیون اعزامی را بر عهده دارد و واحدهای دارالقرآن و ستاد اقامه نماز،



زیر نظر این اداره فعالیت می‌کند. از رابطانی که در داخل زندان و در بندها فعالیت می‌کنند و بیشتر آنها از میان مددجویان انتخاب می‌شوند، می‌توان به: رابط فرهنگی، رابط بهداری و وکیل بند نام برد.

### بایدهای تبلیغ در زندان

۹۸



شناخت اموری که در قالب بایدها در محیط زندان به عنوان مرکزی برای بازپروری وجود دارد، می‌تواند در دستیابی به موفقیت در کاری که شروع شده است، مؤثر باشد. مبلّغ زندان، اگر بایدها و نبایدها را نشناسد و آنها را در مسیر تبلیغی خود مورد توجه قرار ندهد، چه بسا آنچه در زمان طولانی به آن اهتمام ورزیده، به انجام مطلوب نرسد و تمامی تلاش او از بین برود. از این رو، شناخت این گونه آسیب‌ها برای موفقیت در امر تبلیغ، بسیار مهم و بنیادین است. مبلّغانی که قصد تبلیغ در محیط زندان را دارند، باید دارای شرایط ذیل باشند:

#### ۱. شرایط عمومی

- اشتغال به تحصیل در سطح عالی حوزه علمیه؛
- آراستگی ظاهری؛
- توانایی در امر پرسش و پاسخ و برقراری ارتباط مؤثر با عموم مردم، به‌خصوص مددجو و داشتن مهارت بیانی؛
- آشنایی لازم با احکام شرعی، مشاوره، مسائل اعتقادی و اخلاقی و روان‌شناسی؛
- شناخت مسائل مربوط به جوانان؛
- رعایت شئونات طلبگی (در گفتار، رفتار، پوشش و...)
- داشتن فضایل بایسته اخلاقی در امر تبلیغ، مانند: شرح صدر، تواضع، صمیمیت، و...؛
- نشاط و شادابی؛
- داشتن روحیه کار جمعی (پیروی از تصمیم‌های گروهی).

#### ۲. شرایط ویژه

- علاقه‌مندی به فعالیت در زندان و توانایی روحی و روانی لازم؛
- آگاهی اجمالی به مسائل مربوط به مباحث حقوقی و جزائی و درک مسائل و مشکلات مددجویان و خانواده‌های ایشان؛
- تعهد به حضور مستمر.

مبّلیغی که قصد حضور در زندان را دارد و برای امر تبلیغ می‌خواهد وارد زندان شود، باید پیش از ورود به زندان، یک دوره آموزشی کوتاه‌مدت را طی نماید و پس از کسب امتیازهای لازم و موفقیت در کارگاه آموزشی، به حضور در این مراکز اقدام کند؛ زیرا آگاهی از محیط زندان و شیوه تبلیغ در این محیط، از ظرافت‌های خاصی برخوردار است که عدم آگاهی از آن، باعث آسیب‌هایی برای مددجو، مبّلیغ و دیگر رابطان و مسئولان زندان می‌گردد.

از جمله سرفصل‌ها و موارد مورد نیاز برای آموزش، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- آموزش مهارت شیوه اجرای طرح تبلیغ در زندان؛

- آگاهی از مباحث اخلاقی و تربیتی و اعتقادی مورد نیاز مددجویان؛

- احکام تخصصی زندان در مواجهه با مددجویان؛

- مهارت اصول مشاوره و مخاطب‌شناسی؛

- مهارت ارتباط مؤثر.

### نبایدهای تبلیغ در زندان

آنچه در مورد نبایدهای تبلیغ در زندان مطرح می‌شود، نکاتی است که توجه به آن، موجب تداوم و استمرار کار تبلیغی در محیط زندان شده و هدف تبلیغ در زندان را محقق می‌سازد. مبّلیغ باید توجه داشته باشد که حضور او در میان مددجویان و در محیط زندان، ممکن است مورد سوء استفاده قرار گرفته و زمینه گرفتاری وی را فراهم آورد؛ چراکه زندان، محیطی است که مجرمان را در آن نگهداری می‌کنند. از طرفی، اگر مبّلیغ نبایدهای تبلیغ در زندان را مورد توجه قرار ندهد، زمینه کار تبلیغی موفق او سست شده و حتی در مواردی، موجب محرومیت از حضور در این جایگاه تبلیغی می‌شود.

از مواردی که باید در ورود به زندان مراعات شود، عبارت است از:

#### • نبردن وسایل الکترونیکی به داخل زندان

مبّلیغ در بدو ورود به زندان، نباید هیچ‌گونه وسیله الکترونیکی مثل: موبایل، تبلت و فلش را با خود به داخل زندان ببرد؛ چراکه این کار از نظر قوانین زندان، جرم محسوب می‌شود.

#### • عدم ورود به موضوع پرونده‌های حقوقی و قضایی مددجویان

مبّلیغ نباید از محتوای پرونده مددجو پرس‌وجو کند؛ زیرا گاهی پرونده‌هایی است که بسیار پیچیده و چندلایه است و با صحبت چند دقیقه‌ای یا حتی بیشتر، امکان حل و فصل آن فراهم



نمی‌شود و از حیطة کار تبلیغی مبلّغ نیز خارج است.

#### • عدم پاسخگویی و راهنمایی در موضوع حقوقی و قضایی پرونده مددجو

معمولاً کسی که در زندان است، چندین مرحله پرونده‌اش از طرف سیستم قضایی مورد بررسی قرار گرفته و چه بسا مددجو خودش نیز اشراف کامل به پرونده‌اش نداشته باشد و فقط وقت مبلّغ از این جهت تلف می‌شود و ممکن است در طی مراحل قانونی پرونده، بهانه‌ای هم به دست مددجو بدهد و عنوان کند که فلان مطلب یا حکم را مبلّغ روحانی زندان یادآوری کرده است.

#### • عدم پیگیری امور شخصی مددجو در خارج از زندان

گرچه کارگشایی از کار مؤمنان، بسیار ارزشمند است، اما مددجویان در خارج از زندان، امور مختلف و کارهای فزونی دارند و مبلّغ با ورود به برخی از آن کارها، زمینه ورود به کارهای دیگری که اطلاع و آگاهی از آن ندارد، برایش فراهم می‌شود و چه بسا پای شاکیان مختلف به آن کار باز شود و در مواردی، نه تنها گره‌ای از کار او باز نمی‌کند، بلکه مشکلات دیگری نیز برای مبلّغ ایجاد خواهد شد.

#### • پرهیز از هم‌غذا شدن با مددجو

مبلّغی که وارد زندان می‌شود، حتی المقدور از هم‌غذا شدن و استفاده از نوشیدنی و مواد غذایی و خوراکی که از طرف مددجویان پذیرایی می‌شود، خودداری نماید.

#### • دوری از وساطت

یک مبلّغ نباید در خصوص دریافت امتیازهای مددجویان در بند، مانند: زمان تماس تلفنی، انواع ملاقات و مرخصی، وساطت نماید؛ اموری که به عنوان امتیاز برای بهره‌برداری از امکانات زندان برای مددجویان در نظر گرفته می‌شود و با توجه به نوع رفتار انضباطی و همکاری و مشارکت مددجویان در برنامه‌های زندان، مدنظر قرار می‌گیرد. این امتیازات را وکیل بند یا مسئول فرهنگی لحاظ می‌کند. وساطت مستقیم مبلّغ در بهره‌مندی از این امتیازات، به‌خصوص اگر با درخواست از طرف مددجو باشد، ممکن است زمینه تبعیض و اختلاف در برنامه‌های زندان را فراهم آورد؛ اما خود مبلّغ در صورت صلاحدید و به عنوان تشویق، بدون اطلاع مددجو می‌تواند از مسئول مربوطه درخواست کند که زندانی را مورد تشویق قرار دهد.

#### • عدم دریافت هدیه از طرف مددجویان

برخی مددجویان، در زندان اقدام به ساخت کارهای هنری دستی از چیزهایی که در اختیار دارند



می‌کنند؛ مثل تسبیح و وسایل بافتنی یا حکاکی؛ حتی المقدور مبلغ از دریافت این‌گونه وسایل به عنوان هدیه خودداری نماید؛ چراکه در برخی موارد ممکن است زمینه سوء استفاده از ارتباط صمیمی مددجو با مبلغ در میان سایر مددجویان، مشکلاتی را ایجاد نماید.

#### • عدم تقابل با رسم و رسومات جاافتاده در زندان بین مددجویان

در میان مددجویان و در محیط زندان، برخی رسوم اجرایی، رفتاری و یا گفتاری به صورت عرف زندان وجود دارد که ممکن است برخی از آنها به مذاق همه خوش نیاید. مبلغ با تغافل از این‌گونه رفتارها، نباید برخورد تقابلی داشته باشد؛ به‌ویژه اگر با مبانی دینی هم ناسازگاری نداشته باشد.

#### • عدم بیان مباحث چالش‌برانگیز در میان مددجویان

بیان مباحثی که موجب ایجاد چالش رفتاری و گفتاری بین مددجویان می‌شود، زمینه بروز اختلاف و ناراحتی و یا در مواردی زمینه ایجاد فتنه و درگیری در زندان را فراهم می‌کند. طرح مباحث اختلافی مذهبی بین شیعه و اهل تسنن، طرح مباحث ماورایی مثل خواب و جن، به‌خصوص در بند زنان، موجب بروز مشکلاتی برای مددجو می‌شود؛ زیرا کسی که در زندان به سر می‌برد، به اندازه کافی تحت فشار هست و مبلغ نباید موجبات بروز ناآرامی در زندان را فراهم آورد.

#### • عدم واگذاری کارت تردد به مبلغ دیگر

گاهی مبلغ نمی‌تواند در وعده نماز جماعت زندان حاضر شود. در این‌گونه موارد، نباید کارت تردد خود را برای انجام نماز، به مبلغی دیگر واگذار نماید؛ چراکه صدور کارت تردد، از طرف حراست زندان انجام شده و واگذاری به غیر، از نظر قوانین زندان مجاز نیست.

#### محتوای تبلیغی

همان‌طور که از واژه «تبلیغ» پیداست، رساندن پیام دین، مهم‌ترین دغدغه مبلغ دین است و آنچه او را در دستیابی به این مهم کمک می‌کند، تسلط علمی به موضوعی است که می‌خواهد بیان کند. اشراف بر محتوای غنی تبلیغی و انتخاب مناسب آن محتوا برای مخاطب، مهم‌ترین مسئله در تبلیغ است. در اینجا آنچه از نظر محتوای تبلیغی و موضوعات مورد نیاز مددجویان در جهت بازپروری در زندان مورد توجه است، بدان پرداخته می‌شود؛ موضوعاتی که هرکدام زیرشاخه‌های



فراوانی دارد و با توجه به نوع مخاطبانی که مبلّغ با آنها مواجه می‌شود، می‌تواند برخی از آنها را انتخاب کند و با پرورش و پرداخت آن، متناسب با محیط زندان، به بهترین شکل به مددجویان ارائه نماید.

محتوای قابل بحثی که در محیط زندان می‌توان از آن استفاده نمود، به چند بخش تقسیم می‌شود:

### الف. مباحث اعتقادی

مباحث اعتقادی، عبارت‌اند از موضوعاتی از قبیل: باور به خدا و معاد، نقش باورهای دینی در انسان و جامعه، مقدرات الهی، جبر و اختیار، شفاعت.

### ب. مباحث رفتاری و اخلاقی

برخی از این موضوعات، عبارت‌اند از: اجتماعی زیستن، توبه و توبه‌شکنی، قناعت و زیاده‌خواهی، ارتقای انگیزش تحصیل، بدزبانی و عفت کلام، توکل، توسل، وحدت و اهمیت آن (به دلیل حضور مددجویان اهل سنت و دیگر ادیان در زندان)، امیدواری، خودزنی و خودکشی، اخلاق فردی و اجتماعی، گناهان اقتصادی، دوست و دوست‌یابی.

### ج. مباحث روان‌شناختی

این مباحث، از اهمیت بسیاری در داخل زندان برخوردار است؛ زیرا اکثر افرادی که مرتکب جرمی می‌شوند، دارای رفتارها و اختلالات روان‌شناختی هستند و یا با مهارت‌های اولیه زندگی آشنایی ندارند؛ مهارت‌هایی همچون: خودآگاهی، همدلی، روابط بین فردی، ارتباط مؤثر، کنترل هیجان، حل مسئله و تصمیم‌گیری که باعث قدرت‌سازگاری افراد می‌شوند. این مباحث، باید با دقت و تسلط بر مطالب بیان گردد؛ از جمله: رهایی از افسردگی، مهارت‌های زندگی، کنترل خشم، بازپروری اجتماعی، روش‌های کنترل خانواده، هویت‌یابی و شناخت اختلالات روانی.

### سخن پایانی

هدف از ایجاد زندان‌ها، در حقیقت، مجازات افرادی است که در آسایش عمومی ایجاد اختلال کرده‌اند و در واقع، هدف از این کار، اصلاح و تربیت مددجویان است. موضوع اصلاح و تربیت بزهکاران، به قدری مهم است که اقدامات اصلاحی و بازپرورانه در قانون، تنها به دوران



محکومیت ختم نمی‌شود و طبق مقررات مربوط به مراکز مراقبت، بعد از خروج زندانیان، در جهت اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم، از طریق حمایت‌های مالی و معنوی، این مراکز خدماتی را ارائه می‌دهند. نهاد دین، به عنوان نهادی مؤثر در ایجاد روح اطاعت و بندگی و اصلاح اساسی رفتار و ایجاد کنترل درونی در افراد، می‌تواند این امر مهم را عهده‌دار شود و با دارا بودن گستره‌ای از موضوعات اخلاقی، اعتقادی و خانوادگی و نیز تبیین و تمرین آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از مبلغان دینی، نقش بسیار مهمی در بازپروری مددجویان ایفا می‌کند.





## منابع

۱. قرآن کریم.
  ۲. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ۱۳۸۹، مصوب ۲۰ آذر ۱۳۸۴ رییس قوه قضاییه با اصلاحات.
  ۳. جمعی از نویسندگان، بی‌تا، زندان، تهران، نشر پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی.
  ۴. خلیلی، عذرا، ۱۳۸۵، مقاله «جایگاه زندان در اندیشه دینی»، فقه و حقوق خانواده، ش ۴۳، ص ۶۲-۹۰.
  ۵. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۱۹، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه دهخدا.
  ۶. شریف‌نژاد، هوشنگ و دکتر فرزاد جلالی، بی‌تا، روز اول در زندان، بی‌جا.
  ۷. شمس، علی، ۱۳۳۶، پژوهشی درباره زندانبانی اسلامی، مشهد، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان خراسان.
  ۸. الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، بی‌تا، نیل الأوطار، بیروت، دار الجلیل.
  ۹. صدوق، محمد بن علی، بی‌تا، عیون اخبار الرضا، تهران، جهان.
  ۱۰. طبسی، نجم‌الدین، ۱۴۱۶ق، موارد السجن فی النصوص والفتاوی، قم، الحوزة العلمية القم، مکتب الاعلام الاسلامی.
  ۱۱. طوسی، محمد، ۱۳۶۵، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب العلمية.
  ۱۲. عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر.
  ۱۳. محمد بن قیم الجوزیة، ۱۹۸۵م، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، قاهره: نشر دار المدنی.
  ۱۴. معین، محمد، ۱۳۵۱، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر امیر کبیر.
- وانلی، احمد، ۱۳۷۸، احکام زندان در اسلام، ترجمه: محمدحسن بکائی، قم: ناشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.





### Speeches of the Late Falsafi Features and Criteria

Mohammad Ali Najafi Kermanshahi\*

#### Abstract

Gaining skills and success in the field of preaching and propagation depends on various factors and approaches. One of these approaches is to recognize the characteristics of famous lecturers and preachers of the Shiite world; by knowing and discovering the secret of their victory and success, the preacher should follow their model and perform his duty in propagating and explaining the teachings of Ahl al-Bayt. The famous preacher, Sheikh Mohammad Taqi Falsafi is one of the most famous Shiite preachers in the last century, and the issue of mentioning the most important features of his (religious) speech is the subject of this paper. In addition to having more than seventy years of speech and propagation experience, he owns a style in the field of speech. The purpose of this study is to illustrate the characteristics of his speeches in order to provide a standard model. The method of this research is based on library and field research., While emphasizing the diversity and multiplicity of features of the speeches of some preachers, this study defines "feature" as a characteristic that only some people adhere to, and mentions ten features of the speeches of the late Falsafi, under such headings as: using up-to-date scientific topics, introducing the comprehensiveness of Islam, multiple reading and mass reading, correct use of stories, using narrations in a wise manner, mentioning political issues without factionalism, use of non-linguistic tools, agreement of his speech and behavior, attention to the three axes: "wisdom", "preaching" and "controversy" and attention to the position and needs of the audience. These characteristics are organized in three areas: "preacher", "religious speech" and "audience" and in general, it presents a geometry in the field of propagation and religious speech which can be called "philosophical school of propagation".

#### Keywords

Propagation, features of religious speech, the late Falsafi.

---

\* Qom seminary graduate, PhD student in Islamic history and civilization: Najafi1370@gmail.com.



## Strategies to Strengthen Religious Beliefs in Society from the Perspective of the Qur'an

Alijan Karimi\*

### Abstract

The hearty and verbal acknowledgment of the missions of the prophets is called "faith" and it has different degrees in different people, considering the factors that play a role in creating and strengthening it. However, what principles and strategies strengthen religious faith and beliefs is debatable. Examining the verses of the Qur'an on human nature and paying attention to the common teachings of the prophets, especially the teachings of Islam on religiosity, shows that there are methods to strengthen religiosity that satisfy man's sense of truth-seeking and questioning, are in harmony with his perfectionist and God-seeking nature, use different message communication skills, such as eloquent expression and beautiful and attractive methods, consider the abilities and expectations of the audience and avoid strictness and putting the obligee in the hardship, and be flexible and in a word easygoing.

### Keywords

Religion, religious beliefs, methods, Quran, society.

---

\* Level four graduate of Qom seminary (PhD), researcher of the Research Center for Qur'anic Sciences and Culture, alijankarimi5@gmail.com



## Requirements of Propagation and Preachers

With Emphasis on the Statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution of Iran

Nafiseh Ghanbari\*

### Abstract

The immortality and universality of Islam shows the universality of the invitation of human beings to this religion, which necessitates the need to propagate the religion of Islam. Propagation of the religion is one of the most basic duties of the divine prophets, and the importance of this serious matter has been specified in the verse "those who preach the Messages of Allah, and fear Him, and fear none but Allah. And enough is Allah to call (men) to account." (Sura al-Ahzab, verse 39). It is necessary for religious scholars to make propagation their top priority in order to preserve and revive Islamic values. Therefore, knowing the requirements of propagation is essential for any Preacher. This study seeks to explain the requirements of propagation from the perspective of the Supreme Leader of the Revolution, the leading model for the preachers, in order to be able to provide an effective step in improving the quality of propagation. According to the Supreme Leader, the prerequisite for propagating religion is self-improvement and sincerity of the preacher. In such a way that the preacher's action is consistent with his words in order to increase efficiency and effectiveness. Insight, wisdom, and the use of propagation techniques and tools are other requirements of propagation that will play an effective role in advancing the goals of religion.

### Keywords

Ayatollah Khamenei, propagation, self-improvement, elements of propagation, tools and techniques of propagation.

---

\* Master of Philosophy and Theology: N.Ghanbari2021@Gmail.com.



## The Place and Role of Literature in Propagating Religious Teachings With Emphasis on Poetry

Ali Akbar Forati\*

### Abstract

Propagation has various tools, one of the most important effective tools of propagation is literature and art, which itself has many forms and has been considered in Islam. In addition to the Holy Quran, the verbal miracle of the Prophet (PBUH), the eloquence and fluency of the Fourteen Infallibles as well as their mastery of their ancient and contemporary literature and its use in speeches and hadiths, and the material and spiritual support of literary men and poets who are preachers of religion and Shiism, the advice of the people to refer to these literary men preachers, and their cultural intellectual attraction and guidance on the other hand, clarify the importance of paying attention to literature in the matter of propagation. Furthermore, the study of literary types of poetry and prose in the words of Imams and their followers, on the one hand, has verbal beauties along with high quality content and meaning, and has used code, metaphor, and simile to convey the message of religion, and on the other hand, it has been the provider of the elaboration, explanation or reflection of some restrictions or scripts in the narrations, which has helped to convey the concepts to the society. The current study seeks to highlight the importance of this issue in propagation by referring to some examples so that today's preacher can use effective tools, such as literature and art, according to the needs of the day.

### Keywords

Literature and propagation, literature of Ahl al-Bayt (AS), methods of propagation.

---

\* Faculty member of the Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran: a.forati@ut.ac.ir.



### An Analysis of Waiting Capacity in Sunni Narrative Sources

Hossein Elahinejad\*

#### Abstract

Waiting (for Imam Mahdi's reappearance) is one of the important teachings of Mahdism and accepted by all Islamic groups - Shiites and Sunnis. Among the Sunnis, belief in waiting is proposed with two approaches, "hadith-based" and "belief-based". Hadith-based, is recognized with two attitudes, "conceptual" and "logical", or in other words, as "implicit" and "explicit". Waiting, with a hadith-based approach that relies on the narrations of waiting, is divided into two types of "explicit" in which the word "waiting" is explicitly mentioned in the narration and in the form of "implicit" which is conceptually taken from the narrations. However, waiting with a belief-based approach relies on the sayings of scholars and the result of the beliefs of the Sunni people. In the hadith-based approach, limited narrations have been narrated in Sunni sources in the form of explicit. On the other hand, the hadith-based approach have been narrated implicitly in Sunni hadith sources, through many hadiths about waiting. With a belief-based attitude, the issue of waiting is a comprehensive issue among the Sunnis and is accepted by all their believers. In this study, through the descriptive and analytical method, the issue of waiting from the perspective of Sunnis has been dealt with and the method of libraries and documents has been used to collect the data. The scientific achievement of this study is proving and justifying the acceptability of waiting as a comprehensive, necessary, doctrinal, and consistent belief among the Sunnis.

#### Keywords

Waiting, Sunnis, Mahdism, reappearance.

---

\* Associate professor at Islamic Sciences and Culture Academy: [hosainelahi1212@gmail.com](mailto:hosainelahi1212@gmail.com)



### The Do's and Don'ts of Propagation in Prison

Majid Sadeghi\*

Hamed Mirzakhan\*

#### Abstract

By providing the context for the presence of religious preachers in prisons, there is a need to deal with the skills of propagation in this area, and also due to the difference in the level of the audience in terms of culture and even the type of crime, it is necessary that the religious preacher have proper planning according to the prison conditions. Therefore, paying attention to the do's and don'ts, in order to get familiar with the places and wards of the prison and knowing the administrative rules and considering the security aspects of prison work, provide a more justified presence for the preacher, and familiarity with the help-seekers' lifestyle and individual and group relationships, and even the common terms used between them, increases the possibility of his success in propagation. The present article has been conducted by a descriptive-analytical method and using the findings and field experiences in the prison environment and Center for Correction and Education. Studies show that by properly understanding the do's and don'ts of propagation in prison and the correct knowledge of the prison environment, more effective propagation activities can be done in prisons.

#### Keywords

Propagation, prison, help-seeker, preacher, propagation in prison.

---

\* Master of Hadith Sciences, mr.majidsadeghi@gmail.com.

\* Graduated from Level four of Islamic seminaries in Qom, researcher of the Jurisprudential Center of the Pure Imams: mirzakhanhamed@gmail.com.